سبیل الرشاد

مصنفہ

محمد عاشق

Col. c. 1867

SL. NO. 029395

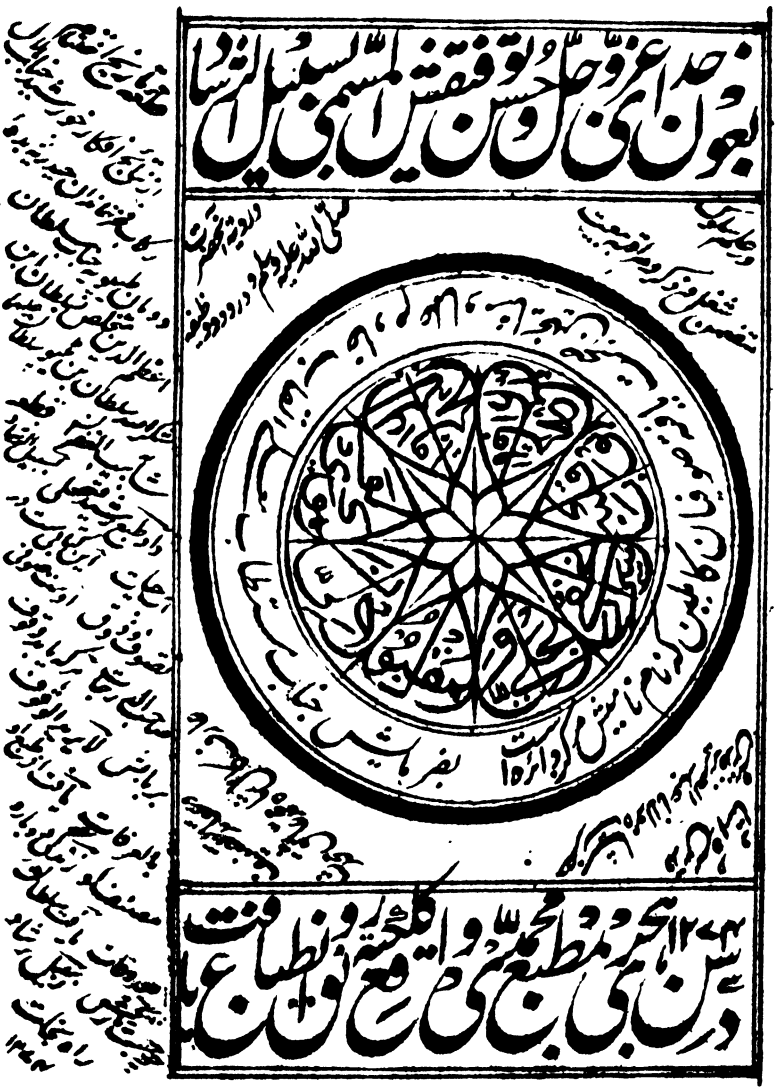
105
ن.ب.ش

	سطر	صفحہ
باب اول در اکتساب طریق اجتبا	۹	۶
اقسام ذکر	۱۳	۸
طریق ذکر	۱	۱۰
اسرار ذکر	۱۲	۱۴
اقسام طریقۂ مراقبہ	۸	۱۸
فصل در بیان فوائد صحبت مرشد کامل و طریق حصول فائدہ از مرشد کامل غائبانہ	۸	۲۱
فصل در طریق دفع خطرہ و وسوسۂ شیطان از دل سالک	۱۰	۲۴
طریق اربعین یعنی چلہ نشینی	ایضا	۳۲
فصل در طریق اجتبا متضمن ورد و وظائف	۵	۳۸
باب ۲ در طریق انابہ متضمن طریقہ خضوع و خشوع و حضور قلب در نماز و اذکار و وظائف و طہارت باطن و صفای قلب و عقائد حقہ مطابق اہل سنت جماعت	۳	۴۳
ادعیۂ کہ بعد بیدار شدن از خواب می باید خواند	۱۳	۵۰
ادعیۂ نماز فجر	۱۱	۵۶
ادعیۂ بعد ہر نماز	۴	۶
طریق صلوۃ اشراق وغیرہ	۵	۶۱
ادعیۂ بعد نماز ظہر	۹	۶۲
بیان نماز عصر	۱۳	۶۳
ادعیہ و اشغال مابین مغرب و عشا	۳	۶۵

	سطر	صفحہ
ایضا انچیکہ بعد عشا می باید خواند	۴	۶۷
ادعیہ و اذکار وقت خواب	۸	۷۰
دعا و ذکر وقت نماز تہجد	۱۲	۷۳
ادعیہ طعام خوردن و بیت الخلا رفتن و در مجلس نشستن وغیر	۸	۷۸
طریق صلوۃ التسبیح	۴	۸۰
طریق در خواب دیدن آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم	۵	۸۲
فائدہ برای کشایش رزق	۷	۸۵
رسالہ عقائد تالیف حضرت شاہ ولی اللہ محدث ولد مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی قدس سرہما موسوم بحسن عقیدہ	۵	۸۷
دعای اعتصام	۸	۹۹
دعای حزب اسم اعظم	۳	۱۱۳
اسماء اللہ الحسنی	۱۰	۱۲۴
چہل اسما	۷	۱۲۶
دعای سیفی	۱۲	۱۳۱
فوائد و خواص دعای سیفی	۱	۱۵۸
اسناد حزب البحر و طریق دعوت آن	۱	۱۶۱
درود عبد السلام ابن مشیش قدس سرہ	۱	۱۸۱

تمت

185.
Calc.
SOCIE



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الرحيم الولي والصلوة والسلام
على سيدنا محمد النبي الامي وعلى آله و
اصحابه كل نقي وتقي اما بعد ميكويد فقير محمد عاشق
الملقب بالعلي بن الشيخ عبيد الله البارهوي بلهلهني عفى الله تعالى
عنه وتبه الخفي والجلي كه سعادت انسان در قرب ماريست
عزوجل وقرب وي تعالى از قبيل قرب جسم بجسم يا قرب عرض بجوهر
يا قرب زماني ومكاني نيست نظم قربي بالا وپستي رفتست
قرب حق از قيد هستي رستست يعني بلكه قرب او تعالى بانبساط لطائف

کامنه و بارزه عبد بصبغة الله است و سریت نور او سبحانه در ظاهر
و باطن وی این او در اده است اجتبا و انابت کما قال الله تعالی
اَللّٰهُ یَجْتَبِیْٓ اِلَیْهِ مَنْ یَّشَآءُ وَیَهْدِیْٓ اِلَیْهِ مَنْ یُّنِیْبُ
اما اجتبا پس عبارت از نزول فیض الهی ست اولا در لطائف
نفسیه کامنه که در اصل از عالم قدس اند مقتضی بعثاق نفسیه و
تیقظ آنها ازان فیض بعد ازان سریت نور الهی ازان اه در
لطائف بارزه و قوی و جوارح تا آنکه فنا و بقا حاصل شود و مانند
جسم بلوری مجرد طی کرد و که در یکدیگر او تا توبت ربانی در غایت شعشعانی مرکوز
باشد و گویا بهمین معنی اشارت ست در قول الله تعالی اَللّٰهُ نُوْرُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ
فِيْهَا مِصْبَاحٌ ؕ اَلْمِصْبَاحُ فِيْ زُجَاجَةٍ ؕ اَلزُّجَاجَةُ
كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ و این معنی از مقتضای نورت
نفسی شخصی ما بتد مخصوص بعض و لهذا در قرآن مجید وارد شد که

يَجْتَبِيْ إِلَيْهِ مَنْ يَّشَاءُ و در شرع دعوت بسوی آن بجز
بر مزو اشاره وارد نشد و اما انابت پس عبارت از تنزل
نور الٰہی ست بملابست اقترابات و عبادات در لطائف
بازگشت و تصعد آن بلطائف کامنه و این معنی از مقتضای
صورت نوعیه ست و دعوت بسوی کوکب آن در شرع
صریح وارد گردیده کما قال الله تعالی وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ
و معنے اول اگرچه از مواهب ست اما در سنة الله آنرا هم شرط
بکسبے ساختند و مقدور بشر گردانیده که بدان کسب تهیا این
امر موهبی پیدا میشود و آن اشتغال و مراقبات اند که مشایخ طریقت
بآنها ملهم شدند در راه دوم که انابت باشد تعمیر اوقات ست
باوراد و وظائف موقته لسانیه و عبادات بدنیه و هر یک را
ازین دو راه استعدادی علی حده نهاده اند و سلوک آنرا بروی
آسان کردانیده قال الله تعالی قُلْ كُلٌّ يَّعْمَلُ عَلٰى

شَاكِلَتِهٖ ۔ وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
كُلٌّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهٗ اگرچہ در طریق اجتبا آنچہ میباید بوجہ اتم
واوفی در رسائل شیخ من مرشدی من قطب الوقت امام العصر
مجدد زمانہ قطب الدین احمد حضرت شیخ ولی اللہ ادام اللہ
برکاتہ فیوضہ مثل قول جمیل فی بیان سواء السبیل و ہمعات اللطائف
القدس فی بیان لطائف النفس بانجحقات عالیہ و تدقیقات متعالیہ
مذکورست اما این فقیر بحکم حدیث شریف کہ لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ
حَتّٰى يُحِبَّ لِاَخِيْهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهٖ خواست کہ آنچہ در
ہر دو باب مختار و معمول خودش ہست برای یاران سعادت مند
کہ رابطہ خلوص مودت پیدا کردہ اند در اوراقی مضبوط نماید و آن
رسالہ را بِسَبِيْلِ الرَّشَادِ لِاَهْلِ الْمَحَبَّةِ وَالْوِدَادِ موسوم کردانید فاقول
واللہ حسبی ونعم الوکیل وعلیہ اعتمادی فی کل الامور و
التعویل کہ سالک راہ حق را اول باید کہ اعتقاد درست پیدا کند

موافق قرار داد قدمای اهل سنت و جماعت بل احسن بیک
این فقیر آنست که حسن عقیدت را که حضرت شیخ من مرشد من ضبط
فرموده اند و درین رساله در اول فصل اخیر ثبت خواهد افتاد
بیاد گیرد و آنرا نیک فهمیده اعتقاد را درست سازد و بر اعمال شرعیه
از فرائض و واجبات و سنن و نوافل خود را بی تهاون مقید گرداند
که عقائد و اعمال شرعیه بمنزله اساس است بنیاد بی اساس قائم نمیگردد
و کجی وی همه را کج میگرداند بیت خشت اول گر گذارد بر زمین
معمار کج تا برارد تا فلک باشد همان مقدار کج بعد ازان
هر راه که استعداد آن داشته باشد پیش گیرد **باب اول**
در اکتساب طریق اجتناب دانکه سلوک این طریق بدو وجه است
ذکر و فکر که عبارت از مراقبه است اما ذکر فکما قال الله تعالی
وَاذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وقال تعالی وَيَذْكُرُونَ اللّٰهَ
قِيَامًا وَّقُعُودًا وَّعَلٰى جُنُوبِهِمْ این آیت گویا مفسر ذکر کثیر است

که در آیتا اول مردان رفع شد یعنی در جمیع اوقات حرکات
وسکنات در حال طلب معیشت و فراغت و نصب و راحت
و در حین بقطه و خواب استراحت از ذکر غافل نباشند بدانکه حضرت
شیخ من مرشدنا در همعات فرموده که اسعد ناس آنکه کسی است
که صحیح المزاج قوی العشق باشد و آنکه متساهل و مختل المزاج
یا صفت عشق بروی مستولی نمیشود او را ازین راه چندان
بهره نیست بالجمله ذکر بر دو وضعست لسانی و قلبی اما لسانی
پس اکثر جا که در شرع امر بذکر وارد شده عند الجمهور مراد ازان
ذکر لسانیست سرا کان او جهرا انا قلبی هم از قول حق سبحانه
که وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ
الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ
مِنَ الْغَافِلِينَ استنباط نموده اند که مراد از ذکر فی النفس ذکر
قلبیست بقرینه عطف دون الجهر من القول که عبارت از ذکر

خفی لسانی ست و بهی از غفلت و نوم و یقظه که گویا مالغد و
والآصال اشاره بدان ست در قلبی میتواند شد نه لسانی و تقیید
بتضرع و خوف برای آنست که از سر غفلت و از قبیل حدیث
نفس نباشد و غرض تضرع و خوف جهی ست که محب را از غایت
حب در حضرت محبوب پیش می آید و الله اعلم بالصواب و باید دانست
سالک که ذکر میکند گاهی از قبیل ندا می باشد و این قسم در مناجات
معدود میکرد دیس این قسم جهر مفرط مجوز نیست قال النبی صلی الله
علیه وسلم اَرْبَعُوا عَلٰی اَنْفُسِکُمْ فَاِنَّکُمْ لَا تَدْعُوْنَ
اَصَمَّ وَلَا غَائِبًا و وقتی باعث سان ذکر محض جوش شور شوق
میباشد که ملحوظ در ان نداو اسماع نیست بلکه انجا همین شوق
مذکور ست که بصورت ذکر بر می آید پس در ینجا هر مقدار که جهر باشد
جائز می تواند شد زیرا که از ان قبیل نیست که مورد وعید گشته
والله اعلم بالصواب بالجمله ذکر بر دو صنعست نفی و اثبات

واسم ذات اما نفی و اثبات پس در حدیث شریف وارد شد
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا حِجَابَ بَيْنَهٗ وَبَيْنَ اللّٰهِ وسترش آن بود
که حجاب درمیان عبد و میان حق سبحانه همین توجه بسوی اکوانست
و در ین ذکر چون او لا نفی ماسوی است پس حجاب کے ماند و حضرت
موسی علی نبینا و علیه الصلوٰة و السلام با وجود تکرار سوال ذکر
مخصوص همین ذکر ما مور شدند کما ورد فی الحدیث اَنَّ مُوْسٰی
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِّ عَلِّمْنِيْ شَيْئًا اَذْكُرُكَ بِهٖ
اَوْ اَدْعُوْكَ فَقَالَ يَا مُوْسٰی قُلْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فَقَالَ
يَا رَبِّ كُلُّ عِبَادِكَ يَقُوْلُوْنَ هٰذَا اِنَّمَا اُرِيْدُ شَيْئًا
تَخُصُّنِيْ بِهٖ قَالَ يَا مُوْسٰی لَوْ اَنَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعَ
وَعَامِرَهُنَّ غَيْرِيْ وَالْاَرَضِيْنَ السَّبْعَ وُضِعْنَ فِيْ
كَفَّةٍ وَّلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِيْ كَفَّةٍ لَمَالَتْ بِهِنَّ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ همین بس که کلمه نفی همه را نابود میکرداند و نسبت هریک از

عوام وخواص فاعل بحسب استعداد وی میدهد پس طریق
آن که معمول اکابر طریقه هست آنست که لا را از ناف بر اردو از
جانب راست کشیده بر منکب یمین گذارده ولا الٰه بدماغ رساند و
الّا الله را از دماغ بر دل کوبد و در جانب نفی ملاحظه لا معبود
بالا فاعل و یا لا موجود بحسب ترقی و در اثبات حصر این
معانی در حق سبحانه مرعی دارد و این معنی ولا بطریق دعا
خواهد بود بعد ازین بفضل الٰهی صدق و یقین روی خواهد نمود
و سر درین وضع ذکر آن تواند بود و الله اعلم بالصواب که ناف را
که برزخ بین اعلی و اسفل بدن انسانی هست محل نفس گفته اند چنانچه
مضغه صنوبری را مقام قلب و همچنین بعض دیگر اکمنه مخصوصه
بدنی را مقامات دیگر لطائف نفسی انسانی که در حقیقت حقائق
قدسیه اند بسبب تعلق شان قرار داده اند پس شروع نفی از انجا باید نمود
که اَعْدَا عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ وَبَيْنَ مَقَامَاتِ

جمیع لطائف از روح و سر و غیره و ما بین همین قرار یافته
پس چون نفی را بر جمیع لطائف گذارا قصد و همه را احاطه آن
دارند در تهذیب و ازالهٔ حجب همه بلکه نفی و افنای همه معتقدات
و سر ضرب بر دل آن تواند بود که منبع احوال قلب ست پس
چون حال الهی بسبب اثبات بران وارد شود از انجا در جمیع
اجزا سرایت خواهد نمود و بعد هر پنج یا هفت بار یکبر تبه محمد
رسول الله گوید و آنرا از قلب بناف رساند که از شیخ شیخ
شیخ بزرگ شیخ عبد الرحیم قدس سره همین منقول و در بعضی واقعات
این فقیر از طرف مجذوبی اشاره باین معنی نیز دریافته شده
و سرش آن تواند بود که در حال ذکر توجه بآن جناب که برزخ
کبری ست بمنزلهٔ صحبت شیخ کامل و توجه وی مفید در سلوک او
خواهد بود و الله اعلم بالصواب و مراعات حبس دم و نگهداشت
عدد وتر دران نیز لازم داند که حبس را در جمیع خاطر و شد خطرات

وتسخین قلب اثر تمام ست واللہ تعالی وتر یحب الوتر
واما اسم ذات فقال اللہ تعالی قل اللہ ثم ذرھم یعنی
بسوی ذات کہ مسمی باسم اللہ ست متوجہ شو پس ترہا کہ اکوان را
بلذا از شیخ من مرشد من حضرت ولی العصر قطب الوقت در سماعت
میفرمایند کہ اسم اللہ را از سہ جہت صعود بذات الہی میشود اول
از راہ ملائکہ کہ صورت این اسم مبارک در رنگ شعلہ در نفوس
ملائکہ موکلہ بذکر منطبع میکردد وچون اکثار آن می شود از این
نفوس بنفوسی کہ فوق ایشانند منطبع میکردد وہکذا تا کہ بحظیر القدس
میرسد ودر حضور تدلی اعظم می ایستد وہمین معنی دارد لفظ
حدیث فحبی بہا وجہ الرحمان دیگر از راہ صورت مثالیہ او کہ چون
این اسم اعظم از زبان برمی آید از وی حقیقتی بغایت فخیمہ جوشن میزند
وآنرا تا بذات بحت راہی کشادہ ہست دیگر از راہ نفس ناطقہ ذاکر کہ
ہمت او بحظیرۃ القدس میرسد ونیز حضرت شیخ من مرشد من مجدد

العصر فرمودند که اسم مبارک الله تدلی ست از تدلیات آلیه
در نشار الفاظ و کلمات و آن را شانی ست عظیم در عالم مثال انتهی
پس گویا انچه در حدیث قدسی وارد شده که أَنَا مَعَ عَبْدِي
إِذَا ذَكَرَنِي وَتَحَرَّكَتْ بِي شَفَتَاهُ وَأَنَا جَلِيسُ مَنْ
ذَكَرَنِي اشارتیست بدان معنی یعنی تحرک لبهای شفاه
فرموده نه تحرک سایر و انا جلیس من ذکرنی نیز مشیر بدانست والله اعلم
بالصواب بالجمله ذکر بابن لفظ مبارک گویا وصالست بآن
ذات جامع کمالات منبع تدلیات و طریق آن که مشایخ طرق
قدس سرهم اهم مقرر فرموده اند آنست که لفظ الله را با
تفخیم و شدت تمام از ناف برکشند و تا بام دماغ رسانند با حبس دم
و تدریج در زیادتی عدد و حضرت والد من قدس سره ضم ملاحظه لفظ
اول و آخر و ظاهر و باطن با و نیز ارشاد فرمودند بدین وضع
که یکبار لفظ اول با و ملاحظه نموده اشاره خیالی جانب فوق

کند و در کرهٔ ثانیه اخر را ملاحظه نموده اشاره به تحت کند و در
کرهٔ ثالثه ظاهر ملاحظه کرده اشاره جانب خلف کند و در کرهٔ
رابعه باطن ملاحظه ساخته اشاره بقدام نماید و در کرهٔ خامسه
با او محیط ملاحظه کرده بهر جهات اشاره کند و درین اشارات تعیین
نماید که آن ذات پاک با تنزیه بلا کیفیت خود از هر جهات محیط و در همه
جهات ساریست و در کرهٔ سادسه هیچ ملاحظه نکند همه را از نظر
انداخته همان وجود ذات فقط مالا مال تصور کند حضرت شیخ بزرگ
قدس سره تخیل چهر مفرط شرط میفرمودند که جمع همت و ظهور ولیه
بدون آن نمی شود حضرت شیخ من مرشد من این معنی را در رباعی
نظم فرموده اند رباعی مستی و ولیه شرط طریق افتادست
بی مست شدن کار کسی نگشادست در وکر خفی چهر تخیل کردن
شرطست وز استاد طریقم یادست بدانکه سر در شروع اسم ذات
از ناف آن تواند بود که ناف برزخ مابین بدن عالی و سافل است

دلبتقی هر دو است و آنرا مقام نفس قرار داده اند پس اول
چون آن مقام رنگین بآن رنگ قدسی شود و جذب
دران روی نماید از انجا در همه اعالی و اسافل سریان یابد و
بی مزاحمت در جمیع لطائف بوجه اتم روی نماید حضرت شیخ رکنا
قدس سره فرموده اند که نفی اثبات مفید سلوک ست و اسم ذات
مفید جذب و حضرت شیخ من مرشدنا من فرموده اند که سلوک عبارت
از طی نفس سالک ست بلونی از الوان قدسیه الهیه که صبغة الله
و من احسن من الله صبغة و جذب عبارت از ارتفاع حجب ست
تا نقطه ذات و تفصیل این معانی از زبهات و الطاف القدس باید
جست پس اکابر نقشبندیه قدس الله ارواحهم که در طریقتا ولاذ
نفی و اثبات می فرمایند مقصودش آن تواند بود که تا تقدیم سلوک
جذب باشد و چون فنای حقیقی بدون جذب نمیشود پس اگر فنا
بعد سلوک وارد شود فنای تنهایی باشد زیرا که بر گاه جمیع لطائف

در سلوک مهذب گردین جهیای این معنی شن بود ند ظهور فنا را
حاجزی نخواهد بود و در طرق دیگر چون اسم ذات که مفید این معنی
مقدم شن احتمال دارد که چون قبل از سلوک جذبه روی نماید فنا
حجابی باشد و الله اعلم بالصواب و باید دانست که فنائیکه در رسائل
تصوف مرقوم است و عبارت از عدم شعور بل عدم شعور بعدم شعور از
جهت استلای مدرکه بوجدان حق این فنا از احوال است و آنکه
منقسم بشفاهی و حجابی است از مقامات است که عبارت از غلبهٔ
نور حق است بر کون بعد دیگر آنکه حضرت شیخ من مرشدنا
فرمودند که جهد تمام از سینه باید برآورد و بتوجه بی حرف صوت
بسوی امر مجرد مقدس منزه متوجه باید شد طریقش آنست که
در غلبات جمعیت یکسو شدن خاطر نفی و اثبات بلکه با اثبات
فقط مشغول باید کردید چون آن معنی نصب العین کردید دم
زیرناف مجبوس باید داشت و محافظت آن معنی که نصب العین

کردیده باید نمود تا آنوقت که طبیعت کفایت کند چون ملال
آید باید گذاشت و بسوی اثبات مجرد میل باید کرد چون باز
نصب العین شود باز دم زیر ناف محبوس کرده محافظت
باید کرد تا حضور مجرد حاصل کرده و نیز حضرت شیخ من شدن
فرمودند که بسا می بود که حضور حاصل میشود بزعم زاعم و حالانکه
فی نفس الامر مجرد نیست برای این چیزانی مقرر کرده شد که ارض
کثیفست و آب لطیف و معنی لطف وی عدم تلون است
و عدم بقای اثری از تربیع و تسدیس که بروی آرند و معنی
لطف از وی و معنی لطیفست بلوغ اقصی الغایه درین هر دو
وجوع و عطش و غضب و سائر صفات نفسیه لطف بهت از
هوا و معنی لطیفست آن عدم تاثر و انفعال از تسدیس و تربیع
و امثال آن و عدم مظروفیت در شئی و صورت انسانیه
کلیه قطع از ین اوضاع و اشکال با انسان بلکه امر مجرد بسیط جوهری

لطف ست از انها و معنی لطیفیت او عدم تخصیص وی بخصوص
شخصے و استوای نسبت وی با جمیع افراد مع الوحدۃ و کونہا شیئا
من الاشیاء خارجیا واحدا و ذات مجردہ حضرت حق لطف
این و معنے لطیفیت آن عدم حلول آن در چیزے از چیزہا
با وجود استوای نسبت وی با جمیع ممکنات بسبب وجود علی انہ
شیئے واحد ہمچنین تدبر کن این امور ملاحظہ باید نمود و امر وجدانے
خویش را قیاس ما ید کرد با ہر یک ازین تا ہا شد کہ غیر مجرد باشد
طریق دیگر مراقبہ ست و آن مشتق از رقابت یعنی محافظت
پس سلیش آنست کہ مثلا آیت کَانَ اللّٰہَ عَلَیْکُمْ
رَقِیْبًا بزبان گفتہ یا تخیل نمودہ و معنی آن فہمیدہ صورتش در
ذہن باید بست و ساعت فساعت آن صورت را ملاحظہ
باید نمود و ہمچنین آیت اَلَمْ یَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰہَ یَرٰی یعنی فہمیدہ
صورت رویت او تعالی خود را در ملاحظہ باید داشت

دران مداومت و مواظبت باید نمود تا وجدان بصورت
ملکه گردد بعد ازان کُلُّ مَنْ عَلَیْهَا فَانٍ وَیَبْقَیٰ وَجْهُ
رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ شغل آن فهمیده و تصور جیده گردد
صورت تقیدی فنای جمیع موجودات و بقای آن ذات
بی کیف در ذهن باید بست و بنظر دل آن را باید نگریست و
خوگر بآن باید شد تا که این معنی بوجه احسن حاصل گردد و اضمحلال
دران دیده دانش روی نماید حضرت شیخ من مرشدی من فرمودند
را که توحید منکشف شد و در حال فنا او فنا دو چیز واجب است
یکی تجرید نفس از هر تعلقی که بمال باشد یا بجاه یا باحد من الناس و
حصول این معنی بمداومت بر نفی و اثبات با ملاحظه قطع تعلقات
و درین حال تفحص از موانعات ضروری ست تا بهر چیز که
دل خود را متعلق یابد بقصد اول نفی نماید و فقه درین مسئله آنست
حالت توحید که حق سبحانه کرامت میفرماید مرای آنست

تا صلب نفس و اصل قوام آن بوی منکسر گردد و انحسار آن اگرچه
مقدور بشر نیست اما مر نفس را اغراض اند تشبث باذیال وی
بتبدیل اضداد تن باید کرد و تا استعداد صورت بقا حاصل آید مثل آن
مثل شخصی ست که تبدیل ماء بهوا اراده نماید پس حیله اش تبدیل برودت
وی است بحرارت علی سبیل التدریج حتی یبلغ النصاب التام پس
ماء بهوا منقلب میگردد و همچنین مرید فنا را حیله آنست که اغراض
متشبثه اذیال نفس که تعلقات خفیه اند بانواع حسب الحیل متبدل
سازد و این معنی اگرچه عسیر ست اما کسی را که توحید روی نمود و
سیول جذب از یمین و شمال وی احاطه کرد یسیر ست غایت
یسر دوم محافظت نفس ست از غفلت نگذارد تا غافل شود
طرفة عین عن ذکر الله ذل ذکره بضم الذال زیرا که مرد چنانچه می میرد
مبعوث میگردد کما تموتون تبعثون و فناهم موت
و بقا بعث پس چون با دوام ذکر فانی شود با حضور دائم بقا

یابد و قصه درین مسئله آنست که همین ذکرست که بعد فنا تجلی الهی
میکرد و پس اگر ذکر مثابه باشد که مستوعب نسمه و نفس او کرد و تجلی
الهی هم مستوجب و کامل ظهور میفرماید پس آثار حقانیت نسمه و نفس
در دنیا و قبر و یوم الحساب ظاهر میشوند سوم محافظت لسانست
از انکار مسئله از مسائل شرعیه که مبنی از علم کثیر بعد از توحید است
که سر وی هنوز بروی منکشف نساخته اند و قصه درین مسئله آنست
که مبارزت علی ولیا و الله بانکار موجب خذلان ست که قاطع
اصل کمال ست **فصل** دیگر باید دانست که صحبت مرشد کامل
همان فائده میدهد که ذکر قال النبی صلی الله علیه وسلم لاصحابه
وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ تَدُومُونَ عَلَى مَا تَكُونُونَ عِنْدِي
أَوْ فِي الذِّكْرِ لَصَافَحَتْكُمُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى فُرُشِكُمْ وَ
فِي طُرُقِكُمْ وَكَمَا قَالَ ولهذا امر بصحبت واقع شد که کونوا
مَعَ الصَّادِقِينَ و اهل ارشاد هم مامور شدند بصحبت اهل طلب

از سالکان طریق اند که وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ پس صحبت
شیخ کامل رکن رکین طریقت ست واگر در وقت دوری شیخ
کسی استفاضه خواهد طریقش آنست که حضرت شیخ من مرشدمن
ارشاد فرمودند که در وقتی از اوقات فراغ دل واعتدال هوا
ومکانی خالی از شور وشغب وضو ساخته هر قدر که خواهد نماز
گذارد پس همانجا نشسته صورت شخصی که از وی فیض میجوید
بجمع همت ودفع خطرات ملاحظه نماید تا آنکه صورتش در متخیله
او قرار گیرد پس همین وضع ملازمت نماید تا که همه معلومات
سوای صورتش منتفی شوند وحالتی رو دهد که فتور در حواس و
تسل در بدن چنانچه در حالت قصد نوم پیدا شود وقتی که
این معنی حاصل گشت او را مناسبتی بروحانیت او پیدا کردیم
ولوح قلب او صافی شد پس بعد التجا بدان صورت و

استفاضه از وی ملاحظه را ترک نموده ذکر را لازم گیرد خواه
اسم ذات خواه نفی و اثبات اما بضربات قویه و جمع همت اگر
حبس نباشد و ملاحظه نماید که اِنَّ اللّٰهَ مَحْبُوْبُهٗ وَاَنْتَ
لَا مَحْبُوْبَ سِوَاهُ تا آنکه محبت در تمام بدن سرایت
کند و اضطراب در نفس پیدا شود و مطلوب همین کیفیت است
پس هر روز یکبار و ساعت متوجه باشد اول ملاحظه صورت
مفیض بستر بذکر بعد ازان باحضار کیفیت معهوده و بر حضرت
شیخ من مرشدی ارشاد فرمودند که اشارت عیسی چنین رفته است
که از انفع اشیا سالک را آن است که بعد عشا متوجه بقبله شود
و هر دو دست را جمع کند و تصور نماید که این هر دو در دست
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم ست و کلمہ بَایَعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى خَمْسِ شَهَادَةِ اَنْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَاِقَامِ

که سالکان طریق اند که وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ پس صحبت
شیخ کامل رکن رکین طریقت ست واکر در وقت دوری شیخ
کسی استفاضه خواهد طریقش آنست که حضرت شیخ من مرشدمن
ارشاد فرمودند که در وقتی زاد قات فراغ دل واعتدال هوا
ومکانی خالی از شور وشغب وضو ساخته هر قدر که خواهد نماز
گذارد پس همانجا نشسته صورت شخصی که از وی فیض میجوید
بجمع همت ودفع خطرات ملاحظه نماید تا آنکه صورتش در متخیله
او قرار گیرد پس همین وضع ملازمت نماید تا که همه معلومات
سوای صورتش منتفی شوند وحالی رو دهد که فتور در حواس و
تسل در بدن چنانچه در حالت قصد نوم پیدا شود وقتی که
این معنی حاصل گشت او را مناسبتی بروحانیت او پیدا کرده
ولوح قلب او صافی شد پس بعد التجا بدان صورت و

استفاضه از وی ملاحظه را ترک نموده ذکر را لازم گیرد خواه
اسم ذات خواه نفی و اثبات اما بضربات قویه و جمع همت اگر
حبس نباشد و ملاحظه نماید که اِنَّ اللّٰهَ مَحْبُوْبُهٗ وَاَنَّ
لَا مَحْبُوْبَ سِوَاهُ تا آنکه محبت در تمام بدن سرایت
کند و اضطراب در نفس پیدا شود و مطلوب همین کیفیت است
پس هر روز یکبار و ساعت متوجه باشد اول ملاحظه صورت
مفیض بستیرند کر بعد از ان باحضار کیفیت معهوده و نیز حضرت
شیخ من مرشد من ارشاد فرمودند که اشارت غیبی چنین رفته است
که از انفع اشیا سالک را آن است که بعد عشا متوجه بقبله شود
و هر دو دست را جمع کند و تصور نماید که این هر دو در دست
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم ست و کلمه بَایَعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى خَمْسٍ شَهَادَةِ اَنْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَاِقَامِ

الصَّلٰوةِ وَاِیْتَآءِ الزَّكٰوةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ
وَحَجِّ الْبَیْتِ اِنِ اسْتَطَعْتَ اِلَیْهِ سَبِیْلًا ط
بَایَعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
عَلٰی اَنْ لَّآ اُشْرِكَ بِاللّٰهِ شَیْئًا وَّلَآ اَسْرِقَ وَلَا
اَزْنِیَ وَلَآ اَقْتُلَ وَلَآ اٰتِیَ بِبُهْتَانٍ اَفْتَرِیْهِ بَیْنَ یَدَیَّ
وَرِجْلَیَّ وَلَآ اَعْصِیَهٗ فِیْ مَعْرُوْفٍ بر زبان جاری
کُند و بیعت را مجدد سازد و بدل و جان مضمون بیعت را
قبول نماید بعد ازان صد بار درود خواند ہر کہ این عمل ہر شبے
بکند از صحبت مرشد کامل دران عمل باید و لہذا فوائد کثیر من
ہذا **فصل** دیگر باید دانست کہ سالک را مانع از سلوک و
شغل طریق احادیث نفس و خطرات لایعنی و تشویش
خاطر ست معالجات آن کہ مشائخ طریقت فرمودہ اند آنست
کہ اگر در وزرش نسبت و اشغال قلبیہ وسوسہ و فکری پیدا

کرد و از سر تحقیق قلب متوجه شود والا بصورت آن شخص که
این نسبت از و کرفته بهت البجا نماید و اسم یا فعّال منصور
معنے اکر چند بار بر قلب خود ضرب کند در دفع وساوس
اصلے کلی دارد و اکر باین چیزها دفع تشویش نکرد دسه بار
نفس ابقوت تا دماغ برکشد و از دماغ بیفشاند همچنانکه چیزی
از دماغ می افشاند بعد ازان بورزش نسبت مشغول شود و
اکر همچنان خواطر عود کند باید که بعد از تخلیه مذکور دل و زبان
موافق داشته سه بار اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ جَمِیْعِ مَا کَرِهَ اللّٰهُ
قَوْلًا وَّفِعْلًا وَّخَاطِرًا وَّسَامِعًا وَّنَاظِرًا وَّاَتُوْبُ
اِلَیْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ کوید اکر باین نیز دفع خطرات
نشوند جَآءَ الْحَقُّ را بر دل خود ضرب کند و کردن خود را
بطرف راست کرداینده زَهَقَ الْبَاطِلُ بکوید و چنان خیال کند
که باطل را از دل خود بیرون انداختم اکر باین نیز دفع خطرات

نشود چند بار اسم الله و ملاحظه معنی که عبارت از ذات
بحت است با او از اندک که غیبے مطلع نشود بر دل ضرب
کند و اگر هیچ وجه خطرات از ساحت قلب سالک دفع نشوند
چند بار لا اله الا الله بملاحظه لا موجود الا الله بر دل ضرب کند و
یقین داند که اینهمه خطرات و وساوس که از موجودات دنیے
هستند قائم بحق اند بلکه عین حق اند زیرا که باطل نیز از بعضی ظهورات
حق ست نزدیک نیست انچه حضرت ابن عباس ابو زمیل را ارشاد
نموده قال ابو زمیل قلت لابن عباس ما شیء
اجده فی صدری قال ما هو قلت والله لا تکلم
به فقال لی شیء من شک وضحک ثم قال ما نجی من
ذاک احد حتی انزل الله فان کنت فی شک
مما انزلنا الیک فسال الذین یقرءون الکتاب
من قبلک ثم قال اذا وجدت شیئا من ذلک

فِي صَدْرِكَ فَقُلْ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ
وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝ اَخْرَجَهُ
اَبُوْدَاوٗدَ پس شک نیست که باین تصور شوقی اشتغال نماید و
نسبت این عزیزان قوت گیرد باجمله بزرگان در علاج این
علت قلبی امور مذکوره مقرر فرموده اند و اولی در میان آنست
که حضرت شیخ من مرشدی من دعوات نوشتند که بخلوتی رود
وغسل کند و جامه نو پوشد و دو رکعت بخواند و در انجا اَللّٰهُمَّ
نَقِّنِيْ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْاَبْيَضُ
مِنَ الدَّنَسِ اَللّٰهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ خَطَايَايَ
كَمَا بَاعَدْتَّ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اَللّٰهُمَّ
اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَاَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
فِيْ قَلْبِيْ نُوْرًا وَّفِيْ بَصَرِيْ نُوْرًا وَّفِيْ سَمْعِيْ نُوْرًا وَّفِيْ
لِسَانِيْ نُوْرًا وَّفِيْ عَصَبِيْ نُوْرًا وَّفِيْ جِسْمِيْ نُوْرًا وَّفِيْ دَمِيْ

نُورًا وَّفِي شَعْرِي نُورًا وَّفِي بَشَرِي نُورًا وَّاجْعَلْ فِي
نَفْسِي نُورًا وَّعَنْ يَمِينِي نُورًا وَّعَنْ شِمَالِي نُورًا وَّمِنْ
فَوْقِي نُورًا وَّمِنْ تَحْتِي نُورًا وَّمِنْ أَمَامِي نُورًا وَّمِنْ خَلْفِي
نُورًا اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا وَّاجْعَلْ لِّي نُورًا وَّأَعْظِمْ لِي نُورًا
وَاجْعَلْنِي نُورًا هر قدر که تواند بگوید و بعد نماز بذکر یا نور
چهار ضربی یا سه ضربی مشغول شود و اگر خطرات باز مشوش
سازند فی الحال وضو کرده باز دو رکعت بهمان اسلوب
بخواند و بهمان ذکر مشغول شود و اگر خطرات باز تشویش دهند
باز چنین کند شک نیست که چون دو سه نوبت چنین کرد البته
یک گونه تلج و برد و سکونی در قلب بیابد پس بذکر نفی و اثبات
و تحصیل شوق مشغول شود و از شاد فرمودند که مرا آگاهی
اند که این تریاق مجرب است غیر متخلف الاثر و نیز ارشاد فرمودند
که اگر وقتی خطرات هجوم کنند این ذکر باید کرد سُبْحَانَ اللّٰهِ

وبجمله سبحان الله را در دل ضرب کنند بوجهی که لفظ
سبحان بر دل کوبند و حان الله را در دل نزنند و بحمده
را نور حق سبحانه که فوق العرش ساکن است در خیال
ضرب کنند سبحان الله تنزیهست از صفات محدث و بحمده
اثبات حمائد که مناسب حضرت وجوب باشند درمیان
این ذکر فصل نه هر متواتر کوید تا آنکه انشراح در خود بیند و آنگه
بعد این ذکر نور اعظم که فوق العرش ساکن است از هر لون
تخیل کند بوجهی که دران تخیل غلبت واقع شود سخت مفید
است در نفی یاس دفع اندوه و انشراح خاطر و ارشاد
فرمودند که مبدء تشویش سالک چند چیز میباشد کاهی از
فساد محبت و شوق میخیزد و کیفیتش آنست که ملاک امر
سلوک بقای نشاط سالک در ذات سبحانه و سبب
عروج همین امر میباشد و از انحصار آن فی ذات الله تعالی

فنا حاصل میکرد و پس چون بعضی سالکین ریاضات شاقه بر خود
میکنند و جوع و عطش مفرط بیش می آرند و نفس را یکمرتبه از مألوفات
حبس می کنند این معنی مورث انقباض خاطر می گردد و وقتی
شوقی که میداشتند بسبب فتور حواس تشویش و غم منقلب میکرد و
و علاجش ارخای عنان ست در مشتهیات مباحه و ترک ریاضت
تا زمانیکه آن نشاط عود نماید پس تحصیل شوق تبکرار نفی و اثبات
از جهت توحید محبت و محافظت نشاط و انحصار آن
در ذات حق و یا بسبب بقیه نفس و ظلمانیت آن در ذات
سالک هست و در وی رکاهم باشد پس ازین جهت نفس خود را
میل مخصوص بشهوت مخصوصه می یابد اما ظلمتی اجمالی
در می یابد پس سر گردان میشود و غم و یاس از جهت آن غالب
میکرد و علاجش کسر نفس ست یا تبرکیه یا خجسار مذلت
از برنفس شاق آمدو کراهتی و انقباضی بهم رسد یا تبصیفه و اذم کرد حلوت

و یا بسبب چنین ست که نفس متحرک مالوفات مساحت نمی‌یابد و تشویش
روی می‌آرد علاجش تر غیبات بلیغه و مواعید جازمه به نیل مقصود و
اسماع حکایات رجاو استحسان حالات او تا بر سلوک جسارت و
جرأت نماید و یا بسبب ملابس سوم و احادیث لایعنی و تکمن تقوش مؤنه
در لوح ذهن و عدم شعور باین معنی چون این مرض غالب آید موجب تأذی
سالک اجلا میکرد و علاجش عزلت و عدم صحبت احدی جمع همت
بر فکر دائم و خلوتست و یا بسبب افکاریست که شیطان بدلش می‌اندازد
که مائل میکرداند طبیعت را بسوی یاس از وصول باقدح در بعض امور
شیخ علاجش جمع همت و رفض این خیالات و جزم به بشاعت و
قبح آن و یا بسبب قلق و تشتت غریزیست که هر چند خواهد که بکاری از
وظائف قلبیه مشغول شود نفس وی مطاوعت نکند و غم بعید
از دل وی بجوشد پس موجب آن یا اختلال مزاج است
که اخلاط سوداویه بر دل هجوم کرده علاج آن تعدیل مزاج است

بقصد و استفراغ و یا تجسس ما جدات متواتره و جنایات
متراکمه علاجش مبالغه است در تطهیر بدن و ثیاب و یا بسبب
ارتکاب کنایی از ظلم بر غربا و اضاعت حق ذوی الحقوق علاجش
تدارک آن خلل است و یا بسبب آنکه از شیاطین یا سحر علاج آن
استغال تلفظ یا الله و هر چند تواند و یا بسبب سوء ادب به نسبت
مشایخ طریقه علاجش رفع آن سبب است بدرستی اعتقاد با
غروق خفیه محبت دنیا که در نفس مستتر میباشد و وی
او را ادراک نمی کند و ظلمت آن دل را احاطه می کند علاج
آن مداومت ذکر نفی و اثبات است و در جانب نفی ملاحظه نفی
آن جهات نمودن و باید دانست که اهل این طریق چون دیدند
که مدت اربعین از ظهور فیوض جدیده و حصول کمالات تامه
تمام است چنانچه این معنی از ترقیات جنین در بطن ام از نطفه
و مضغه بعد مرحله که در حدیث وارد شده و از قول حق سبحانه

فلکم میقات ذیه اربعین لیلة و قصه حضرت علی نبیا و علیه الصلوة
والسلام و از حدیث خمرت طینة آدم اربعین صباحا
و از حدیث من اخلص لله اربعین صباحا ظهرت
ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه واضح
می شود طریقه اربعینات مقرر نموده از کان و شرائط
آن بیان فرموده اند لهذا سالک را اختیار آنهم نیست
پس طریقش آنست که اول باید که بحکم انما الاعمال
بالنیات نیت خالص کند یعنی محض متابعت
رسول و اقامت سنت اعتکاف وی صلی الله
علیه وسلم و تجرد عما سوی الله و فراغ قلب برای عبادت و ذکر الله
قصد نماید و مقام خلوت در مسجدی که در ان جماعت شود
اختیار کند تا از فضل جماعت محروم نماند که در حدیث آمده
لا اعتکاف الا فی مسجد جامع پس غسل کند و لباس تازه پوشد

چون شهوی استعمال نماید بین تاریخ بستم شعبان نماز عصر ادا
کرده بسم الله خواند و استعانت بالله تعالی نموده
و استمداد از روح مشایخ طریقت بواسطه شیخ خود کرده
داخل خلوت شود پس اگر قبل از نماز عصر در خلوت درآمده
دو رکعت نماز نفل به نیت انقطاع عما سوی الله و توجه
الی الله کند و اگر بعد ادای عصر درآمد به نماز مشغول نشود
متوجه بسوی قبله بنشیند و فاتحه بارواح سید الانبیاء والمرسلین
و آله واصحابه اجمعین و جمیع مشایخ طریقه خود بخواند و از روحانیت
ایشان در باب حصول استقامت استمداد نماید بعد ازین مراقبه
هرچه ویرا از شیخ اورسین مشغول گردد سید الطائفه جنید
بغدادی قدس سره که مقنن اکثر قوانین طریقت است چند
شرط خلوت بیان فرموده یکی آنکه دائم باوضو باشد هر گاه طهارت
منتقض شود باز بهانوقت طهارت کند که این معنی موجب انشراح

نورانیت قلب میشود دوم دوام خلوت که بجز برای جماعت
وجمعه وبجهت بول وغائط از انجا بیرون نیاید واگر جمعه در
مسجدی دیگر میشود برای نماز جمعه انجا هم برود اما در ذهاب و
ایاب رعایت نظر بر قدم اهم داند تا تواند بسوی همچکس التفات
ننمایند ونماز ضروری انجا ادا نموده زود بخلوت مراجعت نماید
سوم دوام صیام ست وافطار قبل از نماز مغرب و خوردن طعام
افضل آنست که بعد عشا باشد واگر در خاطر تشویش یابد بین العشائین
بخورد اما در اکل تقلیل طعام لازم داند باید که ثلث معتدبه خالی
دارد واگر تواند از نیم قلیل اختیار کند لیکن چنان نشود که از غایت
ضعف نشاط از دست برود ودر عبادت وذکر لذت نماند
بالجمله تقلیل طعام مورث رقت قلب وصفای اوست ومقوی
ملکیه ست وستجلب انوار الهیه کما ورد الجوع
طعام الله جبارم دوام سکوت ست الا عن ذکر الله تعالی پس

سالک باید که در خلوت با کسی سخن نگوید مگر ضرورت شرعیه
پیش آید یا حاجتی عارض وقت او شود پس با خادم بقدر ضرورت
حرف زند بلکه کسی را در خلوت خود راه ندهد مگر خادم خود را زیرا که
صمت ثمر حکمت ست و تکلم بکلمات غیر ضروریه نور آنیتی را که بسبب
ذکر حاصل میشود برباد میدهد پنجم دوام ذکر و مراقبه ست و ملاحظه
آنا جلیس من ذکرنی چو هیچکه غفلت را هرگز بخود
راه ندهد که غایت و غرض از خلوت همین معنی ست ششم نفی
خطرات و دفع احادیث نفس ست پس جهد بلیغ باید کرد تا
غیر ذکر حق سبحانه هیچ خطره نیک باشد یا بد در دل او گذر
نکند زیرا که چون حدیث نفس در آید از ذکر باز دارد پس نضارت
وقت برود و تکدر قلب رو نماید و فائدهٔ خلوت از دست
رود هفتم دوام ربط قلب ست با شیخ خود باستمداد و اعتقاد
آنکه این همان مظهر ست که حق سبحانه برای افاضهٔ فیض

خود بر من مقرر فرموده و از همین راه وصول ما بجناب الهی
متعین شد پس همیشه بوصف محبت و تسلیم بجانب او متوجه باش
تا باب فیض بر مفتوح گردد و هیچگونه اعتراض بر شیخ در دل
خود نیاورد که این معنی موجب سد او از طریق حق می گردد. بَعُوذُ
بِاللّٰهِ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكَوْرِ بالجمله دوام صیام و قلت
کلام و قلت طعام و قلت منام و قلت صحبت مع الانام
و مواظبت بر طهارات و عبادات و تلاوت کلام حضرت
علام و درود بر حضرت خیر الانام علیه الصلوٰة والسلام و ذکر بر
دوام از ارکان طریقت خلوت است در امری ازین امور
به تهاون راضی نشود تا فائض خلوت بدست آید و باید که در
عشرهٔ اخیره رمضان لیالی وتریه را که بست و یکم و بست و
سوم و بست و پنجم و بست هفتم و بست نهم بستاحیا کند تا برکات
لیلة القدر را ادراک کند و در دیگر شبها تا تبلت لیل مداوم باشد

پس بطهارت ذکر گویان بخواب رود و چون ثلث اخیر رسد
برخیزد وزود وضو کرده نماز تهجد ادا نماید بعد ازان بذکر و
مراقبه مشغول باشد تا بصبح و چون هلال شوال روی نماید
بعد نماز مغرب دو رکعت نماز شکر ادا کرده از خلوت برون
آید **فصل** سیوم بدو است که سالک طریق اختیار را که مشتغل شغل با
قلبیه ست تشبث به بعضی از طاعات زائد بر فرائض و واجبات
و سنن رواتب و به بعضی از اوراد و وظائف لسانیه که مفید
صفای قلب و مقوی و ممد آن اشغال باشند ضرور ست
چنانچه از صلوة نماز تهجد هفت رکعت یا نه یا یازده و دو رکعت
صلوة الاشراق و چهار صلوة الضحی و چهار صلوة الزوال و از
صوم روزهٔ عرفه و روزهٔ عاشوره و شش روزهٔ شوال و
سه روزه ایام بیض از هر ماه و از تلاوت مقداری که در چهل روز
ختم کند و از اوراد و ادعیه صبح و شام و وقت نوم انچه در احادیث

صبحه آمده و در باب ثانی مذکور خواهد شد وصد بار سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَبِحَمْدِهٖ وصد بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ
لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
وقت سحر که ثمر برکت عظیمه است وچون برای سنت فجر برخیزد این
چهار کلمه که يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ عَالِمٌ وَاَنَا عَبْدٌ جَاهِلٌ
اَسْاَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِيْ عِلْمًا نَافِعًا حَتّٰى اَعْبُدَكَ بِعِلْمِكَ
وَاِلَّا هَلَكْتُ يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ غَنِيٌّ وَاَنَا عَبْدٌ
فَقِيْرٌ اَسْاَلُكَ اَنْ تَحْفَظَنِيْ حَتّٰى لَا اَسْاَلَ مِنْ سِوَاكَ
كَفَافَ الدُّنْيَا وَاِلَّا هَلَكْتُ يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ
قَوِيٌّ وَاَنَا عَبْدٌ ضَعِيْفٌ اَسْاَلُكَ اَنْ تُعِيْنَنِيْ حَتّٰى اَغْلِبَ
الشَّيْطَانَ بِقُوَّتِكَ وَاِلَّا هَلَكْتُ يَا رَبِّ اَنْتَ
اِلٰهٌ قَادِرٌ وَاَنَا عَبْدٌ عَاجِزٌ اَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَنِيْ قَاهِرًا
عَلٰى نَفْسِيْ حَتّٰى اَقْهَرَهَا بِقُدْرَتِكَ وَاِلَّا هَلَكْتُ

بخواند تا از شر نفس و شیطان محفوظ ماند و مابین سنت و فرض
فجر کلمه یا حی یا قیوم یا لا الٰه الا انت اسالک ان
تحیی قلبی بنور معرفتک ابدا یا الله جهل و بیکبار خواندن
موجب زندگی دل است بحیات حقیقی استغفر الله الذی
لا الٰه الا هو الرحمٰن الرحیم الحی القیوم الذی لا
یموت و اتوب الیه رب اغفر لی بیست و بیکبار بعد صبح
و بهمین عدد بعد مغرب لازم باید گرفت و درود اللهم
صل علی محمد النبی الامی و اله هر قدر که تواند و بعد از
هر نماز سی و سه بار سبحان الله و بهمین عدد و الحمد لله
و بهمین مقدار الله اکبر و بیکبار لا الٰه الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی
کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا
معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ
وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ
كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ
وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ میخواندہ باشد و در وقت دعا
سہ بار لفظ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مکرار کردہ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ
وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِكْرَامِ ۝ وَاللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ
وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ وَاللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ حُبَّكَ وَ
حُبَّ مَنْ يُّحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُّقَرِّبُنِيْ اِلٰى حُبِّكَ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَحَبَّ اِلَيَّ مِنْ نَّفْسِيْ وَاَهْلِيْ وَمِنَ الْمَاءِ
الْبَارِدِ اَللّٰهُمَّ كُنْ وَلِيِّيْ فِيْ كُلِّ جِهَةٍ وَّمَقْصِدِيْ
فِيْ كُلِّ قَصْدٍ وَّغَايَتِيْ فِيْ كُلِّ سَعْيٍ وَّمَلَاذِيْ وَمَلْجَئِيْ
فِيْ كُلِّ شِدَّةٍ وَّهَمٍّ وَّوَكِيْلِيْ فِيْ كُلِّ اَمْرٍ وَّتَوَلِّنِيْ

آمرزش خدا ایشان را ۱۲

تَوَلِّي مَحَبَّةً وَعِنَايَةً فِي كُلِّ حَالٍ میخوانده باشد و درود
عبد السلام بن مشیش اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ مِنْهُ انْشَقَّتِ
الْأَسْرَارُ که در فصل ادعیه خواهد آمد یکبار بعد نماز صبح و یکبار بعد
مغرب و همچنین بعد عشا ورد نماید و بعد نماز تهجد دعا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
فِي قَلْبِي نُوْرًا الخ گاهگاهی باید خواند و وصیت این فقیر منست
آنکه بعد از فراغ از تهجد اعتصامی که از واردات جناب حضرت
شیخ مرشد من ست و در آخر رساله در فصل ادعیه خواهد آمد
وظیفه نمودن لازم باید شمرد که انشاء الله تعالی ثمرات
بی پایان و کمال عرفان خواهد شد و بعد اتمام سلوک از
اوراد و وظائفیکه در باب اثابت مرقوم خواهند شد آنچه
مناسب حال خود داند اختیار نماید تا جامع طریقین و متضلع
از مشربین گردد و از قدری شغل بعلم حدیث و تفسیر سلوک
مثل الطاف القدس و لمعات و قدسیه و فتحات خالی

بناشد والله يقول الحق وهو يهدى السبيل والسلام على من اتبع الهدى والتزم متابعة المصطفى صلى الله عليه وسلم

باب ثانی در طریق اثابت

بدانکه سلوک این طریق بعد تصحیح نیت بطاعات بدنیه و اذکار لسانیه بست قال الله تعالى وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ۝ اعنی غرض و غایت از خلقت انسانی همین عبادت بست که حق الوهیت اوست تعالی بر بندگان خویش و تهذیب لطیفه قالبیه که در نهایت وبس اهم بست وآن موقوف بر همانست وبهمین سر دعوت انبیا علیهم السلام اولا و بالقصد باعمال ظاهره بیشتر بست که اوحینا الیهم فعل الخیرات واقام الصلوة وقال تعالى واعبدوه واشكروا له ط ومعنی شکر معرفت نعمت بست در طاعت منعم پس شکر قلب روح افنای آنها

در محبت والنس کزبل ذکر او تعالی شانه و شکر جوارح ذکر
لسانی و طاعات بدنی ست وقال تعالی واعبد ربک
حتی یأتیک الیقین ۵ یعنی با دای عبادات و طاعات
بدنیه جهاد پیش کیرد کلفت ریاضت باین امور بر خود اختیار کن تا
انکه نور طاعات در لطائف ظاهره حلول کند و ظلمت کدورت
بشربت منتفی کردانند پس قطع تعلق از نشاة سفلانیه که موت
اختیاریست بحاصل آید و مشاهد انوار قدسیه یعنی الیقین رو
نماید و حق الیقین بحصول انجامد پس آن هنکام کلفت مجاهدت تمام
شود و در انوقت صدور طاعات با قضای جبلی متحقق کردد
پس این راه مردان و جهان ست اما چون در ایشان اعمال ظاهره
که شریعت غرّه بدان و اردست ابتلاع سر دفتر محبوبان ست
علیه الصلوة والسلام موصل بمرادیت و محبوبیت ست کما قال
تعالی قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم

اللہ و حضرت شیخ من و مرشد من فرمودند کہ در طبقہ صحابہ و تابعین
غالبًا ہمین راہ مسلوک بود و بہمین سبب نسبت نور طہارت کہ عبارت از
حصول انس و سرور از جہت انشراح ملکیہ و انفتاح فجی واسع
بسوی حقائق ملائکہ و وجدان ثلج و برد و رحمت قدسیہ بہ نسبت و
حلاوت مناجات کہ عبارت از توجہ بجانب غیب است در ضمن الفاظ و
افعال و امتلا از لذت آنست و غیرانہا حاصل میکردند بالجملہ از
اعمال و اذکار آنرا اختیار باید کرد کہ صلحا و اتقیای طبقہ بعد طبقہ بانہا
مواظبت نمودند و بدانہا بجناب الٰہی تقرب جستند و ناہای اعمال
شان از آنہا پر شدند و ازان جہت در ملا اعلی استقرار تمام یافتہ
و گویا نفس آن اعمال شیخ و صورت قرب وی تعالی گردیدہ
تا بتلبس بآن امور فائض تحقق قرب دہد و ازان جہت استحسان و رضا و
سرور ملا اعلی بسوی وی سیلان نماید و محبوب نشان کردد
و در ضمن آن چون رحمت وی تعالی فیضان باید و نسبت شمول رحمت

بحصول انجامد و ایضا بسبب ملابست این قسم اذکار و اعمال
بشخوص مثالیه اعمال و اسمای الهیه مناسبتی پیدا آید و ازان
جهت راهی بحقائق آنها که شیون الهیه اند گشاده گردد و راحتی
و لذتی قدسی ازان حاصل شود و همین است قرب اعمال و بضاعت
ما بانوار اسمای الهیه اما سالک این راه را باید که در ادای اعمال بر اوراد
آنها که خشوع واجبات بجناب او تعالی و کدامنت پیش شمس احدیت
است محافظت نماید مثلا در صلوة در قرائت ملاحظه مجاوبه او تعالی
شانه کند کما وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللّٰهُ حَمِدَنِي عَبْدِي
وَإِذَا قَالَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللّٰهُ أَثْنَى عَلَيَّ عَبْدِي
وَإِذَا قَالَ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ قَالَ مَجَّدَنِي عَبْدِي
وَإِذَا قَالَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَالَ هٰذَا
بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ وَإِذَا قَالَ

اهدنا

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝ قَالَ
هٰذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ ۝ در رکوع ملاحظهٔ عظمت
او تعالی و تذلل خویش و در سجود ملاحظهٔ علو او سبحانه و اظهار
و تقصیر و جهد خود بین بدیه نماید و وراد و وظائف و اذکار را که
خاک آلوده کردن
مناجات اند استغراق دران و آنچه متضمن سوال خیر دین و دنیا و
آخرت اند اغراق در کد به آن لازم داند و تلوّن باحوالی که مدلول
آنهاست قصد کند و باید دانست که تقیید باعدادی که اهل دعوت
لازم گرفته اند درین راه ضروری نیست بلکه اعتنا بهمان مقدار
ست که معرفت خاصهٔ آن اسم که ذکر آن اختیار نموده رو نماید و
حالی از احوال قدسیه وارد گردد و استغراق دران حاصل شود
که از جناب حضرت مرشد همین ارشاد است و نیز حضرت من مرشدی
فرموده اند که سلوکی که درین جزو زمان مرضی الهی ست آنست

آن سالک نخست باید احتیاط صفت طهارت کند و طریق آن آنست
که خلوت اختیار نماید و در خوردن و نوشیدن تقلیل کند و غسل
مکرر کند و طهارت بر طهارت نماید و ذکر یا وَدُود و ملاحظهٔ نور بسیط
بسیط در جولانگاه گیرد و در چند روز علی اختلاف الاحوال نور طهارت
روشن خواهد شد و اکثار حدیث نفس و اخلاط ردیه و موبسوداویه
و امتلای معده تا حال از منی و صحبت حیوانات ملعونه مانع است از
ظهور نور طهارت ازان اجتناب نماید علامت ظهور نور طهارت
واقعات رحمت دهنده و اطمینان خاطر و انس نفس بغیر انکه لذت
حسیه حاصل شود و فرو نشستن حدیث نفس بعد ازان اکتساب سعادت
ملأ اعلی و آن بسه چیز حاصل میشود یکی انکه خلوت اختیار کند و نماز بسیار
خواند و بر سورهٔ فاتحه و آیتی مثل رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ
أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ اکتفا نماید و در رکوع و سجود هیچ ذکر نگوید بجای

ذکر نظر اندازد بر نور و چون خواهد که در نماز شروع کند پیش از آن
وضو کرده متوجه قبله بنشیند و در دل خود رشته نورانی فرض کند
که یک جانبش او و در سویدای دل است و یک جانبش متعلق بسوی
آن بالای عرش است چون این ملاحظه بخاطر نشست در نماز شروع
کند و در اثنای نماز نظر دل از آن رشته باز نگیرد و باین قسم
نمازهای مکرره قریب بدو صد رکعت هر روز بکند البته باطلاع علی
مناسبتی پیدا شود دیگر آنکه یا الله یا الله یا الله از زبان خود تلفظ
کند و ملاحظه کند که بوقت تلفظ نوری از دهان او بر می آید چون
قریب بسیصد هزار بار باتمام رساند او را مناسبتی بحقیقت این
اسم که در عالم ملکوت مستقر است پیدا شود و شود سوم آنکه در خلوتها
مناجات باخدای تعالی بسیار کوید و حاجات دینیه و دنیویه
خود و بزرگ همه را ذکر نماید و استعاذه از هر مکروهی و حول و
قوة خود از خود نفی بیند و حق سبحانه بحضور خود تصور کند

علامت حصول نور صلوة راحت یافتست در صلوة و بجرد
حضور در صلوة نظر دل بجانب ملأ اعلی کشادن و محبتی آن تبیق
در خود یافتن و انجذابی و انسی به نسبت ایشان در خود دیدن و
علامت حصول نور اسم مبارک دلبستگی ست باین اسم و شغفی به
این اسم و انسی و لذتی در خود یافتن و علامت حصول نور
مناجات رقت دل و نیایش و لذت در مناجات است
چون این قدر سلوک کرد بتوزیع اوقات بر طاعات متعبد
باید شد که بعد تمهید این اصول صلوات و ادعیهٔ تهذیب نفس
سالک خواهند کرد پس باید که مقامات قلب نظر نماید که صبر و
یقین و وجد و مانند آنست که کدام یک ظاهر شده و کدام یک ظاهر
نشده است انچه ظاهر نشده او را باعتقاد استحسان او بوقوع
در مظان او ایقاظ نماید بالجمله چون وقت سحر از خواب بیدار شود
اولا همین کلمه گوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَحْیَانَا بَعْدَ مَا اَمَاتَنَا

وَاِلَيْهِ النُّشُوْرُ بعد ازان سہ بار بگوید رَضِيْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا
وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَّبِمُحَمَّدٍ نَّبِيًّا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وسہ بار بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ وَهُوَ السَّمِيْعُ
الْعَلِيْمُ وسہ بار اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ بخواند بعد ازان این عا خواند که اَصْبَحْنَا
وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ رَبِّ اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ
وَخَيْرَ مَا بَعْدَهٗ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ
وَشَرِّ مَا بَعْدَهٗ اَللّٰهُمَّ مَا اَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِّعْمَةٍ اَوْ بِاَحَدٍ
مِّنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ فَلَكَ
الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَصْبَحْتُ

أشهدك وأشهد حملة عرشك وملائكتك
وجميع خلقك أنك أنت الله لا إله إلا أنت
وحدك لا شريك لك وأن محمدا عبدك ورسولك
أصبحنا على فطرة الإسلام وكلمة الإخلاص وعلى
دين نبينا محمد صلى الله عليه وسلم وعلى ملة
أبينا إبراهيم حنيفا مسلما وما كان من
المشركين يا حي يا قيوم برحمتك أستغيث
أصلح لي شأني كله ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين
وأ اللهم أنت أحق من ذكر وأحق من عبد وأنصر
من ابتغى وأرأف من ملك وأجود من سئل
وأوسع من أعطى أنت الملك لا شريك لك و
الفرد لا ند لك كل شيء هالك إلا وجهك لن ترى
تطاع إلا بإذنك وأن تعصى إلا بعلمك تطاع

فَتَشْكُرَ وَتَعْفُوَ فَمَغْفِرَةٌ قَرِيبٌ شَهِيدٌ وَ
أَدْنَى حَفِيظٍ حُلْتَ دُونَ النُّفُوسِ وَأَخَذْتَ
بِالنَّوَاصِي وَكَتَبْتَ الْآثَارَ وَنَسَخْتَ الْآجَالَ وَ
الْقُلُوبُ لَكَ مُفْضِيَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ
الْحَلَالُ مَا أَحْلَلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ
مَا شَرَعْتَ وَالْأَمْرُ مَا قَضَيْتَ وَالْخَلْقُ خَلْقُكَ وَ
الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَأَنْتَ اللّٰهُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ أَسْأَلُكَ
بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ
وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ
أَنْ تُقَيِّلَنِي فِي هٰذِهِ الْغَدَاةِ أَوْ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ
وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ
أَوَّلَ هٰذَا النَّهَارِ صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا
وَآخِرَهُ نَجَاحًا أَسْأَلُكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وسه بار سید استغفار اللهم انت ربی لا اله الا
انت خلقتنی وانا عبدك وانا علی عهدك
ووعدك ما استطعت اعوذ بك من شر
ما صنعت ابوء لك بنعمتك علی وابوء بذنبی
فاغفر لی ذنوبی کلها فانه لا یغفر الذنوب
الا انت بخواند و یک صد بار سبحان الله والحمد لله
و یکبار سوره یس و یکبار این حرز بسم الله اللهم انت
ربی لا اله الا انت علیك توکلت وانت رب
العرش العظیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ما شاء الله کان ومالم یشأ لم یکن و
اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط
بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا اللهم انی
اعوذ بك من شر نفسی ومن شر کل دابة انت

اخذ

اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ
وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِيْ
نَزَّلَ الْكِتٰبَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّٰلِحِيْنَ ۝ فَاِنْ
تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ۝ وبكباراين هفت آيت
بخواند قُلْ لَّنْ يُّصِيْبَنَآ اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا
هُوَ مَوْلٰىنَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝ وَاِنْ
يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗٓ اِلَّا هُوَ ۚ وَاِنْ
يُّرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهٖ ۚ يُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ
مِنْ عِبَادِهٖ ۚ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ۝ وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ
فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا
وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ۝ اِنِّيْ
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَآبَّةٍ

إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا
اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ مَا يَفْتَحِ
اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۖ وَمَا
يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ
مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ
هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ
مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ ۚ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ۖ عَلَيْهِ
يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وچون برای سنت فجر قیام
نمود آن چہار کلمہ کہ سابقاً در باب اول مذکور شدند
خواند ادا نماید و مابین سنت و فرض کلمہ

یا قیوم الذی لا یموت ده بار بخواند بعد
ادای فرض در غسل اللهم انت السلام ومنک
السلام تبارکت وتعالیت یا ذا الجلال و
الاکرام ورد وده بار کلمه توحید لا الٰه الا الله وحده الخ
سی وسه بار سبحان الله وسی وسه بار الحمد لله وسی وسه بار الله
اکبر ویکبار لا الٰه الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر اللهم
لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت و
لا ینفع ذا الجد منک الجد لا الٰه الا الله ولا نعبد
الا ایاه له النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن
لا الٰه الا الله مخلصین له الدین ولو کره الکافرون
هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو
بکل شیء علیم ○ هفت بار اللهم اجرنی

مِنَ النَّابِيْنَ بخواند پس بردست راست اللّٰهُمَّ
اَعِنِّيْ عَلٰى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ
وَاللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا لَّا يَبِيْدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ
لَّا تَنْفَدُ وَمُرَافَقَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ فِيْ اَعْلٰى دَرَجَةِ الْجَنَّةِ جَنَّةِ الْخُلْدِ
وَاللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَئَلَكَ مِنْهُ
نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاَعُوْذُبِكَ
مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ بخواند پس سورهٔ فاتحه وآیت
وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ
پس اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ قَدَّمْتُ اِلَيْكَ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ نَفَسٍ
وَلَحْظَةٍ وَّلَمْحَةٍ وَّطَرْفَةِ يَطْرِفُ بِهَا اَهْلُ السَّمٰوٰتِ

وَالْاَرْضِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ هُوَ فِي عِلْمِكَ كَائِنٌ اَوْ
قَدْ كَانَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُقَدِّمُ اِلَيْكَ بَيْنَ يَدَيْ
ذٰلِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ اِلٰى اٰخِرِ الْاٰيَةِ
وَاٰمَنَ الرَّسُوْلُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ
وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ ۝ وَاَنَا اَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ
اللّٰهُ بِهٖ وَاَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَهِيَ لِيْ
عِنْدَ اللّٰهِ وَدِيْعَةٌ بعد ازان قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِكَ الْمُلْكِ
تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ تُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ
النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ
مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ

أحد ومعوذتين وبسم الله يا رحمن الدنيا والآخرة
ورحيمهما رحمني أنت ترحمني فارحمني
رحمة من عندك تغنيني بها عن رحمة من سواك
واين اذكار وادعيه را بعد هر صلوة فرض بايد خواند وبعد نماز پيشين
همان استغفار كه در فصل اخير ما باول ذكر يافته وبگذار همان درود
سيد عبد السلام بن مشيش خواند بعد ازان بست وهفت بار
اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات بخواند ما ازاد ازان
تر ودبستر اينده ما كه أحد ذت لكل هول إلا إله
إلا الله ولكل هم وغم ما شاء الله ولكل نعمة
الحمد لله ولكل شدة ورخاء الشكر لله ولكل
المحبوبة سبحان الله ولكل ذنب استغفر الله
ولكل ضيق حسبي الله ولكل قضاء وقدر
توكلت على الله ولكل مصيبة إنا لله وانا

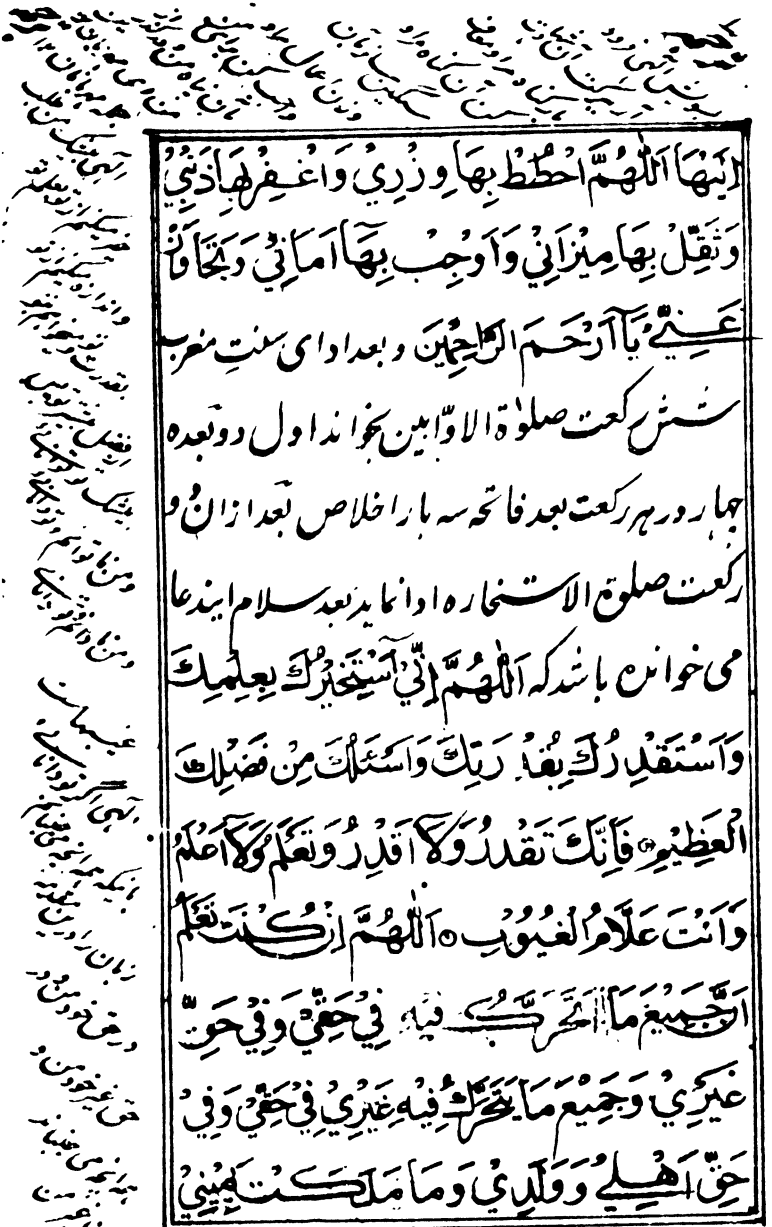
إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَلِكُلِّ طَامَّةٍ وَمَعْصِيَةٍ
لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ خواند وچنین بعد از هر نماز بعد از ان
چهل بار سورهٔ فاتحه و بعد هر چهار صلوة باقیه بست بست بار
میخوانده باشد بستر بمخان رو بقبله نشسته هزار نفی و اثبات
بملاحظهٔ توحید محبت مشغول شود و بعد ازان بر خاسته دو رکعت
صلوة الاشراق خواند در اول بعد فاتحه سورهٔ فلق و در ثانی
پس از فاتحه سورهٔ ناس و بعد فراغ اسماء الحسنی بستر چهل اسم بعد
ازان حزر یمانی که مشهور بدعای سیفی ست و از جناب حضرت
قبلهگاهی قدس سره باین فقیر اجازت آن رسیده و از دولف
ایشان بود اما مع هذا امیرین بخواند بعد ازان دعیه که از ان
حضرت صلے الله علیه وسلم مروی شده و در فصل اخیر هر یک از انها
مرقوم خواهد شد بعد ازان تلاوت قرآن هر قدر که تواند مشغول
شود پس ازان صلوة الضحی دوازده رکعت یا هشت یا از ده خواند

بمدارسه علم مشغول و رزد پس اولا تفسیر فتح الرحمن فی ترجمة القرآن
که تصنیف حضرت شیخ من ست یا جلالین پس ازان بحدیث
مثل کتاب مشکوة یا ریاض الصالحین و اگر نتواند مکید و حدیث
از اربعین امام نووی که هریک حدیث ازان جوامع الکلم
است و اگر کامل استعداد باشد از فن تفسیر فوز الکبیر و
فتح الخبیر و از فقه الحدیث کتاب مسوی و از اسرار الحدیث
کتاب حجة الله البالغه که تصنیف حضرت شیخ من اند ازینها
هرچه میسر آید و هرقدر که متیسر گردد پس بعد قلیلی وقت زوال
چهار رکعت صلوة الزوال بقرارت طویله بخواند و بعد
صلوة ظهر پس از فراغ اذکار و ادعیه صلوتیه سوره یوسف و
سوره فتح خواند باز قدری بمدارسه علم مشغول گردد و
بعد فراغ ازان یکصد بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعِتْرَتِهٖ بِعَدَدِ كُلِّ لَاتِكَ

الثالثة

الذَّاتِيَّةِ وَالْاَسْمَائِيَّةِ وَالصِّفَاتِيَّةِ وَالْاَفْعَالِيَّةِ
وَالْاٰثَارِيَّةِ جَمِيْعِهَا مِائَةَ اَلْفِ اَلْفِ مَرَّةٍ كَمَا
يُحِبُّ وَتَرْضٰى اَبَدًا سَرْمَدًا دَائِمًا بِدَوَامِكَ سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
وَيكصد وبست مرتبه يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا حَيُّ يَا
قَيُّوْمُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيْعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ بِرَحْمَتِكَ
اَسْتَغِيْثُ وَيكصد وبست بار يَا بَدِيْعَ الْعَجَائِبِ
يَا الْخَيْرِ يَا بَدِيْعُ واكر خواند يكهزار ودو صد بار وكلمه
حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ چهار صد وپنجاه مرتبه
بخواند باشد وبعد صلوة العصر كه اول وقت است وانمايد پس از

فراغ از ذکر و ادعیهٔ صلوتیه سورهٔ عم و والنازعات خواند
هزار بار نفی و اثبات بهمان ملاحظهٔ توحید محبت بگوید بعد
صلوة المغرب هفت بار اَللّٰهُمَّ اَجِرْنِي مِنَ النَّارِ و ده بار
لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ و همه اذکار و
ادعیهٔ صلوتیه و یکبار اینده عا مرحبا بملائکة اللیل
مرحبا بالملکین الکریمین الکاتبین کتبا
فی اوّل صحیفتی انّی اشهد ان لّآ اله الّا الله و
اشهد انّ محمّدا عبده و رسوله و اشهد انّ
الجنة حقّ و النار حقّ و الحوض حقّ و الشفاعة
حقّ و الصراط حقّ و المیزان حقّ و اشهد انّ السّاعة
اتیة لا ریب فیها و انّ الله یبعث من فی القبور
اللّٰهُمَّ اِنِّي اُودِعُكَ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ لِيَوْمِ حَاجَتِي



اِنَّهَا اَللّٰهُمَّ اَحْطُطْ بِهَا وِزْرِيْ وَاغْفِرْهَا ذَنْبِيْ
وَثَقِّلْ بِهَا مِيْزَانِيْ وَاَوْجِبْ بِهَا اَمَانِيْ وَبَجَاوَزْ
عَنِّيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وبعد ادای سنت مغرب
شش رکعت صلوٰة الاوّابین بخواند اول دو بعده
چهار دو در هر رکعت بعد فاتحه سه بار اخلاص بعد ازان دو
رکعت صلوٰة الاستخاره ادا نماید بعد سلام اینده عا
می خواند باشد که اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ
وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
الْعَظِيْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ
وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ۝ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ
اَنَّ جَمِيْعَ مَا تُحَرِّكُ فِيْهِ فِيْ حَقِّيْ وَفِيْ حَقِّ
غَيْرِيْ وَجَمِيْعَ مَا يَتَحَرَّكُ فِيْهِ غَيْرِيْ فِيْ حَقِّيْ وَفِيْ
حَقِّ اَهْلِيْ وَوَلَدِيْ وَمَا مَلَكَتْ يَمِيْنِيْ

مِنْ سَاعَتِي هٰذِهِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي
أَوْ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ فَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ
اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ جَمِيعَ مَا تُحَرِّكُ
فِيهِ فِي حَقٍّ وَفِي حَقِّ غَيْرِي وَجَمِيعَ مَا تُحَرِّكُ فِيهِ
غَيْرِي فِي حَقٍّ وَفِي حَقِّ أَهْلِي وَوَلَدِي وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينِي مِنْ سَاعَتِي هٰذِهِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
شَرًّا لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ عَاجِلِهِ
وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ
حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ وبعد از فراغ یکبار درود سید عبد السلام
بن بشیش که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ مِنْهُ انْشَقَّتِ الْأَسْرَارُ
بخواند و پس ازان بست و پنج بار همان استغفار که سابق
اشاره بدان رفته و جمیع انچه وقت صبح خوانده بود از

حرز وغیره همه بخواند اما بجای اصبحنا کلمه امسینا بگوید و عوض
سوره یس سوره واقعه قرائت نماید و ما بین المغرب
والعشا هم بذکر و تسبیح و تهلیل مشغول ماند و دعای حزب البحر را
پنجبار بخواند و پس از نماز عشا همان اذکار و ادعیه صلوتیه
و بین السنة والوتر دو رکعت صلوة الحاجة ادا نماید و بعد سلام
ثنا گوید اللهم علیک الثناء کما اثنیت علی
نفسک و درود اللهم صل علی سیدنا محمد
النبی الامی و آله و ایند عا بخواند لا اله الا الله
الحکیم العلیم سبحان الله رب العرش
العظیم اسئلک موجبات رحمتک و عزائم
مغفرتک والعصمة من کل ذنب والغنیمة
من کل بر والسلامة من کل اثم لا تدع لی
ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی

لَكَ رِضًا اِلَّا قَضَيْتَهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ وَاَتَوَجَّهُ
اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ اِنِّي اَتَوَجَّهُ
بِكَ اِلٰى رَبِّي فِي حَاجَتِي هٰذِهٖ لِيَقْضِيَ لِي اَللّٰهُمَّ
فَشَفِّعْهُ فِيَّ وبعد از نماز وتر سه بار سُبْحَانَ
الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ ۝ تکرار کند و در مرتبهٔ ثالثه بصد و آواز بلند
بگوید پس تر و رکعت نشسته ادا نماید در اول بعد فاتحه سورهٔ
اذا زلزلت الارض و در ثانیه بعد فاتحه قل یا ایها الکافرون
بخواند و بعد فراغ بست بار سورهٔ فاتحه که بعد صلوات سابقه
میخواند بخواند و هفت بار سورهٔ اذا جاء خوانده دعای حفظ
از آفات خواند و هفت بار سورهٔ تبت یدا ابی لهب خواند
و دعای خذلان اعادی خود کند پس صلوٰة سید عبد السلام
بن مشیش و صلوٰة کبریت احمر که منسوب بغوث الاعظم ست و
در فضل او عنه خواهد آمد بخواند پس سورهٔ واقعه و سورهٔ الم تنزیل السجده

وسورهٔ ملک و سورهٔ مزمل و یکی از مسبحات بخواند و می‌تواند
آیات که برای حفظ از آفات مشهور اند بخواند و یکصد بار تهلیل
فوق الخفیه دون الجهر بگوید بعد ازان یکصد بار هم یا باقی یا قیوم
بگوید بعده سه بار این کلمه که اِلٰهُنَا تَوَسَّلْنَا بِهٰذَا الْاِسْمِ
الْاَعْظَمِ اَنْ تَجْعَلَ اِعْمَالَنَا مَقْبُوْلَةً بگوید و اول و آخر
یکبار درود و بعد ازان پنج بار درود خمسه اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰی عَلَیْهِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
بِعَدَدِ مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا
تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَنْ تُصَلّٰی عَلَیْهِ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
کَمَا اَمَرْتَنَا بِالصَّلٰوةِ عَلَیْهِ وَصَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ کَمَا یَنْبَغِیْ اَلصَّلٰوةُ عَلَیْهِ بعد ازان این درود
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تَحُلُّ
بِهَا الْعُقَدُ وَتَنْفَكُّ بِهَا الْکُرَبُ وَصَلٰوةً تَکُوْنُ

لك فيها رضى وألحقه اداء اللهم صل على محمد
صلوة تحيينا بها من جميع الاهوال والافات و
تقضى لنا بها جميع الحاجات وتطهرنا بها من جميع
السيئات وترفعنا بها عندك اعلى الدرجات
وتبلغنا بها اقصى الغايات من جميع الخيرات
في الحياة وبعد الممات يا قاضي الحاجات
ورافع الدرجات برحمتك يا ارحم الراحمين
بخواند و در وقت خواب قل هو الله احد و معوذتين بر هر دو دست
خود دم كرده بر تمام بدن مسح نمايد سه بار همچنين كند بسترا ان
الذين امنوا وعملوا الصلحت الى سورهٔ كهف خوانده
بجهت بيداري وقت تهجد دعا كند و آمن الرسول الى آخره
و آية الكرسي بخواند پس بر پهلوي راست دراز كشد و در اوقت
اللهم بك وضعت جنبي وبك ارفعه ان

اَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَاِنْ اَرْسَلْتَهَا
فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ
خواند و نیز این کلمه سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ اَمُوتُ
وَبِاسْمِكَ اَحْيٰى پس سه بار سورهٔ فاتحه خوانده محبت تمام
وحضور دوام از خدای تعالی خواهد بعد ازان سه بار
قل هو الله احد بخواند و دعا کند الٰهی هر کسی را که از مسلمانان
غیبت کرده باشم ثواب این را بوی دادم و هر کسی که غیبت ما
کرده باشد ما او را عفو کردم بعد ازان این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اتَّخَذْتُ عِنْدَكَ عَهْدًا لَنْ تُخْلِفَنِيهِ فَاِنَّمَا اَنَا
بَشَرٌ فَاَيُّ الْمُؤْمِنِينَ شَتَمْتُهُ جَلَدْتُهُ لَعَنْتُهُ فَاجْعَلْهَا
لَهُ صَلٰوةً وَزَكٰوةً وَقُرْبَةً تُقَرِّبُهُ بِهَا اِلَيْكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
پس این استغفار اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي
وَاسْرَافِي فِي اَمْرِي وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ جِدِّيْ وَهَزْلِيْ وَخَطَائِيْ وَعَمْدِيْ وَ
كُلُّ ذٰلِكَ عِنْدِيْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا
اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ
الْمُؤَخِّرُ اَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ
مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُّ فِيْهِ وَ
اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ مَا وَعَدْتُكَ بِهٖ مِنْ نَفْسِيْ
ثُمَّ لَمْ اَفِ لَكَ بِهٖ وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ
وَعَمَلٍ اَرَدْتُّ بِهٖ وَجْهَكَ فَخَالَطَهٗ غَيْرُكَ وَ
اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ
فَاسْتَعَنْتُ بِهَا عَلٰى مَعْصِيَتِكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ اَتَيْتُهٗ فِيْ
سَوَادِ اللَّيْلِ وَبَيَاضِ النَّهَارِ فِيْ مَلَاٍ وَخَلَاٍ سِرًّا وَّ
عَلَانِيَةً يَا حَلِيْمُ وَسَبَّارَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ

إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ غَفَّارُ الذُّنُوبِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
وسه بار سید الاستغفار وسی وسه بار تسبیح وسی وسه بار تحمید
وسی بار تکبیر و یکبار کلمه توحید و سه بار رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا
و یکبار اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَاَنْتَ تَوَفَّاهَا لَكَ
مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا اِنْ اَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَاِنْ
اَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ الْعَافِيَةَ اَللّٰهُمَّ
اَسْلَمْتُ نَفْسِي اِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِيَ اِلَيْكَ وَ
فَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِي اِلَيْكَ رَغْبَةً
وَّرَهْبَةً اِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ
اٰمَنْتُ بِكِتٰبِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي
اَرْسَلْتَ وبعد ازین سخن نکوید و بخواب رود و چون وقت
تهجد برخیزد رکوع آخر سورهٔ آل عمران یعنی ان فی خلق السموات
والارض الی آخر السورة بخواند بعد ازان این دعا که

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ قَيَّامُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيْهِنَّ وَلَكَ
الْحَمْدُ اَنْتَ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيْهِنَّ
وَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ مَلِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ
فِيْهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَلِقَاءُكَ
حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالنَّبِيُّوْنَ
حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ
حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْكَ اَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ
حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّيْ
اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَلَا اِلٰهَ
غَيْرُكَ خواند پس نماز تهجد ادا کند یازده رکعت مع وتر و پانزده و
یا هفت بحسب تیسر و وسعت وقت و دران میان سورتین

یا سورهٔ مزمل قرات نماید و بعد از فراغ این خواند که

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِكَ تَهْدِیْ
بِهَا قَلْبِیْ وَتَجْمَعُ بِهَا اَمْرِیْ وَتَلُمُّ بِهَا شَعَثِیْ
وَتَرُدُّ بِهَا غَائِبِیْ وَتَرْفَعُ بِهَا شَاهِدِیْ وَتُزَكِّیْ
بِهَا عَمَلِیْ وَتُلْهِمُنِیْ بِهَا رُشْدِیْ وَتَرُدُّ بِهَا الْفِتَنَ
عَنِّیْ وَتَعْصِمُنِیْ بِهَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِیْ
اِیْمَانًا وَّیَقِیْنًا لَّیْسَ بَعْدَهٗ كُفْرٌ وَّرَحْمَةً
اَنَالُ بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الْفَوْزَ فِی الْقَضَاءِ وَنُزُلَ الشُّهَدَاءِ
وَعَیْشَ السُّعَدَاءِ وَالنَّصْرَ عَلَی الْاَعْدَاءِ اَللّٰهُمَّ
اُنْزِلُ بِكَ حَاجَتِیْ وَاِنْ قَصُرَ رَأْیِیْ وَضَعُفَ
عَمَلِیْ اِفْتَقَرْتُ اِلٰی رَحْمَتِكَ فَاَسْئَلُكَ
یَا قَاضِیَ الْاُمُوْرِ وَیَا شَافِیَ الصُّدُوْرِ كَمَا تُجِیْرُ

بَيْنَ الْخُرُوْجِ اَنْ تُجِيْرَنِيْ مِنْ عَذَابِ السَّعِيْرِ وَمِنْ
دَعْوَةِ الثُّبُوْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْقُبُوْرِ اَللّٰهُمَّ مَا قَصُرَ
عَنْهُ رَأْيِيْ وَلَمْ تَبْلُغْهُ نِيَّتِيْ وَلَمْ تَبْلُغْهُ مَسْأَلَتِيْ
مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَدًا مِّنْ خَلْقِكَ اَوْ خَيْرٍ اَنْتَ
مُعْطِيْهِ اَحَدًا مِّنْ عِبَادِكَ فَاِنِّيْ اَرْغَبُ اِلَيْكَ
وَاَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ
يَا ذَا الْحَبْلِ الشَّدِيْدِ وَالْاَمْرِ الرَّشِيْدِ اَسْئَلُكَ الْاَمْنَ
يَوْمَ الْوَعِيْدِ وَالْجَنَّةَ يَوْمَ الْخُلُوْدِ مَعَ الْمُقَرَّبِيْنَ
الشُّهُوْدِ الرُّكَّعِ السُّجُوْدِ الْمُوْفِيْنَ بِالْعُهُوْدِ اِنَّكَ
رَحِيْمٌ وَدُوْدٌ تَفْعَلُ مَا تُرِيْدُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا
هَادِيْنَ مُهْتَدِيْنَ غَيْرَ ضَالِّيْنَ وَلَا مُضِلِّيْنَ سِلْمًا
لِاَوْلِيَائِكَ حَرْبًا لِاَعْدَائِكَ نُحِبُّ بِحُبِّكَ مَنْ اَحَبَّكَ
وَنُعَادِيْ بِعَدَاوَتِكَ مَنْ خَالَفَكَ اَللّٰهُمَّ هٰذَا

الدُّعَاءُ وَعَلَيْكَ الْإِجَابَةُ وَهٰذَا الْجُهْدُ وَعَلَيْكَ
التُّكْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي
سَمْعِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَفِي عَصَبِي نُورًا وَفِي لَحْمِي
نُورًا وَفِي دَمِي نُورًا وَفِي شَعْرِي نُورًا وَفِي بَشَرِي نُورًا وَاجْعَلْ
فِي نَفْسِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَّ
مِنْ أَمَامِي نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي نُورًا
وَمِنْ تَحْتِي نُورًا اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُورًا
وَأَعْظِمْ لِي نُورًا وَاجْعَلْنِي نُورًا سُبْحَانَ الَّذِي تَعَطَّفَ
الْعِزَّ وَقَالَ بِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَبِسَ الْمَجْدَ وَتَكَرَّمَ بِهِ
سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ
ذِي الْفَضْلِ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْمَجْدِ وَالْكَرَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

إِيمَانًا لَا يَبِيدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْفَدُ وَمُرَافَقَةَ
نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَعْلَى
دَرَجَةِ الْجَنَّةِ جَنَّةِ الْخُلْدِ ۝ بعد ازان حزب اسمای
اعظم کہ تبالیف وجمع آن این فقیر موفق شدن بخواند وبعد آن هزار
وبچهار یَا لَطِيفُ أَدْرِكْنِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ ورد
سازد کہ ثمر فیوض برکات عظیمہ ست وباید کہ در حوائج ضروریہ
خود از اذکاری کہ در حدیث وارد شدند غافل نباشد پس در
ابتدای طعام بسم الله بگوید وبعد فراغ سی وسه بار سُبْحَانَ
اللهِ وبهمین قدر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وبهمین قدر اَللهُ أَكْبَرُ وبچهار
کلمۂ توحید پس ازان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هٰذَا
الطَّعَامَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ غَيْرَ مَكْفِيٍّ

وَلَا مُوَدَّعٌ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ رَبَّنَا اللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِاَكْلِيْرٍ وَلِمَنْ اَذْلِيْهِ وَلِمَنْ سَعٰى فِيْهِ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وچون در خلا جای رود سه بار بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ
وچون از انجا بیرون آید سه بار کلمه غفرانک و سه بار کلمه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَذْهَبَ عَنَّا الْاَذٰى وَعَافَانِيْ
بگوید وچون در مجلسی نشیند و از انجا اراده برخاستن کند سه
بار این دعا بخواند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ
اِلَيْكَ وبعد وضو این دعا بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنَ التَّوَّابِيْنَ
وَاجْعَلْنِيْ مِنَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ و وقت دخول مسجد اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ
رَحْمَتِكَ و وقت خروج از ان اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ
فَضْلِكَ بگوید و طالب احسان را باید که صلوة التسبیح را
که هادی صراط مستقیم برای محسنین مشروع فرموده تا تواند الترام
نماید یُصَلِّي كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ كُلَّ أُسْبُوعٍ أَوْ كُلَّ شَهْرٍ
پس چهار رکعت بخواند بعد تحریمه و ثنا و تعوذ و تسمیه فاتحه
در اول بعد از فاتحه سورهٔ أَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ و در ثانی
بعد فاتحه وَالْعَصْرِ و در ثالث قُلْ يَا أَيُّهَا الْكٰفِرُونَ
و در رابع قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ خواند پانزده بار سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ بخواند پس
رکوع کند و بعد تسبیح رکوع ده بار کلمهٔ مذکوره و در قومه
و ستهار ایمچنان مرتکز گذاشته بعد دی که در رکوع خوانده

بود بخواند و در سجن مثل رکوع کند و در جلسه مقدار قومه خواند و در
سجن ثانیه مانند اولی باز جلسه نموده و دران قدر جلسه اولی خواهد
برای رکعت دوم برخیزد و آنرا مثل سابق ادا نماید اول قرائت
پس ازان پانزده بار کلمه مذکوره و در باقی ارکان ده ده بار
و در قعدهٔ تشهد قبل از تشهد کلمه معهوده بخواند همچنین چهار رکعت
بگذارد و در قعده اخیره بعد تشهد این دعا خوانده سلام دهد
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ تَوْفِیْقَ اَهْلِ الْهُدٰی وَاَعْمَالَ
اَهْلِ الْیَقِیْنِ وَمُنَاصَحَةَ اَهْلِ التَّوْبَةِ وَحَدَدَ اَهْلِ
الْخَشْیَةِ وَعَزْمَ اَهْلِ الصَّبْرِ وَتَعَبُّدَ اَهْلِ الْوَرَعِ وَ
وَعْرِفَانَ اَهْلِ الْعِلْمِ حَتّٰی اَخَافَكَ وَاَسْئَلُكَ
مَخَافَةً تَحْجُزُنِیْ عَنْ مَّعَاصِیْكَ حَتّٰی اَعْمَلَ
بِطَاعَتِكَ عَمَلًا اَسْتَحِقُّ بِهِ الرِّضَا وَحَتّٰی اُنَاصِحَكَ
بِالتَّوْبَةِ خَوْفًا مِّنْكَ وَحَتّٰی اُخْلِصَ لَكَ النَّصِیْحَةَ

حُبَّكَ وَحَتّٰى اَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْاُمُوْرِ كُلِّهَا وَ
حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ سُبْحَانَ خَالِقِ النُّوْرِ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا
نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ پس در هر رکعت هفتاد و پنجبار میشود دیگر
آنکه سالک این راه را باید که طالب دیدار جمال جهان آرای
آنحضرت صلی الله علیه وسلم باشد و عمن اسباب حصول این دولت
عظمی و سعادت کبری مواظبت صلوة بر آنحضرت با محبت
تمام ممزوج به تعظیم و انتظار مشاهدهٔ آنحضرت خصوص در وقت
ارادهٔ نوم انشاء الله تعالی این عمل موصل بدان دولت میشود
و مثمر نسبت اویسیه آنجناب میکردد رَزَقَنَا اللّٰهُ بِفَضْلِهٖ
وَكَرَمِهٖ و اعمالیکه در ینباب از سلف صالح ماثور است
باتها هم باید نمود چنانچه ملازمت صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم
باصفت طهارت بصیغهٔ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَسَلِّمْ

كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى لَهُ وَ ملازمت این درود
نیز محصل این سعادت ست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رُوحِ مُحَمَّدٍ
فِي الْاَرْوَاحِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَسَدِهٖ فِي الْاَجْسَادِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى قَبْرِهٖ فِي الْقُبُوْرِ و بگوید که هر که روز
جمعه هزار بار این درود بخواند که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ
النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ بروی آنجناب در منام مشرف گردد یا منزل
خود را در بهشت بیند انشاء الله تعالی در اول جمعه مقصود
حاصل شود والا تکرار کند پنج جمعه امید از فضل الٰهی آنست
که از ان نگذرد و هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیة الکرسی یازده بار سورهٔ
اخلاص بخواند و بعد از سلام صد بار باین صیغه صلوة فرستد
که اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَاٰلِهٖ وَسَلِّمْ
بروی آنجناب مشرف گردد اگر نصیب او باشد انشاء الله تعالی

از سه جمعه نگذرد و قد جرّب به بعض السعداء یکرمرتبه
بگذارد و دو رکعت در شب جمعه و در هر یک از رکعتین بعد از
فاتحه قل هو الله احد بست بخوارند و بعد از سلام هزار بار
این درود بخواند که صلّی الله علی النبیّ الاُمّیّ آنحضرت را
صلے الله علیه وسلم در خواب بیند دیگر از ان حضرت صلے الله
علیه وسلم روایت نموده که فرمود هر که خواهد مرا بیند در خواب
باید که وضو کند و رو بقبله سر را بر دست راست نهاده این دعا
خوانده در خواب رود اللّٰهمّ انّی اسئلک بجلال
وجهک الکریم ان تریني وجه نبیّک محمّد
صلّی الله علیه وسلّم في منامي هذا رؤیة
تقرّ بها عیني و تفرّج بها کربتي و تشرح بها
صدري و تلتذ بها شمائلي و تجمع بها بیني و بین
نبیّک صلّی الله علیه وسلّم یوم القیامة في

الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
و اگر قبل ازین دو رکعت نماز در هریک بعد فاتحه یکبار سورهٔ مزمل بخواند بهتر باشد که این را هم خاصیت حصول
این سعادت کبری نوشته اند و افضل آنست که عمل روزهای
مذکوره نیز باوی ضم کند و باید دانست که آدمی مجبول ست
در طلب اسباب معاش پس طالب حق را باید که بکلی فَابْتَغُوْا
عِنْدَ اللّٰهِ الرِّزْقَ در بن معنی هم تمسک بچیزی کرده که موجب
توجه الی الله شود نه مورث اعراض ازوی پس برای جمعیت
ظاهری یَا کَرِیْمُ یَا وَهَّابُ یَا ذَا الطَّوْلِ را هر روز
یکهزار و شصت و شش مرتبه وظیفه کند و همچنین یَا غَنِیُّ
یکهزار و شصت بار یَا فَتَّاحُ چهار صد و هشتاد و نه مرتبه
وَیَا رَزَّاقُ سه صد و هشت کرته وَیَا کَافِی

یکصد و یازده بار و ردیا مُغنی هکذا و یکصد مرتبه
نا غه نکند که عمل این اسمای زبسی او یارا لبد منقول ست دیگر
باید دانست که یکی از ارکان طریقت بل اساس آن تزکیه است
که عبارت از تخلیه نفست از رزائل چنانچه سلطان الطریقه
شیخ ابو سعید بن ابی الخیر در کلام فیض نظام خویش بآن اشاره
فرموده رباعی خواهی که شود دل تو چون آینه ده چیز
برون کن از درون سینه حرص و امل و غضب دروغ
و غیبت بخل و حسد و ریا و کبر و کینه و دیگر تحلیه ست
که عبارت از تحصیل اوصاف حمیده است و آن مقامات اند
که از سلوک این راه روی مینماید چنانچه رباعی دوم ایشان
ارشاد بدان میفرماید رباعی خواهی که شوی بمنزل قرب مقیم
زین چیز بنفس خویش فرما تعلیم صبر و شکر و قناعت و علم و یقین
تفویض و توکل و رضا و تسلیم و باید دانست که اصل همه مقامات

علاقۂ قلبیہ بماسوی ست کہ حُبُّ الدُّنیا رَأسُ کُلِّ خَطِیئَۃٍ وقتیکہ آن علاقہ از مداومت نفی و اثبات قطع کردید تخلیہ و تجلیہ ہمہ بحاصل آمد وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنِ اتَّبَعَ الْھُدٰی وَالْتَزَمَ مُتَابَعَۃَ الْمُصْطَفٰی

فصل حسن عقیبین

و رادعیۂ موعودہ بحسن عقیبین کہ تالیف حضرت شیخ من و مرشد مولای من است کہ اعتقاد بدان ساکن جمیع سعادات و کمالات

رسالہ حسن عقیبین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلٰوۃُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَاٰلِہٖ وَصَحْبِہٖ اَجْمَعِیْنَ اما بعد فیقول الفقیر الی رحمۃ اللہ الکریم احمد المدعو بولی اللہ بن عبد الرحیم

أَحْسَنَ اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا أُشْهِدُ اللهَ تَعَالَى وَمَنْ
حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِّي أَعْتَقِدُ
مِنْ صَمِيمِ قَلْبِي أَنَّ لِلْعَالَمِ صَانِعًا قَدِيمًا لَمْ يَزَلْ وَلَا
يَزَالُ وَاجِبًا وُجُودُهُ مُمْتَنِعًا عَدَمُهُ وَهُوَ الْكَبِيرُ
الْمُتَعَالِ مُتَّصِفٌ بِجَمِيعِ صِفَاتِ الْكَمَالِ مُنَزَّهًا
عَنْ جَمِيعِ سِمَاتِ النَّقْصِ وَالزَّوَالِ وَهُوَ خَالِقُ
الْجَمِيعِ لِلْمَخْلُوقَاتِ عَالِمٌ بِجَمِيعِ الْمَعْلُومَاتِ قَادِرٌ
عَلَى جَمِيعِ الْمُمْكِنَاتِ مُرِيدٌ لِجَمِيعِ الْكَائِنَاتِ
حَيٌّ سَمِيعٌ بَصِيرٌ لَا شِبْهَ لَهُ وَلَا ضِدَّ لَهُ وَلَا نِدَّ لَهُ وَلَا
مِثْلَ لَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ فِي وُجُوبِ الْوُجُودِ وَلَا فِي
اسْتِحْقَاقِ الْعِبَادَةِ وَلَا فِي الْخَلْقِ وَالتَّدْبِيرِ وَلَا يَسْتَحِقُّ
الْعِبَادَةَ أَيْ أَقْصَى غَايَةِ التَّعْظِيمِ إِلَّا هُوَ وَلَا يَشْفِي
مَرِيضًا وَلَا يَرْزُقُ رِزْقًا وَلَا يَكْشِفُ ضُرًّا إِلَّا هُوَ

بِمَعْنَى اَنْ يَقُوْلَ لِشَيْءٍ كُنْ فَيَكُوْنُ لَا بِمَعْنَى التَّشَبُّهِ
الْعَادِى الظَّاهِرِىِّ كَمَا يُقَالُ شَفَى الطَّبِيْبُ
الْمَرِيْضَ وَرَزَقَ الْاَمِيْرُ الْجُنْدَ فَهٰذَا غَيْرُهُ وَاِنِ
اشْتَبَهَ فِى اللَّفْظِ وَلَا ظَهِيْرَ لَهُ وَلَا يَحُلُّ فِى غَيْرِهٖ وَلَا
يَتَحَدُّ لِغَيْرِهٖ لَا يَقُوْمُ بِذَاتِهٖ حَادِثٌ فَلَيْسَ فِى ذَاتِهٖ
وَلَا فِى صِفَاتِهٖ حُدُوْثٌ وَاِنَّمَا الْحُدُوْثُ فِى تَعَلُّقِ
الصِّفَاتِ بِمُتَعَلَّقَاتِهَا حَتّٰى يَظْهَرَ الْاَفْعَالُ وَحَقِيْقَةُ
اِنَّ التَّعَلُّقَ اَيْضًا لَيْسَ بِحَادِثٍ وَلٰكِنَّ الْحَادِثَ هُوَ
الْمُتَعَلَّقُ فَيَظْهَرُ اَحْكَامُ التَّعَلُّقِ مُتَفَاوِتَةً لِتَفَاوُتِ
الْمُتَعَلَّقَاتِ وَهُوَ بَرِىْءٌ عَنِ الْحُدُوْثِ وَالتَّجَدُّدِ مِنْ
جَمِيْعِ الْوُجُوْهِ لَيْسَ بِجَوْهَرٍ وَلَا عَرَضٍ وَلَا جِسْمٍ وَلَا
فِى حَيِّزٍ وَجِهَةٍ وَلَا يُشَارُ اِلَيْهِ بِهٰهُنَا وَهُنَاكَ وَلَا يَصِحُّ
عَلَيْهِ الْحَرَكَةُ وَالْاِنْتِقَالُ وَالتَّبَدُّلُ فِى ذَاتِهٖ

وَلَا فِي صِفَاتِهِ وَلَا الْجَهْلُ وَلَا الْكَذِبُ وَهُوَ
فَوْقَ الْعَرْشِ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ لَا
بِمَعْنَى التَّحَيُّزِ وَالْجِهَةِ بَلْ لَا يَعْلَمُ كُنْهَ هَذَا
التَّفَوُّقِ وَالِاسْتِوَاءِ إِلَّا هُوَ وَالرَّاسِخُونَ فِي
الْعِلْمِ مِمَّنْ آتَاهُ اللهُ مِنْ لَدُنْهُ عِلْمًا وَهُوَ مَرْئِيٌّ
لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِوَجْهَيْنِ أَحَدُهُمَا أَنْ
يَنْكَشِفَ عَلَيْهِمْ انْكِشَافًا بَلِيغًا أَكْثَرَ مِنَ
التَّصْدِيقِ بِهِ عَقْلًا فَكَأَنَّهُ الرُّؤْيَةُ بِالْبَصَرِ إِلَّا
أَنَّهُ مِنْ غَيْرِ مُوَازَاةٍ وَمُقَابَلَةِ جِهَةٍ وَلَوْنٍ وَشَكْلٍ
وَهَذَا الْوَجْهُ قَالَ بِهِ الْمُعْتَزِلَةُ وَغَيْرُهُمْ وَهُوَ حَقٌّ
وَإِنَّمَا خَطَأُهُمْ فِي تَأْوِيلِهِمُ الرُّؤْيَةَ بِهَذَا الْمَعْنَى
أَوْ حَصْرِهِمُ الرُّؤْيَةَ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَتَأْبَيْهِمَا أَنْ
يَتَمَثَّلَ لَهُمْ بِصُوَرَةٍ كَثِيرَةٍ كَمَا هُوَ مَذْكُورٌ فِي السُّنَّةِ

فيرونه بأبصارهم بالشكل واللون
والمواجهة كما يقع في المنام كما أخبر النبي
صلى الله عليه وسلم حيث قال رأيت ربي في أحسن
صورة فيرون هنالك عيانا ما يرون في الدنيا
منامًا وهذان الوجهان نفهمهما ونعتقدهما
وإن كان الله تعالى ورسوله أراد بالرؤية غيرهما
فنحن آمنا بمراد الله تعالى ورسوله وإن لم نعلم
بعينه ذلك ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن والكفر
والمعاصي بخلقه وإرادته لا برضاه وهو غني لا
يحتاج إلى شيء في ذاته وصفاته ولا حاكم عليه
ولا يجب عليه شيء بإيجاب غيره نعم قد
يعد شيئا فيفي بالوعد كما ورد فهو ضامن
على الله وجميع أفعاله يتضمن الحكمة

وَالْمَصْلَحَةُ الْكُلِّيَّةُ عَلَى مَا يَعْلَمُ وَلَا يَجِبُ
عَلَيْهِ اللُّطْفُ الْجُزْئِيُّ الْخَاصُّ وَالْأَصْلَحُ الْخَاصُّ
لَا قُبْحَ مِنْهُ وَلَا يُسْئَلُ فِيمَا يَفْعَلُ وَيَحْكُمُ إِلَى
جَوْرٍ وَظُلْمٍ يُرَاعِي الْحِكْمَةَ فِيمَا خَلَقَ وَأَمَرَ لِأَنَّهُ
يَسْتَكْمِلُ نَفْسَهُ وَصِفَاتِهِ بِشَيْءٍ وَأَنْ
تَكُونَ لَهُ حَاجَةٌ وَغَرَضٌ فَإِنَّ ذَلِكَ ضُعْفٌ
وَقُبْحٌ لِأَحَاكِمَ سِوَاهُ فَلَيْسَ لِلْعَقْلِ حُكْمٌ فِي حُسْنِ
الْأَشْيَاءِ وَقُبْحِهَا وَلَوْنُ الْفِعْلِ سَبَبًا لِلثَّوَابِ
وَالْعِقَابِ وَإِنَّمَا حُسْنُ الْأَشْيَاءِ وَقُبْحُهَا بِقَضَاءِ
اللهِ وَحُكْمِهِ وَتَكْلِيفِهِ لِلنَّاسِ فَمِنْهَا مَا يُدْرِكُ
الْعَقْلُ وَجْهَهُ وَمَصْلَحَتَهُ وَمُنَاسَبَتَهُ لِلثَّوَابِ
وَالْعِقَابِ وَمِنْهَا مَا لَا يُدْرِكُهُ إِلَّا بِإِخْبَارِ الرُّسُلِ
عَنِ اللهِ تَعَالَى وَكُلُّ صِفَةٍ مِنْ صِفَاتِهِ وَاحِدَةٌ

بِالذَّاتِ غَيْرُ مُتَنَاهِيَةٍ بِحَسَبِ التَّعَلُّقِ وَالتَّجَدُّدِ
إِنَّمَا هُوَ فِي الْمُتَعَلَّقِ بِالْمَعْنَى الْمَذْكُورِ وَلِلّٰهِ تَعَالٰى
مَلٰئِكَةٌ عُلْوِيُّونَ مُقَرَّبُونَ وَمَلٰئِكَةٌ
مُوَكَّلُونَ عَلٰى كِتَابَةِ الْأَعْمَالِ وَحِفْظِ الْعَبْدِ
عَنِ الْمَهَالِكِ وَالدَّعْوَةِ إِلَى الْخَيْرِ وَيُلَمُّونَ بِالْعَبْدِ
لَمَّةَ الْخَيْرِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مَقَامٌ مَعْلُومٌ لَا يَعْصُونَ
اللّٰهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَمِنْ خَلْقِ اللّٰهِ
الشَّيَاطِينُ لَهُمْ لَمَّةُ شَرٍّ بِابْنِ آدَمَ وَالْقُرْآنُ كَلَامُ
اللّٰهِ أَوْحَى اللّٰهُ بِهِ إِلٰى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ إِلَّا وَحْيًا
أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ
بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ فَهٰذَا حَقِيقَةُ الْوَحْيِ وَلَا يَجُوزُ
الْإِلْحَادُ فِي أَسْمَاءِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَصِفَاتِهِ فَيَتَوَقَّفُ

الإطلاق على الشرع والمعاد الجسماني حق يحشر
الأجساد ويعاد فيها الأرواح وتكون الأبدان تلك
التي كانت شرعا وعرفا وإن طالت أو قصرت
كما ورد أن ضرس الكافر مثل أحد وكانت الطف
منها كما ورد في صفة أهل الجنة وذلك كما
أن الصبي هو الذي يشب ويشيب وإن تبدلت
الأجزاء فيه ألف مرة والمجازات والمحاسبة
والصراط والميزان حق والجنة والنار حق وهما
مخلوقتان اليوم ولم يصرح بنص تعيين مكانهما بل هما
حيث شاء الله إذ لا إحاطة لنا بخلق الله وعوالمه
ولا يخلد المسلم صاحب الكبيرة في النار وهي
التي قال الله تعالى إن تجتنبوا كبائر ما تنهون
عنه نكفر عنكم سيئاتكم يعني الصلوة والكفارات

والعفو

وَالْعَفْوُ عَنِ الْكَبَائِرِ جَائِزٌ غَيْرَ اَنَّ اَفْعَالَ
اللّٰهِ تَعَالٰى فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ عَلٰى وَجْهَيْنِ مُوَافِقَةٍ
لِسُنَّةِ اللّٰهِ وَكَائِنٌ عَلٰى سَبِيْلِ خَرْقِ الْعَوَائِدِ وَعَفْوُ
الْكَبَائِرِ عَمَّنْ مَاتَ بِلَا تَوْبَةٍ جَائِزٌ مِنْ بَابِ
خَرْقِ الْعَوَائِدِ وَكَذٰلِكَ الْعَفْوُ عَنْ حُقُوْقِ النَّاسِ
جَائِزٌ بِطَرِيْقِ خَرْقِ الْعَوَائِدِ وَهٰذَا وَجْهُ التَّطْبِيْقِ
بَيْنَ النُّصُوْصِ الْمُتَعَارِضَةِ بَادِيَ الرَّاْيِ وَالشَّفَاعَةُ
حَقٌّ لِمَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَشَفَاعَةُ رَسُوْلِ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِاَهْلِ الْكَبَائِرِ
مِنْ اُمَّتِهٖ حَقٌّ وَهُوَ مُشَفَّعٌ وَحَيْثُ وَقَعَ نَفْيُ
الشَّفَاعَةِ فَالْمُرَادُ مِنْهَا الشَّفَاعَةُ الَّتِيْ تَكُوْنُ بِغَيْرِ
اِذْنِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَرِضَائِهٖ وَعَذَابُ الْقَبْرِ لِلْفَاسِقِ
وَتَنْعِيْمُهٗ لِلْمُؤْمِنِ حَقٌّ وَسُؤَالُ الْمُنْكَرِ وَالنَّكِيْرِ حَقٌّ

بَعْثَةُ الرُّسُلِ إِلَى الْخَلْقِ حَقٌّ وَتَكْلِيفُ اللهِ عِبَادَهُ بِالْأَمْرِ
وَالنَّهْيِ عَنِ السِّنَةِ الرُّسُلِ حَقٌّ وَهُمْ مُتَمَيِّزُونَ بِأُمُورٍ
لَا يُوجَدُ فِي غَيْرِهِمْ عَلَى سَبِيلِ الْإِجْمَاعِ تَدُلُّ عَلَى كَوْنِهِمْ
أَنْبِيَاءَ وَمِنْهَا خَرْقُ الْعَوَائِدِ لَهُمْ وَمِنْهَا سَلَامَةُ فِطْرَتِهِمْ
وَكَمَالُ أَخْلَاقِهِمْ وَغَيْرُ ذَلِكَ وَالْأَنْبِيَاءُ مَعْصُومُونَ
مِنَ الْكُفْرِ وَتَعَمُّدِ الْكَبَائِرِ وَالْإِصْرَارِ عَلَيْهَا
يَعْصِمُهُمُ اللهُ تَعَالَى عَنْهَا بِوُجُوهٍ ثَلَثَةٍ أَحَدُهَا
أَنْ يَخْلُقَهُمْ فِي سَلَامَةِ الْفِطْرَةِ وَكَمَالِ اعْتِدَالِ
الْأَخْلَاقِ فَلَا يَرْغَبُونَ فِي الْمَعَاصِي بَلْ يَكُونُونَ
مُتَنَفِّرِينَ عَنْهَا وَثَانِيهَا أَنْ يُوحِيَ إِلَيْهِمْ أَنَّ
الْمَعَاصِيَ يُعَاقَبُ عَلَيْهَا وَالطَّاعَاتِ يُثَابُ
عَلَيْهَا فَيَكُونُ ذَلِكَ رَادِعًا عَنِ الْمَعَاصِي وَالثَّالِثُ
أَنْ يَحُولَ اللهُ تَعَالَى بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْمَعَاصِي بِإِحْدَاثِ

لَطِيفَةٍ عَجِيبَةٍ كَظُهُورِ صُورَةِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَاضًّا عَلَى إِصْبَعِهِ فِي قِصَّةِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَمَا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَدَعْوَتُهُ
عَامَّةٌ لِجَمِيعِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَهُوَ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ
بِهٰذِهِ الْخَاصِّيَةِ وَبِخَوَاصَّ أُخْرَى نَحْوِ هٰذِهِ وَ
كَرَامَاتُ الْأَوْلِيَاءِ وَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الْعَارِفُونَ
بِاللهِ تَعَالَى وَصِفَاتِهِ الْمُحْسِنُونَ فِي إِيمَانِهِمْ حَتَّى يُكْرِمُ
اللهُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يُرِيدُ وَ
نَشْهَدُ بِالْجَنَّةِ وَالْخَيْرِ لِلْعَشَرَةِ الْمُبَشَّرَةِ وَفَاطِمَةَ
وَخَدِيجَةَ وَعَائِشَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ رَضِيَ اللهُ
تَعَالَى عَنْهُمْ وَنُوَقِّرُهُمْ وَنَعْتَرِفُ بِعِظَمِ مَحَلِّهِمْ
فِي الْإِسْلَامِ وَكَذٰلِكَ أَهْلُ الْبَدْرِ وَأَهْلُ بَيْعَةِ
الرِّضْوَانِ وَأَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ إِمَامُ حَرْبِهِ

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ عُمَرُ ثُمَّ
عُثْمَانُ ثُمَّ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ ثُمَّ تَمَّتِ الْخِلَافَةُ
وَبَعْدَهُ مُلْكٌ عَضُوضٌ وَأَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللهُ
عَنْهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ ثُمَّ عُمَرُ
وَلَا نَفْيَ الْأَفْضَلِيَّةِ مِنْ جَمِيعِ الْوُجُوهِ حَتَّى يَعُمَّ
النَّسَبُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْفُقُوَّةُ وَالْعِلْمُ وَأَمْثَالُهَا بَلْ هُمْ
بِمَعْنَى عِظَمِ نَفْعِهِ فِي الْإِسْلَامِ فَأَمِيرُ الْأُمَّةِ النَّبِيُّ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوَزِيرَاهُ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ
بِاعْتِبَارِ الْهِمَّةِ الْبَالِغَةِ فِي إِشَاعَةِ الْحَقِّ قَارِنٌ
لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجْهَانِ وَجْهٌ يَأْخُذُ
عَنِ اللهِ وَوَجْهٌ يُعْطِي الْخَلْقَ وَلَهُمَا فِي الْإِعْطَاءِ
لِلْخَلْقِ تَالِيفًا لِلنَّاسِ وَجَمْعًا لَهُمْ وَتَدْبِيرًا لِلْحَرْبِ
يَدْطُولُ وَنَكُفُّ أَلْسِنَتَنَا عَنْ ذِكْرِ الصَّحَابَةِ إِلَّا بِخَيْرٍ

وَهُمْ أَحْسَنَا وَقَادَتُنَا فِي الدِّينِ وَسَبُّهُمْ حَرَامٌ وَتَعْظِيمُهُمْ وَاجِبٌ وَلَا نُكَفِّرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ إِلَّا بِمَا فِيهِ الصَّانِعُ الْقَادِرُ الْمُخْتَارُ وَعِبَادَةُ غَيْرِ اللهِ وَإِنْكَارُ الْمَعَادِ وَالنَّبِيِّ وَسَائِرِ ضَرُورِيَّاتِ الدِّينِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبٌ وَشَرْطُهُ أَنْ لَا يُؤَدِّيَ إِلَى الْفِتْنَةِ وَأَنْ يَظُنَّ قَبُولَهُ فَهٰذَا عَقِيدَتِي أَدِينُ اللهَ تَعَالَى بِهَا ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ أَوَّلًا اعْتِصَامٌ وَآخِرًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا

از وارداتِ حضرت شیخ من مرشدی سید

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَسْأَلُكَ بِعُلُومِكَ الَّتِي نَزَلْتَهَا عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَصَفْوَةِ خَلْقِكَ وَعَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ سَيِّدِنَا

اعتصام

۱۲

مُحَمَّدٍ لَا زَالَتْ صَلَوَاتُكَ وَتَسْلِيمَاتُكَ نَازِلَةً
عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ التَّنَادِ بَلْ إِلَى أَبَدِ الْآبَادِ وَأَسْئَلُكَ
بِعُلُومِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى إِخْوَانِهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ وَأَهَمُّهَا أَهْلَ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابَهُ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ وَسَائِرَ
الْفُقَهَاءِ الْمُجْتَهِدِينَ وَالثِّقَاتِ الْمُحَدِّثِينَ وَالصُّوفِيَّةِ
الصَّافِينَ عَلَى اخْتِلَافِ طَبَقَاتِهِمْ وَتَبَايُنِ مَقَامَاتِهِمْ
كَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِمْ اللَّهُمَّ وَأَسْئَلُكَ بِعُكُوسِ
تَجَلِّيكَ الْأَعْظَمِ الْمُنْطَبِعَةِ فِي صُدُورِ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَنْوَارِ الْأَنْبِيَاءِ خَيْرُ وَارِثِينَ
وَبِأَشِعَّةِ تِلْكَ الْعُكُوسِ الْمُتَشَعْشِعَةِ فِي صُدُورِ
أَصْحَابِهِمْ وَأَحْبَابِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ اللَّهُمَّ وَأَسْئَلُكَ
بِكُلِّ هَذِهِ الْعُلُومِ وَالْعُكُوسِ وَالْأَضْوَاءِ وَالْأَشِعَّةِ

المتفاوتة المقادير المتباينة المراتب حين التيمت
مجتمعة مشتبكة عندك في الوجود
الملكوتي قبل الوجود الناسوتي فنظرت
اليها نظر رحمة ورافة واستحسان وربيتها في يد
قدرتك كما يربي الانسان فلوه وفصيله ثم لما
تهيأ الجنين في العالم الارضي لنفخ الروح وحان
ان تتحول النفس الكلية التي هي مرآة جمالك
ومنصة كمالك نفسا جزئية بمقدار ذلك الجنين
اودعت فيها عرشك وكرسيك وسمواتك
وارضك وجميع ما خلقته في السموات والارض
من الملائكة والموالي الثلثة واودعت
فيها الملأ الاعلى وحقائق الانبياء والمرسلين
وسائر عبادك الكاملين واودعت فيها

تلك العكوس للتابعة منهم الملتئمة
شخصا واحدا اجمالا اولا ومتفيرة اشخاصا
لا تعد ولا تحصى تفصيلا ثانيا فصيرت ذلك
الشخص الواحد عالما برأسه محتويا لجميع ما
في العالم الكبير نسخة جامعة لحقائق الحق
والكون وقد لكه قاعية لصنوف عكوسك
واضوائك وعلومك نموذجا لتجليك الاعظم
عينا فضاخة من النفس الكلية تفور
بانابيبها الكبرى التي هي كاللوح المصور عليه
جميع الانابيب الصغرى وقد لوحت بجمعه
جميع تلك الامور في غيبة نفسه الناطقة
تلويحا خفيا على لسان نبيك يوسف
عليه السلام حيث قال رب قد اتيتني من

الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِيْ مِنْ تَأْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ فَاطِرَ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَلِيِّيْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
تَوَفَّنِيْ مُسْلِمًا وَّاَلْحِقْنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ ۝ فَحَاشَا لِعَبْدِكَ
يُوْسُفَ اَنْ يَّتَكَلَّمَ بِمِثْلِ هٰذَا الدُّعَاءِ الْجَامِعِ الْكَامِلِ
مِنْ جِهَةِ التِّمَامِ اَحَادِيْثَ فِيْ نَفْسِهٖ هَاجِسَةً مِّنَ
السِّفْلِيَّاتِ حَاشَاهُ مِنْ ذٰلِكَ ثُمَّ حَاشَاهُ اِنَّمَا
نَطَقَ بِهٖ تَرْجُمَانًا عَنْ عَيْنِهِ النَّابِتَةِ الْمُقْتَضِيَةِ لِهٰذَا
الْجَمْعِ وَالْاِجْمَالِ اَوَّلًا وَالْكَشْفِ وَالتَّفْصِيْلِ
ثَانِيًا بَلْ تَرْجُمَانًا عَنْ حَقِيْقَةٍ جَامِعَةٍ تَشْمَلُ
يُوْسُفَ وَغَيْرَهٗ مِمَّنْ يُّشَارِكُهٗ فِيْ هٰذِهِ الْخِصَالِ
فَقَدْ لَوَّحَ اِذًا بِاَنَّ الْحَقِيْقَةَ الْجَامِعَةَ الْمُشْتَمِلَةَ
عَلٰى يُوْسُفَ وَعَلٰى مَنْ يُّشَارِكُهٗ فِيْ مِثْلِ خِصَالِهٖ
نَسْئَلُكَ سُؤَالَ اسْتِعْدَادٍ وَّاَنْتَ لَا تُخَيِّبُ

كُلُّ سَائِلٍ سَئَلَكَ سُؤَالَ اسْتِعْدَادٍ
اَنْ يَكُوْنَ مِنْ نَمَائِلِهَا شَخْصٌ وَّاحِدٌ فِيْ اٰخِرِ الزَّمَانِ
حِيْنَ تُؤْذِنُ الدُّنْيَا بِانْقِضَاءٍ تُمَلِّكُهُ نَوَاصِيَ
الْكَمَالَاتِ الْاِنْسَانِيَّةِ وَتُعَلِّمُهُ عِلْمَ تَاوِيْلِ
الْاَحَادِيْثِ الَّذِيْ لَا يَنْشَأُ اِلَّا مِنْ هٰذِهِ الْجَامِعِيَّةِ
وَتُصَيِّرُ لَهٗ وَلِيًّا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ تَتَوَلّٰى اَمْرَهٗ ظَاهِرًا
وَّبَاطِنًا فِيْ مَعَادِهٖ وَمَعَاشِهٖ وَجَمِيْعِ اَحْوَالِهٖ
كَمَا يَتَوَلّٰى الظِّئْرُ اَمْرَ الطِّفْلِ فَلَا يَتَصَرَّفُ
اِلَّا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَتُلْحِقُهٗ بِالصّٰلِحِيْنَ وَاَلْحِقْنِيْ
صَالِحًا اَتَرَشَّأُ بِهٖ وَاَعْظَمُ بُرْهَانًا مِّنْ صَفْوَةِ
خَلْقِكَ وَعَرُوْسِ مُلْكِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَلَوَّحْتَ تَلْوِيْحًا اَخْرَجَنِيْ فِيْ قَوْلِكَ وَهُوَ الَّذِيْ
اَنْشَاَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَّمُسْتَوْدَعٌ

والخطاب انما هو لافراد الانسان والحيوان
والموالید کل ذلك جمیعا ولا ینشأ کل
ذلك الا من النفس الکلیة فالصور المتعینة
فی النفس الکلیة لها وجودان وجود استقرار
وهی النفوس الجزئیة الظاهرة من ابتداء الخلق
الی ان ینتهی الامر ووجود استیداع واستعدادا
منطویة ورقوم مستهکنة خفیة ستودعها
فی هذه النفس التی صیرتها عالما برأسه ونسخة
جامعة وقد ذلکة واعیة اللهم واسئلك بنظرك
الخاص به حین قلبته فیما کان طبقا بعد طبق
وتقلبه فیما یکون حالا بعد حال حتی ینمحی فیك
فلا یبقی له عین ولا اثر ولا ذکر ولا خبر اول
ذلك حین انتقلت نقطة محبتك التی بانتقالها

إلى الشهادة توجد النقوس الخرجية فدخلت
في الناموية فاقعدت غارب جسم نباتي ثم لما
انحل ذلك الجسم النباتي وانفكت النقطة
رجعت اليك وقامت بين يديك مكتسية
لباسا رقيقا يحاذي حد والجسم النباتي نظرت
اليها نظر امتنان واستحسان فامرها ان تقعد
غارب جسم حيواني ثم لما انحل ذلك الجسم
الحيواني وانفكت منه النقطة رجعت اليك
وقامت بين يديك مكتسية لباسا
رقيقا يحاذي حد والجسم الحيواني رحمتها
واكرمتها واحسنت اليها وامرها ان تقعد
غارب جسم انساني فلما ان نفخ الروح الفت
اليه بتجليك الاعظم لفتة رحمة ورأفة وحدق

فِيهِ بِبَصَرِكَ تَحْدِيقَ تَكْرِيمٍ وَتَعْظِيمٍ وَأَوْجِدْ
فِيهِ بِذٰلِكَ النَّظَرِ شَعْشَعَانًا كَالشَّمْسِ تُحَاذِيهِ
الْمِرْآةُ الْمَجْلُوَّةُ فَتَوَلَّدُ فِيهَا شُعْلَةُ نُورٍ فَكَانَتْ تِلْكَ
الشُّعْلَةُ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ تُحَاكِي جَبَرُوتَكَ
كَمَا تُحَاكِي بِرْكَةُ الْمَاءِ ضَوْءَ الشَّمْسِ فِي يَوْمٍ صَاحٍ
عِنْدَ انْتِصَافِ النَّهَارِ وَرُكُودِ الرِّيَاحِ فَتَفْنِي فِي جَبَرُوتِكَ
فَنَاءَ الشُّعَاعِ فِي ذِي الشُّعَاعِ وَالْعَرَضُ فِي الْجَوْهَرِ
مِنْ حَيْثُ أَنَّ وُجُودَ الْعَرَضِ فِي نَفْسِهِ هُوَ وُجُودُهُ
لِمَوْضُوعِهِ ثُمَّ إِذَا قَبَضْتَهُ عَنِ الدُّنْيَا كَانَ الْقَبْضُ لَكَ
وِلَادَةً ثَانِيَةً فَتَصِيرُ الْجَوْهَرَةُ شُعَاعَ جَبَرُوتِكَ
وَتَصِيرُ النَّفْسُ النَّاطِقَةُ شَيْئًا زَائِدًا كَالْأُصْبُعِ
السَّادِسَةِ فِي يَدِ الْإِنْسَانِ لَا يُرَادُ مِنْهَا إِلَّا تَعْيِينُ
قَضَائِكَ فِي الصُّورَةِ الْخَاصَّةِ ثُمَّ يَكُونُ لَكَ شَأْنٌ

أخر فتضمحل الروح الهوائي وتنعدم النفس و
تكمن الجوهرة ويتلاشى الشعاع فحينئذ يتم
السفر وتنقضي الدورة وترجع النقطة المحيية
الى مبتداها وتستريح من تعب السير فحينئذ
تكل الالسن عن نعتها وتتقاصر الافهام
عن وصفها اللهم واسئلك بسرايتك وعنايتك
المقدسة الهاملة من بحار قدسك وصرافة
نورك الناشية من المصلحة الكلية الصانعة
مصلحة جزئية في هذه الجوهرة الشفافة البراقة
مثل سريان ندى البحر فيما وليه من الساحل ثم
بظهور تلك النداوة في البر والروح من هذا
الشخص ثم بنزول ندارة ما في القلب والعقل
من هذا الشخص ثم بانتشار اثر منهما الى اقطار

الارض

الأرض شرقا وغربا برا وبحرا كمثل الهواء
الذي مر على أرض ندية فصار رطبا فما وصل
إلى جسم إلا أفاده الرطوبة إلا كل بحسب متنبس
بعيد مريد إلى أن ينقاد للمصلحة الكلية
اللهم وأسئلك بانقياد هذا التنحص لشانك
الذي تطورت به في هذا الزمان فان لك
شانا كل يوم وان يوما عندك كالف سنة مما
تعدون وتمثل صورة الشان في جوهرية
الشفافة كمثل ظهور صورة الشعلة
في المراة اذا حوذي بها السراج المنير في ليلة
ظلماء او كظهور صورة النير الاعظم في
قعب من ماء ثم بانشعاب العالم المناسبة
هذا الشان فيما يلي البرزخ من الروح والبشر

وَالْقَلْبِ وَالْعَقْلِ اللّٰهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اَللّٰهُ نُوْرُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ فِيْهَا مِصْبَاحٌ اَلْمِصْبَاحُ
فِيْ زُجَاجَةٍ اَلزُّجَاجَةُ كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُّوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُّبٰرَكَةٍ زَيْتُوْنَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَّلَا غَرْبِيَّةٍ يَّكَادُ زَيْتُهَا يُضِيْٓءُ
وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلٰى نُوْرٍ يَهْدِى اللّٰهُ لِنُوْرِهٖ
مَنْ يَّشَآءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ فَضُرِبَتِ
الزَّيْتُ مَثَلًا لِلدَّاعِمَةِ النَّازِلَةِ مِنْ صَرَافَةِ قُدْسِكَ
وَضُرِبَتِ الْمِصْبَاحُ الَّذِيْ هُوَ هٰهُنَا بِمَعْنَى الْفَتِيْلَةِ
مَثَلًا لِلْجَوْهَرَةِ الشَّفَّافَةِ وَضُرِبَتِ الزُّجَاجَةُ مَثَلًا
لِلرُّوْحِ وَالسِّرِّ وَضُرِبَتِ الْمِشْكٰوةُ مَثَلًا
لِلْقَلْبِ وَالْعَقْلِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ اِيَّاهُ
فِيْ مَجَامِعِ اُمُوْرِهٖ وَمُعَامَلَاتِهٖ فَاِنَّهٗ فِيْ يَدِ قُدْرَتِكَ كَالْمَشِيْئَةِ
فِيْ يَدِ الْغَسَّالِ قَدْ اَلْغٰى اِرَادَتَهٗ فِيْ اِرَادَتِكَ وَاَفْنٰى

صدر

قَصْدَهُ فِي قَصْدِكَ وَاَعْنِي اِخْتِيَارَهُ فِي اخْتِيَارِكَ
فَلَيْسَ يَتَحَرَّكُ وَلَا يَتَهَشَّشُ وَلَا يَتَشَشُّ اِلَّا بِكَ
وَقُوَّتِكَ وَاِرَادَتِكَ اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ مَا ذَكَرْتُهُ
اَنْ تَجْعَلَنِي مُلْصَقًا بِذٰلِكَ النُّوْرِ الْوَحْدَانِيِّ الذَّاتِ
الْمُتَعَدِّدِ بِالْاَوْصَافِ بَلْ فَانِيًا فِيْهِ قَائِمًا بِهِ حَتّٰى
تَرْجِعَ اِلَيَّ نَفْحَةٌ مِّنْ تَوَلِّيْكَ فِي ضِمْنِ تَوَلِّيْكَ اِيَّاهُ
وَتَشْمُلَنِي نَظْرَةٌ مِّنْكَ فِي ضِمْنِ رَحْمَتِكَ لَهُ
وَتُصِيْبَنِي بِشَارَةٌ مِّنْكَ فِي ضِمْنِ بِشَارَاتِكَ الَّتِي
اَنْفَذْتَهَا اِلَيْهِ فِي تَضَاعِيْفِ فَحَاوِي كِتَابِكَ وَ
يُبْهِرَنِي ضَوْءٌ مِّنْ اَضْوَائِكَ فِي ضِمْنِ حُجُبِ
اَضْوَائِكَ الْمُقَدَّسَةِ الْمُجَرَّدَةِ بِجَوْهَرِيَّةِ الشَّفَّافِيَّةِ
وَيُحِيْطُنِي شَأْنُكَ الَّذِي تَطَوَّرْتَ بِهِ فِي هٰذَا
الزَّمَانِ وَالَّذِي جَعَلْتَهُ تَرْجُمَانًا لَهُ نَاطِقًا عَنْهُ

مُبَيِّنًا إِيَّاهُ فِي ضِمْنِ إِحَاطَتِهِ بِهِ اللّٰهُمَّ وَاسْئَلُكَ
أَنْ تُخْلِطَنِي بِتِلْكَ الْجَوْهَرَةِ الشَّفَّافَةِ حَتّٰى أَصِيرَ
مَعَهُ كَشَيْءٍ وَّاحِدٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مُشْتَبِكًا
بِهِ مَوْجُودًا بِوُجُودِهِ وَحَتّٰى أَصِيرَ دَائِمًا بِدَوَامِهِ شَأْنًا
مِنْ شُئُونِكَ وَضَوْءًا مِّنْ أَضْوَائِكَ فِي ضِمْنِ
كَوْنِهِ ذٰلِكَ مِنْكَ اللّٰهُمَّ وَاسْئَلُكَ وَأُلِحُّ عَلَيْكَ
أَنْ تُخْرِجَ لِي جَمِيعَ مَا وَعَدْتَنِي عَلٰى لِسَانِهِ مِنْ
مُقَامَاتِ السِّرِّ وَالرُّوحِ وَالْفَنَاءِ وَالْبَقَاءِ وَتُنِيلَنِي
عَلٰى يَدَيَّ نُوَّابِهِ مِنْ نَوَارِكَ الَّتِي أَبْرَزْتَهَا عَلٰى لِسَانِهِ
وَتَجْعَلَنِي حَافِظًا لِعُلُومِكَ وَمَعَارِفِكَ النَّازِلَةِ
عَلَيْهِ الْبَارِزَةِ بِهِ الْمُوَافِقَةِ لِشَأْنِكَ الَّذِي تَطَوَّرْتَ
بِهِ فِي هٰذَا الزَّمَانِ اللّٰهُمَّ مِنِّي السُّؤَالُ وَعَلَيْكَ
الْإِجَابَةُ مِنِّي الِابْتِهَالُ وَعَلَيْكَ الْإِنْجَاحُ إِنَّكَ

رَحِيمٌ كَرِيمٌ رَءُوفٌ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ
بَصِيرٌ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا رَبَّ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ مَوْلَايَ
وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ حزب اسم اعظم شَيْءٍ قَدِيرٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَزْوَاجِهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ
وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَعَلٰى
آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعِتْرَتِهِ بِعَدَدِ كُلِّ
مَعْلُومٍ لَكَ مِائَةَ أَلْفِ أَلْفِ مَرَّةٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى وَ
بَارِكْ وَسَلِّمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ دَائِمًا بِدَوَامِ اللّٰهِ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَ
مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ
فِيْهَا وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ
لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ
يُوْلِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ
عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ
الْحَمْدُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيْعَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا خَيْرَ الْوَارِثِيْنَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا سَمِيْعَ الدُّعَآءِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا عَالِمُ يَا سَمِيْعُ يَا عَلِيْمُ يَا حَلِيْمُ يَا مَلِكُ
يَا مَلِكَ الْمُلْكِ يَا سَلَامُ يَا حَيُّ يَا قَآئِمُ يَا قَدِيْمُ يَا عَلِيُّ
يَا مُحِيْطُ يَا حَكَمُ يَا عَلِيُّ يَا قَاهِرُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا جَابِرُ

يَا مُبْدِئُ

يَا سَرِيعَ يَا كَرِيمُ يَا مُحْصِي يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا مُحْيِي
يَا مُقْسِطُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبُّ
يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا وَهَّابُ
يَا غَفُورُ يَا غَفَّارُ يَا قَرِيبُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
أَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأَسْئَلُكَ
بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ
الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
أَحَدٌ وَأَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا يَا اللّٰهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا مُنَزِّلَ التَّوْرَاةِ
وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ
شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَلِيمُ
يَا رَبُّ يَا جَامِعَ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ
الْمِيعَادَ يَا مَنْ شَهِدَ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلٰئِكَتُهُ

وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهٖ اَنَّهُ الْقَآئِمُ بِالْقِسْطِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ يَا اَللّٰهُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ
مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ
وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
تُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَتُخْرِجُ
الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اِلٰهَنَا وَاِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ اِلٰهًا وَّاحِدًا لَآ اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ يَا اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَسْئَلُكَ
اَللّٰهُمَّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مَنْ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ
يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ

هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا
يُشْرِكُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى
يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
يَا مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا يَكُوْنُ هٰكَذَا اَحَدٌ غَيْرُهٗ وَاَسْئَلُكَ
بِاِسْمِكَ الْمَخْزُوْنِ الْمَكْنُوْنِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ
الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ بَلٰى وَاللّٰهِ اَنْتَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ اَللّٰهُ اَللّٰهُ
اَللّٰهُ وَاللّٰهِ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَللّٰهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ وَاَسْئَلُكَ يَا حَلِيْمُ
يَا عَلِيْمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ فَاَغِثْنِيْ يَا مُغِيْثُ لَآ اِلٰهَ
اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ وَاَسْئَلُكَ
يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اَهْيَا

اِشْرَاهِيَا وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى مَا عَلِمْتُ
مِنْهَا وَمَا لَمْ اَعْلَمْ يَا ذَا السَّعَةِ وَاَسْئَلُكَ بِبِسْمِ
اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَلِيْمُ يَا قَدِيْمُ يَا دَائِمُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ
يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَدُوْدُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ الٓمٓ كٓهٰيٰعٓصٓ حٰمٓ عٓسٓقٓ وَاَسْئَلُكَ
اَللّٰهُمَّ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجُوْدِ
وَالْبَهَاءِ وَالنُّوْرِ وَالسَّنَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ تَدَكْدَكَتْ
مِنْ مَخَافَتِهٖ صُمُّ الصُّخُوْرِ الصِّلَابِ فَخَضَعَتْ لِعِزَّتِهٖ
رَوَاسِي الْاَسْبَابِ وَفَتَحَتْ لِحِكْمَتِهٖ مَغَالِيْقُ
الْاَبْوَابِ الصِّعَابِ جَاءَتْ بِقُدْرَتِهٖ حُرُوْفُ
وَاَظْهَرَتِ الْعَجَبَ الْعُجَابَ شَغَلْتَنَا سَلْعَمَ عَجَلَاتُهٗ
اَيْجُوْ اَيْحُوْ اَيْحُوْ اِنَّمَا اَمْرُهٗ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَّقُوْلَ لَهٗ كُنْ

فَيَكُونُ وَاَسْئَلُكَ بِيٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيْمِ
يَا بَاعِثَ الْمُرْسَلِيْنَ يَا هَادِيَ مَنْ تَشَاءُ اِلٰى
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ يَا مُهْلِكَ الظَّالِمِيْنَ وَمُمِيْتَ
الْفَاسِقِيْنَ وَكُلٌّ لَدَيْهِ مُحْضَرُوْنَ يَا مَنْ يُّحْيِيْ
وَيُمِيْتُ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوْا وَاٰثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ
اَحْصَيْنٰهُ فِيْٓ اِمَامٍ مُّبِيْنٍ ۝ يَا مَنْ يُّحْيِ الْاَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَاَخْرَجَ مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَاْكُلُوْنَ
يَا مَنْ جَعَلَ فِيْهَا جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ وَّ
فَجَّرْنَا فِيْهَا مِنَ الْعُيُوْنِ لِيَاْكُلُوْا مِنْ ثَمَرِهٖ ۙ وَمَا
عَمِلَتْهُ اَيْدِيْهِمْ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ۝ يَا مُسَبِّحًا بِكُلِّ
لِسَانٍ يَا خَالِقَ الْاَرْوَاحِ كُلِّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ
مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُوْنَ يَا مَنْ نَّسْلَخُ مِنْهُ اللَّيْلَ
مِنَ النَّهَارِ فَاِذَا هُمْ مُّظْلِمُوْنَ يَا مَنْ قَدَّرَ الشَّمْسَ

مَنَازِلَ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا مَنْ قَدَّرَ الْقَمَرَ مَنَازِلَ
حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي
لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ يَا مَنْ حَمَلَنَا فِي الْفُلْكِ
الْمَشْحُونِ وَخَلَقَ لَنَا مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ
نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ يَا رَحِيمُ
يَا مَنْ خَلَقَ لَنَا أَنْعَامًا وَذَلَّلَهَا لَنَا فَمِنْهَا رَكُوبُنَا
وَجَعَلَ لَنَا فِيهَا مَنَافِعَ وَمَشَارِبَ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
يَا مَنْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ
مُبِينٌ يَا مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ يَا مَنْ
أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ أَمْرُهُ
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ يَا سُبُّوحُ

يَا مَنْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُ
وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْهَآءِ الْمَوْقُوْفَةِ مِنْ اِسْمِكَ
الْعَظِيْمِ وَبِالثَّلٰثَةِ مِنْ بَعْدِهَا وَبِالْاَلِفِ الْمُقَوَّمِ
وَبِالْحَآءِ وَالْمِيْمِ الطَّمِيْسِ الْاَبْتَرِ وَبِالسَّلَمِ وَبِالْاَرْبَعَةِ
الَّتِيْ هِيَ كَالْكَفِّ بِلَا مِعْصَمٍ وَبِالْهَآءِ الْمَشْفُوْقَةِ
وَالْوَاوِ الْمُعَظَّمِ صُوْرَةِ اِسْمِكَ الْكَرِيْمِ الْاَعْظَمِ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ
كُلِّ حَرْفٍ جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ فَاَسْئَلُكَ
اللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا ذَكَرْتُهٗ مِنْ اَسْمَآئِكَ الْعُظْمٰى اَنْ
تُنَقِّيَنِيْ مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ
الْاَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ وَاَنْ تُبَاعِدَ بَيْنِيْ وَبَيْنَ
خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ
الْمَغْرِبِ وَاَنْ تَغْسِلَ خَطَايَايَ بِالْمَآءِ وَالثَّلْجِ

وَالْبَرْدِ وَاَنْ تَرْزُقَنِيْ اِيْمَانًا لَّا يَرْتَدُّ وَنَعِيْمًا
لَّا يَنْفَدُ وَمُرَافَقَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ فِيْ اَعْلٰى دَرَجَةِ الْجَنَّةِ جَنَّةِ الْخُلْدِ وَاَنْ
تَرْزُقَنِيْ قَلْبًا سَلِيْمًا وَّقُرَّةَ عَيْنٍ لَّا تَنْقَطِعُ وَالرِّضَا
بِالْقَضَا وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ النَّظَرِ اِلٰى
وَجْهِكَ وَالشَّوْقَ اِلٰى لِقَآئِكَ وَاَنْ تُعِيْذَنِيْ
مِنْ ضَرَّآءَ مُضِرَّةٍ وَّفِتْنَةٍ مُّضِلَّةٍ وَّاَنْ تَرْزُقَنِيْ
فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ
الْمَسَاكِيْنَ وَاَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ وَاِذَآ
اَرَدْتَّ بِعِبَادِكَ فِتْنَةً فَاقْبِضْنِيْٓ اِلَيْكَ غَيْرَ
مَفْتُوْنٍ وَّاَنْ تَرْزُقَنِيْ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُّحِبُّكَ
وَحُبَّ عَمَلٍ يُّقَرِّبُنِيْ اِلٰى حُبِّكَ وَاَنْ تَجْعَلَ حُبَّكَ
اَحَبَّ اِلَيَّ مِنْ نَّفْسِيْ وَاَهْلِيْ وَمِنَ الْمَآءِ الْبَارِدِ

وَأَنْ تَرَحَّ بِي فِي بِحَارِ الْأَحَدِيَّةِ وَأَنْ تَنْشُلَنِي
مِنْ أَوْحَالِ التَّوْحِيدِ وَأَنْ تُغْرِقَنِي فِي عَيْنِ
بَحْرِ الْوَحْدَةِ حَتَّى لَا أَرَى وَلَا أَسْمَعَ وَلَا أَجِدَ
وَلَا أَحُسَّ إِلَّا بِهَا وَأَنْ تَمْحُوَ جَهْلِي بِعِلْمِكَ
وَتَنْفُرَ ظُلْمَتِي بِنُورِكَ وَتَنْشُرَ مَا ضَاقَ وَانْدَجَ
مِنِّي بِإِطْلَاقِكَ وَكَمَالِ سَعَتِكَ وَأَنْ لَا
تُنْشِئَنِي بِآيَاتِكَ فِي تَفْرِيقَاتِكَ بَلْ أَجْمَعَنِي
بِكَ وَاجْمَعْ لِيَ حَظِّي مِنْكَ وَمِمَّا يَصُدُّ عَنْكَ
وَكُنْ لِي عِوَضًا عَنِّي وَعَنْ كُلِّ شَيْءٍ امْتَارَ
فِي زَعْمِهِ أَوْ زَعَمَ عَنْكَ وَامْتَرَتْ عَنْهُ
بِأَحَدِيَّةِ جَمْعِكَ وَكَفَانِي عُقُوبَةَ
كِلَتِكَ لِي إِلَى مَا يَظُنُّ أَنَّهُ غَيْرُكَ فِي زَعْمِهِ
حَالَ إِسْبَالِ سِتْرِكَ وَلَا يَحْجُبَنِي مِنْكَ بِحَجْبِ

أَنْتَ مِنِّي وَلٰكِنْ أَظْهِرْ تَعَيُّنِي فِيكَ
لَكَ بِيَ لَا لِيَ بِكَ لِأَكُونَ الْمَعْنَى الْمُحِيطَ بِكُلِّ
حَرْفٍ وَالْمَوْصُوفَ الْمُتَعَيِّنَ بِكُلِّ وَصْفٍ
وَذٰلِكَ أَوَّلُ النَّشْأَةِ وَآخِرُهَا وَبَاطِنُ الْجُمْلِ وَظَاهِرُهَا
وَكَيْفَ لَا وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ سَوَاءٌ
ظَهَرَ بِي بَعْضُهُ أَوْ جُلُّهُ اللّٰهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا
أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي
لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

أَسْمَاءُ اللّٰهِ الْحُسْنٰى

هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ
الْعَلِيْمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ
الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْحَكَمُ
الْعَدْلُ اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ الْحَلِيْمُ الْعَظِيْمُ
الْغَفُوْرُ الشَّكُوْرُ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ الْحَفِيْظُ
الْمُقِيْتُ الْحَسِيْبُ الْجَلِيْلُ الْكَرِيْمُ الرَّقِيْبُ
الْمُجِيْبُ الْوَاسِعُ الْحَكِيْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِيْدُ
الْبَاعِثُ الشَّهِيْدُ الْحَقُّ الْوَكِيْلُ الْقَوِيُّ
الْمَتِيْنُ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ الْمُحْصِيُ الْمُبْدِئُ
الْمُعِيْدُ الْمُحْيِيُ الْمُمِيْتُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ
الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ
الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ

الْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِي الْمُتَعَالِي
الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْعِمُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ
الرَّؤُفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُوالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِيُ الْمَانِعُ
الضَّآرُّ النَّافِعُ النُّوْرُ الْهَادِيُ الْبَدِيْعُ الْبَاقِي
الْوَارِثُ الرَّشِيْدُ الصَّبُوْرُ

چہل اسما

سُبْحٰنَكَ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَّوَارِثَهٗ
وَرَازِقَهٗ وَرَاحِمَهٗ يَا لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ ۞ يَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ
الرَّفِيْعُ جَلَالُهٗ يَا اِلٰهُ ۞ يَا اَللّٰهُ مَحْمُوْدٌ فِيْ كُلِّ
فِعَالِهٖ يَا اَللّٰهُ ۞ يَا رَحْمٰنَ كُلِّ شَيْءٍ وَّرَاحِمَهٗ
يَا رَحْمٰنُ ۞ يَا حَيُّ حِيْنَ لَا حَيَّ فِيْ دَيْمُوْمَةِ مُلْكِهٖ
وَبَقَآئِهٖ يَا حَيُّ ۞ يَا قَيُّوْمُ فَلَا يَفُوْتُ شَيْءٌ

مِنْ عِلْمِهٖ وَلَا يَؤُدُهٗ حِفْظُهٗ يَا قَيُّوْمُ ۞ يَا اَوَّلُ
الْبَاقِيْ اَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاٰخِرُهٗ يَا وَاحِدُ ۞
يَا دَآئِمُ لَا فَنَآءَ وَلَا زَوَالَ لِمُلْكِهٖ وَبَقَآئِهٖ
يَا دَآئِمُ ۞ يَا صَمَدُ مِنْ غَيْرِ شِبْهٍ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهٖ
يَا صَمَدُ ۞ يَا بَآرُّ فَلَا شَيْءَ لِكُفْوِهٖ يَدَانِيْهِ
وَلَا اِمْكَانَ لِوَصْفِهٖ يَا بَآرُّ ۞ يَا كَبِيْرُ اَنْتَ اللّٰهُ
الَّذِيْ لَا تَهْتَدِي الْعُقُوْلُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهٖ
يَا كَبِيْرُ ۞ يَا بَارِئَ النُّفُوْسِ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهٖ
يَا بَارِئُ ۞ يَا زَكِيُّ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ
بِقُدْسِهٖ يَا زَاكِيْ ۞ يَا كَافِيْ الْمُوْسِعُ لِمَا خَلَقَهٗ
مِنْ عَطَايَا فَضْلِهٖ يَا كَافِيْ ۞ يَا نَقِيُّ مِنْ
كُلِّ جَوْرٍ لَمْ يَرْضَهُ وَلَمْ يُحَايِطْهُ فِعَالُهٗ يَا نَقِيُّ ۞
يَا حَنَّانُ اَنْتَ الَّذِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً

وَعِلْمًا يَا حَنَّانُ ۝ يَا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ
عَمَّ كُلَّ الْخَلَائِقِ مَنُّهُ يَا مَنَّانُ ۝ يَا دَيَّانَ
الْعِبَادِ كُلٌّ يَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَرَغْبَتِهِ
يَا دَيَّانُ ۝ يَا خَالِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
كُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ يَا خَالِقُ ۝ يَا رَحِيمَ
كُلِّ صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثَهُ وَمَعَاذَهُ يَا رَحِيمُ
۝ يَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ كُنْهَ جَلَالِ
مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا تَامُّ ۝ يَا مُبْدِعَ الْبَدَائِعِ
لَمْ يَبْغِ فِي إِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ يَا مُبْدِعُ ۝
يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ يَا عَلَّامُ
۝ يَا حَلِيمَ ذَا الْأَنَاةِ فَلَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ
خَلْقِهِ يَا حَلِيمُ ۝ يَا مُعِيدَ مَا أَفْنَاهُ إِذَا بَرَزَ
الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مُعِيدُ ۝

يَا حَمِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا مَنَّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ
بِلُطْفِهِ يَا حَمِيدُ ۝ يَا عَزِيزُ الْمَنِيعُ الْغَلَّابُ
عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَيْءَ لَهُ يُعَادِلُهُ يَا عَزِيزُ ۝ يَا قَاهِرُ
ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ
يَا قَاهِرُ ۝ يَا قَرِيبُ الْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ
عُلُوَّ ارْتِفَاعِهِ يَا قَرِيبُ ۝ يَا مُذِلَّ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ بِقَهْرٍ عَزِيزٍ سُلْطَانُهُ يَا مُذِلُّ ۝
يَا نُورُ كُلِّ شَيْءٍ وَهَادِيَهُ أَنْتَ الَّذِي أَضَاءَ
الظُّلُمَاتِ بِنُورِهِ يَا نُورُ ۝ يَا عَالِيَ الشَّامِخِ
فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوَّ ارْتِفَاعِهِ يَا عَالِيَ ۝
يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَلَا شَيْءَ
يُعَاذُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ يَا قُدُّوسُ ۝ يَا مُبْدِئَ
الْبَرَايَا وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا مُبْدِئُ

يَا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ
وَالصِّدْقُ وَعْدُهُ يَا جَلِيلُ ﴿٣٠﴾ يَا مَحْمُودُ
فَلَا تَبْلُغُ الْأَوْهَامُ كُنْهَ ثَنَائِهِ وَمَجْدِهِ
يَا مَحْمُودُ ﴿٣١﴾ يَا كَرِيمُ الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ أَنْتَ
الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ يَا كَرِيمُ ﴿٣٢﴾ يَا عَظِيمُ
ذَا الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَذَا الْعِزِّ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ
فَلَا يَذِلُّ عِزُّهُ يَا عَظِيمُ ﴿٣٣﴾ يَا عَجِيبَ الصَّنَائِعِ
فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ الْآئِهِ وَنَعْمَائِهِ وَ
ثَنَائِهِ يَا عَجِيبُ ﴿٣٤﴾ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ الْمُدَانِي
دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ يَا قَرِيبُ ﴿٣٥﴾ يَا غِيَاثِي عِنْدَ
كُلِّ كُرْبَةٍ وَمَعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ
وَمُجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ وَرَجَائِي حِينَ تَنْقَطِعُ
حِيلَتِي يَا غِيَاثِي ﴿٣٦﴾ يَا مُحْسِنُ مَنْ أَسَاءَ أَنْتَ

مِنْ عِلْمِهٖ وَلَا يَؤُدُهٗ حِفْظُهٗ يَا قَيُّوْمُ ۞ يَا وَاحِدُ
الْبَاقِيْ اَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاٰخِرُهٗ يَا وَاحِدُ ۞
يَا دَآئِمُ لَا فَنَآءَ وَلَا زَوَالَ لِمُلْكِهٖ وَبَقَآئِهٖ
يَا دَآئِمُ ۞ يَا صَمَدُ مَنْ غَيْرِ شِبْهٍ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهٖ
يَا صَمَدُ ۞ يَا بَآرُّ فَلَا شَيْءَ لِكُفْوٍ يَدَانِيْهِ
وَلَا اِمْكَانَ لِوَصْفِهٖ يَا بَآرُّ ۞ يَا كَبِيْرُ اَنْتَ اللّٰهُ
الَّذِيْ لَا تَهْتَدِي الْعُقُوْلُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهٖ
يَا كَبِيْرُ ۞ يَا بَارِئَ النُّفُوْسِ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهٖ
يَا بَارِئُ ۞ يَا زَاكِيُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ
بِقُدْسِهٖ يَا زَاكِيُ ۞ يَا كَافِيُ الْمُوْسِعُ لِمَا خَلَقَهٗ
مِنْ عَطَايَا فَضْلِهٖ يَا كَافِيُ ۞ يَا نَقِيُّ مِنْ
كُلِّ جُرْمٍ لَمْ يَرْضَهٗ وَلَمْ يُخَالِطْهُ فِعَالُهٗ يَا نَقِيُّ ۞
يَا حَنَّانُ اَنْتَ الَّذِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً

وَعِلْمًا يَا حَنَّانُ ۞ يَا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ
عَمَّ كُلَّ الْخَلَائِقِ مَنُّهُ يَا مَنَّانُ ۞ يَا دَيَّانُ
الْعِبَادِ كُلُّ يَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَرَغْبَتِهِ
يَا دَيَّانُ ۞ يَا خَالِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
كُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ يَا خَالِقُ ۞ يَا رَحِيمَ
كُلِّ صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثَهُ وَمَعَاذَهُ يَا رَحِيمُ
۞ يَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ كُنْهَ جَلَالِ
مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا تَامُّ ۞ يَا مُبْدِعَ الْبَدَائِعِ
لَمْ يَبْغِ فِي إِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ يَا مُبْدِعُ ۞
يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ يَا عَلَّامُ
۞ يَا حَلِيمَ ذَا الْأَنَاةِ فَلَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ
خَلْقِهِ يَا حَلِيمُ ۞ يَا مُعِيدَ مَا أَفْنَاهُ إِذَا بَرَزَ
الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مُعِيدُ ۞

يَا حَمِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا يَمُنُّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ
بِلُطْفِهِ يَا حَمِيدُ ﴿٢٤﴾ يَا عَزِيزُ الْمَنِيعُ الْغَالِبُ
عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَيْءَ لَهُ يُعَادِلُهُ يَا عَزِيزُ ﴿٢٥﴾ يَا قَاهِرُ
ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ
يَا قَاهِرُ ﴿٢٦﴾ يَا قَرِيبُ الْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ
عُلُوَّ ارْتِفَاعِهِ يَا قَرِيبُ ﴿٢٧﴾ يَا مُذِلَّ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ بِقَهْرٍ عَزِيزٍ سُلْطَانُهُ يَا مُذِلُّ ﴿٢٨﴾
يَا نُورُ كُلِّ شَيْءٍ وَهَادَاهُ أَنْتَ الَّذِي قَلَبَ
الظُّلُمَاتِ بِنُورِهِ يَا نُورُ ﴿٢٩﴾ يَا عَالِيَ الشَّامِخِ
فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوَّ ارْتِفَاعِهِ يَا عَالِي ﴿٣٠﴾
يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَلَا شَيْءَ
يُعَادُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ يَا قُدُّوسُ ﴿٣١﴾ يَا مُبْدِئَ
الْبَرَايَا وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا مُبْدِئُ

يَا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْعَدْلُ أَمْرُهُ
وَالصِّدْقُ وَعْدُهُ يَا جَلِيلُ ﷺ يَا مَحْمُودُ
فَلَا تَبْلُغُ الْأَوْهَامُ كُنْهَ ثَنَائِهِ وَمَحْمِدَتِهِ
يَا مَحْمُودُ ﷺ يَا كَرِيمُ الْعَفْوِ وَذَا الْعَدْلِ أَنْتَ
الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ يَا كَرِيمُ ﷺ يَا عَظِيمُ
ذَا الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَذَا الْعِزِّ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ
فَلَا يَذِلُّ عِزُّهُ يَا عَظِيمُ ﷺ يَا عَجِيبَ الصَّنَائِعِ
فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ الْآئِهِ وَنَعْمَائِهِ وَ
ثَنَائِهِ يَا عَجِيبُ ﷺ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ الْمُدْعِي
دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ يَا قَرِيبُ ﷺ يَا غِيَاثِي عِنْدَ
كُلِّ كُرْبَةٍ وَمَعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ
وَمُجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ وَرَجَائِي حِينَ تَنْقَطِعُ
حِيلَتِي يَا غِيَاثِي ﷺ يَا مُحْسِنُ مَنْ أَسَاءَ أَنْتَ

الَّذِي لَا يُسِيءُ ﴿ يَا جَوَادُ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ
سَائِلَهُ وَطَالِبَهُ ﴿ يَا غَفَّارُ أَنْتَ الَّذِي يُبَدِّلُ
السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي إِيمَانًا وَأَمَانًا
وَعَافِيَةً مِنْ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ
تَحْبِسَ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّلَمَةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ بِي السُّوءَ
وَأَنْ تَصْرِفَ قُلُوبَهُمْ عَنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَهُ إِلَى
خَيْرِ مَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ هٰذَا الدُّعَاءُ
مِنِّي وَمِنْكَ الْإِجَابَةُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

حرزیکه قبل از دعای سیفی باید خواند

تَحَصَّنْتُ بِذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَاعْتَصَمْتُ

بِيَدِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى
الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ دَخَلْتُ فِي حِرْزِ اللهِ وَفِي
حِفْظِ اللهِ وَفِي أَمَانِ اللهِ يَحُوطُكَ هيعص وَبِحَقِّ
طه ويس وَبِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ

حرز یمانی مشہور بدعای سیفی

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ عَمِلْتُ سُوْٓءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي
وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوْبِي كُلَّهَا
فَاِنَّهٗ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ يَا غَفُوْرُ يَا شَكُوْرُ
يَا حَلِيْمُ يَا رَحِيْمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْٓ اَحْمَدُكَ وَاَنْتَ
لِلْحَمْدِ اَهْلٌ عَلٰى مَا خَصَصْتَنِيْ بِهٖ مِنْ مَوَاهِبِ
الرَّغَائِبِ وَاَوْصَلْتَ اِلَيَّ مِنْ فَضَآئِلِ الصَّنَآئِعِ وَ

اَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ اِحْسَانِكَ وَبَوَّءْتَنِي بِهِ مِنْ مَظِنَّةِ
الصِّدْقِ وَنَلْتَنِي بِهِ مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلَةِ اِلَيَّ
وَاَحْسَنْتَ اِلَيَّ مِنْ اِنْدِفَاعِ الْبَلِيَّةِ عَنِّي وَالتَّوْفِيقِ
لِي وَالْاِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ اُنَادِيكَ دَاعِيًا وَ
اُنَاجِيكَ رَاغِبًا وَاَدْعُوكَ مُضَارِعًا مُصَافِيًا
وَحِينَ اَرْجُوكَ رَاجِيًا فَاَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا
لِي جَارًا حَاضِرًا حَفِيًّا بَارًّا وَفِي الْاُمُورِ كُلِّهَا
نَاصِرًا وَفَاظِرًا وَلِلْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ غَافِرًا وَ
لِلْعُيُوبِ سَاتِرًا لَمْ اَعْدِمْ عَوْنَكَ وَبِرَّكَ وَخَيْرَكَ
اِلَى طَرْفَةِ عَيْنٍ مُنْذُ اَنْزَلْتَنِي دَارَ الْاِخْتِيَارِ
وَالتَّفَكُّرِ وَالْاِعْتِبَارِ وَيُنْتَظَرُ اِلَيَّ فِيمَا اَقْدُمُ
اِلَيْكَ لِدَارِ الْقَرَارِ فَاَنَا عَتِيقُكَ يَا مَوْلَايَ
مِنْ جَمِيعِ الْمَضَارِّ وَالْمَصَائِبِ وَالْمَصَائِبِ وَالْمَعَائِبِ

مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزْدَادَ وَلَا يَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ
أَنْ يَنْتَقِصَ وَلَا ضِدٌّ سَتَهَدَكَ حِينَ فَطَرْتَ
الْخَلْقَ وَلَا نِدٌّ حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ
كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ وَانْحَسَرَتِ
الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ وَكَيْفَ يُوصَفُ
عَزَّ كُنْهُ صِفَتِكَ يَا رَبِّ وَأَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ
الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا أَبَدِيًّا
سَرْمَدِيًّا دَائِمًا فِي حُجُبِ الْغُيُوبِ وَحْدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا
إِلَهٌ سِوَاكَ حَارَتْ فِي بِحَارِ مَلَكُوتِكَ
أَفْكَارُ ذَوِي التَّبْصِيرِ وَتَحَيَّرَتْ فِي جَبَرُوتِكَ
عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ
لِهَيْبَتِكَ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِذِلَّةِ الِاسْتِكَانَةِ

لِعِزَّتِكَ وَانْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ وَاسْتَسْلَمَ
كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ
وَكُلُّ دُونَ ذٰلِكَ تَحْيِيرُ اللُّغَاتِ وَضَلَّ
هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ
فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذٰلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا
وَعَقْلُهُ عَبْهُوتًا وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّرًا اَللّٰهُمَّ لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا دَائِمًا مُتَقَارًّا مُتَوَالِيًا
مُتَوَازِرًا مُتَّسِقًا مُتَّسِعًا مُسْتَوْثِقًا يَدُومُ وَلَا
يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ
فِي الْمَعَالِمِ وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعُرْفَانِ فَلَكَ يَعْمَلُ
عَلَى مَكَارِمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ
وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَفِي الْبَرِّ وَالْبِحَارِ وَالْغُدُوِّ
وَالْآصَالِ وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَالظَّهِيرَةِ وَالْأَسْحَارِ

وَفِي كُلِّ جُزْءٍ مِنْ اَجْزَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَللّٰهُمَّ
بِتَوْفِيقِكَ قَدْ اَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وِلَايَةِ
الْعِصْمَةِ فَلَمْ اَبْرَحْ مِنْكَ فِي سُبُوغِ نَعْمَائِكَ وَ
تَتَابُعِ اٰلَائِكَ مَحْرُوسًا بِكَ فِي الرَّدِّ وَالْامْتِنَاعِ
مَحْفُوظًا بِكَ فِي الْمَنْعَةِ وَالدِّفَاعِ عَنِّي وَلَمْ تُكَلِّفْنِي
فَوْقَ طَاقَتِي وَلَمْ تَرْضَ عَنِّي اِلَّا طَاعَتِي فَاِنَّكَ
اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ
عَنْكَ غَائِبَةٌ وَلَا تَخْفٰى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَلَنْ تَضِلَّ
عَنْكَ فِي ظُلَمِ الْحَيَاتِ ضَالَّةٌ اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا
اَرَدْتَ شَيْئًا اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ
نَفْسَكَ وَحَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَمَجَّدَكَ بِهِ
الْمُجِدُّونَ وَوَحَّدَكَ بِهِ الْمُوَحِّدُونَ وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ

وَهَلَّلَكَ بِهِ الْمُهَلِّلُونَ وَعَظَّمَكَ بِهِ
الْمُعَظِّمُونَ وَسَبَّحَكَ بِهِ الْمُسَبِّحُونَ حَتَّى حَمْدِي
لَكَ مِنِّي وَحَدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَأَقَلَّ
مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ
أَصْنَافِ الْمُوَحِّدِينَ وَالْمُخْلِصِينَ وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ
الْعَارِفِينَ وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ وَالْمُصَلِّينَ وَ
الْمُسَبِّحِينَ وَمِثْلَ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ وَهُوَ حَقٌّ
وَمَحْبُوبٌ وَمَحْجُوبٌ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ
مِنَ الْحَيَوَانَاتِ وَالْبَرَايَا وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي
بَرَكَةِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَكْثَرَ
مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ
عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلًا
وَطَوْلًا وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَظًّا وَعَدْلًا وَوَعَدْتَنِي

لَهُ اَضْعَافًا وَّمَزِيْدًا وَاَعْطَيْتَنِيْ مِنْ زُرْقِكَ
حَيَاتًا اَوْ رِضًا وَسَلَّيْتَنِيْ مِنْهُ شُكْرًا
يَسِيْرًا صَغِيْرًا اِذْ نَجَّيْتَنِيْ وَعَافَيْتَنِيْ مِنْ جَهْدِ
الْبَلَاءِ وَلَمْ تُسْلِمْنِيْ لِسُوْءِ قَضَائِكَ وَبَلَائِكَ
وَجَعَلْتَ مَلْبَسِيَ الْعَافِيَةَ وَاَوْلَيْتَنِيْ بِالْبَسْطَةِ
وَالرَّخَاءِ وَسَوَّغْتَ لِيْ اَيْسَرَ الْقَصْدِ وَضَاعَفْتَ
لِيْ اَشْرَفَ الْفَضْلِ مَعَ مَا وَعَدْتَنِيْ بِهِ مِنَ الْمَحَجَّةِ
الشَّرِيْفَةِ وَلَبَّيْتَنِيْ بِهِ مِنَ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيْعَةِ
وَاصْطَفَيْتَنِيْ بِاَعْظَمِ النَّبِيِّيْنَ دَعْوَةً وَّاَرْفَعِهِمْ
دَرَجَةً وَّاَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً وَّاَوْضَحِهِمْ حُجَّةً
وَاَرْدَفْتَهُمْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ
عَلٰى جَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ
مَا لَا يَسَعُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَلَا يَمْحَقُهُ اِلَّا عَفْوُكَ

وَلَا يُكْفِرُهُ الْاِبْتِهَاجُ وَزَكَ وَفَضْلَكَ وَهَبْ لِي
فِي يَوْمِي هٰذَا وَلَيْلَتِي هٰذِهٖ وَشَهْرِي هٰذَا
وَسَنَتِي هٰذِهٖ يَقِيْنًا صَادِقًا يَهُوْنُ عَلَيَّ
مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَحْزَنَهُمَا وَ
يُشَوِّقُنِيْ اِلَيْكَ وَيُرَغِّبُنِيْ فِيْمَا عِنْدَكَ وَاَكْتُبْ
لِيْ عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ مِنْ عِنْدِكَ
وَاَوْزِعْنِيْ شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ فَاِنَّكَ
اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَوَاحِدُ الْاَحَدُ
الْمُبْدِئُ الرَّبُّ الرَّفِيْعُ الْيَدَيْنِ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ
لَيْسَ لِاَمْرِكَ مَدْفَعٌ وَلَا عَنْ قَضَائِكَ
مُمْتَنَعٌ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
رَبِّيْ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ الْمُتَعَالِ

اللهم إني أسئلك الثبات في الأمر والعزيمة
والرشد والشكر على نعمتك و
أعوذ بك من شر كل جار وظلم كل
ظالم وبغي كل باغ وحسد كل حاسد و
حقد كل حاقد وكيد كل كائد وغدر كل
غادر وشماتة كل كاشح ومكر كل مالئ بك
أصول على الأعداء وليتك أرجو ولاية الأحباء
والقرباء فلك الحمد على ما لا أستطيع إحصاءه
ولا تعديده من عوائد فضلك وعوارف رزقك
والوان ما أوليتنيه من ارفادك فإنك
أنت الله الذي لا إله إلا أنت أنت الفاشي
في الخلق حمدك الباسط بالجود يدك
ولا تضاد في حكمك ولا تنازع في

سُلطانِكَ وَمُلكِكَ وَامرِكَ تَملِكُ
مِنَ الانامِ ما تَشاءُ ولا يَملِكُ ذلكَ مِنكَ
الّا ما تُريدُ اللّهُمَّ انَّكَ انتَ المُحسِنُ المُنعِمُ
المُفضِلُ القادِرُ القاهِرُ المُقتَدِرُ القُدُّوسُ
فِي نُورِ القُدسِ تَرَدَّيتَ بِالعِزِّ وَالعَلاءِ وَتَأَزَّرتَ
بِالعَظَمَةِ وَالكِبرِياءِ وَتَغَشَّيتَ بِالنُّورِ
وَالضِّياءِ وَتَجَلَّلتَ بِالمَهابَةِ وَالبَهاءِ لَكَ
المَنُّ القَدِيمُ وَالفَضلُ العَظِيمُ وَالسُّلطانُ
الشّامِخُ وَالمُلكُ الباذِخُ وَالجُودُ الواسِعُ وَ
الفَيضُ الشّائِعُ وَالقُدرَةُ الكامِلَةُ
وَالحِكمَةُ العالِيَةُ وَالحُجَّةُ البالِغَةُ وَالعِزُّ
الشّامِلَةُ فَلَكَ الحَمدُ عَلى ما جَعَلتَنِي مِن اُمَّةِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ افضَلُ

أدعائهم وحملتهم في
البر والبحر ورزقتهم من الطيبات وفضلتهم
على كثير ممن خلقت تفضيلا وجعلت لي سمعا
واعيا بما ذكرتني به وعلمتني وبصرا
حلقتني سميعا بصيرا سويا صحيحا سالما
معافا ولم تشغلني بنقصان في بدني ولم
تشنعني كرامتك اياي وحسن صنيعك
عندي وفضل مناك لدي ونعمائك
علي إلهي أنت الذي أوسعت علي رزقا
في الدنيا والآخرة وفضلتني على كثير
من خلقك تفضيلا فجعلت لي سمعا
يسمع آياتك وعقلا يفهم ايمانك وبصرا
يرى قدرتك وفؤادا يعرف عظمتك
وكلما تثقل نوحدك ولسانا ينطق بتمجيدك

فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ وَلِكَ فِي نَفْسِي شَاكِرٌ
وَبِحَقِّكَ مُشَاهِدَةً فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ
وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ
لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ وَلَمْ تَقْطَعْ خَبَرَكَ
عَنِّي فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ تَزَلْ بِي عُقُوبَاتُ النِّقَمِ
وَلَمْ تَمْنَعْنِي دَقَائِقُ الْعِظَمِ وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ حُلَلَ
النِّعَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي
وَالتَّوْفِيقَ لِي وَالْإِسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ
صَوْتِي بِتَوْحِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ
وَتَسْبِيحِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَلَا فِي تَقْدِيرِكَ خَلْقِي
صُورَتَيْنِ فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي وَلَا فِي تَتْمِيمِ
الْأَدَوَاتِ حِينَ قَدَّرْتَهَا لِي لَكَانَ فِي
ذَلِكَ مَا يَشْغَلُ شُكْرِي عَنْ جَهْدِي فَكَيْفَ

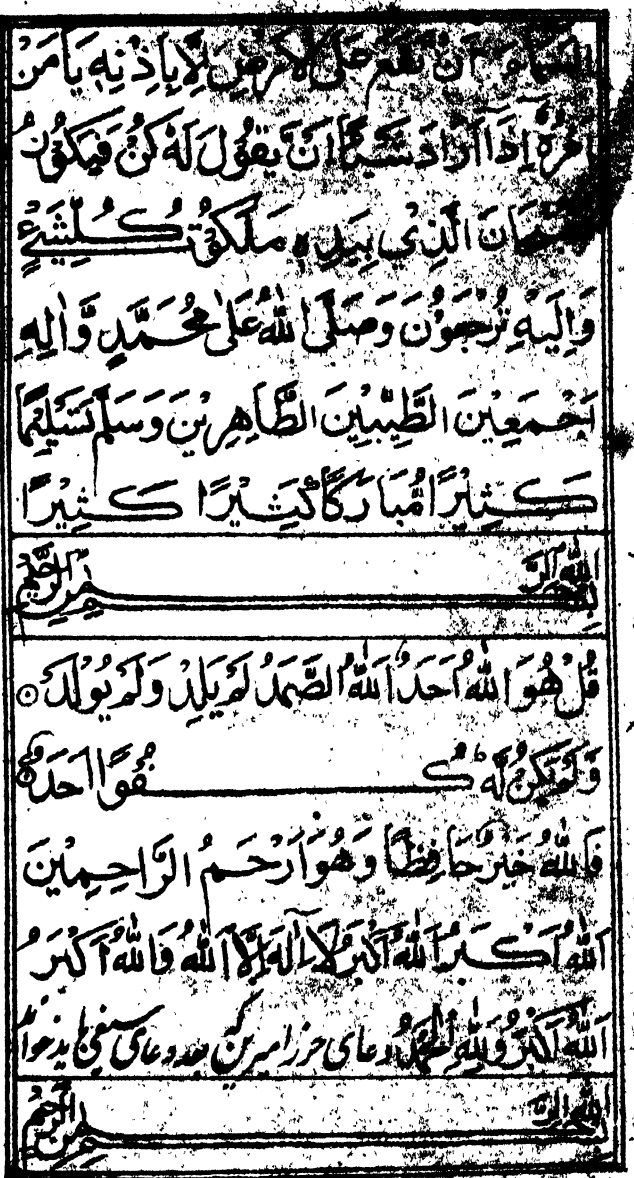
أفضل ما تعرب في النعم العظام التي تقلب
بها ولم نشكر شيئا منها فلك الحمد
عدد ما أحاطت به علمك وعدد ما وسعته
رحمتك وعدد ما أحاطت به قدرتك
وأضعاف ما تستوجبه من جميع خلقك
اللهم وتمم إحسانك إلي فيما بقي من عمري
كما أحسنت إلي فيما مضى منه اللهم
إني أسئلك وأتوسل إليك بتوحيدك
ومجدك وتحميدك وتهليلك وتكبيرك
وكبريائك وكمالك وتعظيمك و
تقديسك ونورك وآلائك ورحمتك
وعلوك ووقارك ومنك وعلمك وحلمك
وهيبتك وكبريائك وكمالك وجمالك وجلالك

وَسُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ وَقُوَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ
وَلِحِسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ وَرَحْمَتِكَ وَتَمْكِينِكَ
وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى سَائِرِ إِخْوَانِهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
وَأَنْ لَا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَفَضْلَكَ وَجَمَالَكَ
وَجَلَالَكَ وَفَوَائِدَ كَرَامَاتِكَ فَإِنَّكَ لَا يَعْتَرِيكَ
لِكَثْرَةِ مَا قَدْ نَثَرْتَ مِنَ الْعَطَايَا عَوَائِدُ الْخَلَلِ
وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ
وَلَا تَنْفَدُ خَزَائِنُكَ مَوَاهِبُكَ الْمُتَسِعَةُ وَلَا تُؤَثِّرُ
فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ مِحَكُّ الْفَائِقَةِ الْجَمِيلَةِ
الْجَلِيلَةِ وَلَا تُخَافُ ضَيْمُ إِمْلَاقٍ فَتُمْسِكَ
وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عَدَمٍ فَتَنْقُصَ مِنْ جُودِكَ
فَيْضَ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا

وَيَقِينًا صَادِقًا
وَعَزْمًا حَازِمًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا
وَاسِعًا وَعَمَلًا زَاكِيًا وَلِسَانًا صَحِيحًا وَوَلَدًا صَالِحًا
وَسِرًّا طَوِيلًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَأَسْأَلُكَ رِزْقًا
حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ
عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُقْنِطْنِي
مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُبْعِدْنِي عَنْ كَنَفِكَ
وَجِوَارِكَ وَاعِذْنِي مِنْ سَخَطِكَ وَغَضَبِكَ
وَلَا تُنْسِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَكُنْ
لِي أَنِيسًا مِنْ كُلِّ رَوْعَةٍ وَوَحْشَةٍ وَجَلِيسًا
فِي كُلِّ وَحْدَةٍ وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ
وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ دَائِمَةٍ وَعَاهَةٍ وَغُصَّةٍ
وَمَحْوٍ وَوَصْلَةٍ فِي الدَّارَيْنِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

المعاد.

اَلْمِيعَادَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي وَادْفَعْ عَنِّي
وَلَا تَدْفَعْنِي وَاَعْطِنِي وَلَا تَحْرِمْنِي وَاكْرِمْنِي
وَلَا تُهِنِّي وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي وَارْحَمْنِي
وَلَا تُعَذِّبْنِي وَانْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَاسْتُرْنِي
وَلَا تَفْضَحْنِي وَاٰثِرْنِي وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ اَحَدًا فِي اَمْرِ الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ وَاحْفَظْنِي وَلَا تُضَيِّعْنِي فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِالْاِجَابَةِ جَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
اَللّٰهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ اَمْرٍ وَشَرَعْتَ فِيهِ
بِتَوْفِيقِكَ وَتَيْسِيرِكَ فَتَمِّمْهُ لِي بِاَحْسَنِ الْوُجُوهِ
كُلِّهَا وَاَصْلِحْهَا وَاَصْوِبْهَا فَاِنَّكَ عَلٰى
مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِالْاِجَابَةِ جَدِيرٌ يَا مَنْ رَفَعَ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضُونَ بِاَمْرِهٖ يَا مَنْ يُمْسِكُ



اللهم ان تقوم على الارض الا باذنه يا من
امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
سبحان الذي بيده ملكوت كل شيء
واليه ترجعون وصلى الله على محمد وآله
اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليما
كثيرا مباركا كثيرا

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ○
ولم يكن له كفوا احد ○
فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين
الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر
الله اكبر ولله الحمد دعای حرز امیرین چند دعای سنجی باید خواند

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوْتُ وَخَالِقٌ لَا تُخْلَقُ وَ
سَمِيْعٌ لَا تُشَكُّ وَبَصِيْرٌ لَا تُغَابُ وَشَاهِدٌ
لَا تَغِيْبُ وَبَادِيٌ لَا تُفْقَدُ وَصَادِقٌ
لَا تُكَذَّبُ وَقَاهِرٌ لَا تُغْلَبُ وَقَرِيْبٌ
لَا تُبْعَدُ وَقَادِرٌ لَا تُضَارُّ وَغَافِرٌ لَا تُظْلَمُ وَصَمَدٌ
لَا تُطْعَمُ وَقَيُّوْمٌ لَا تُنَامُ وَمُجِيْبٌ لَا تُسَامُ وَقَابِلٌ
لَا تُكْلَمُ وَعَلِيْمٌ لَا تُرَامُ وَعَالِمٌ لَا تُعَلَّمُ وَ
نَاصِرٌ لَا تُعَانُ وَقَوِيٌّ لَا تُضْعَفُ وَعَظِيْمٌ لَا
تُوْصَفُ وَوَفِيٌّ لَا تُخْلِفُ وَعَدْلٌ لَا تَحِيْفُ
وَغَنِيٌّ لَا تُفْتَقَرُ وَكَبِيْرٌ لَا تُغَيَّرُ وَحَكَمٌ
لَا تُجْحَدُ وَمَنِيْعٌ لَا تُقْهَرُ وَمَعْرُوْفٌ لَا تُنْكَرُ
وَكَفِيْلٌ لَا تُخْفِرُ وَغَالِبٌ لَا تُغْلَبُ وَوِتْرٌ
لَا تُسْتَامَرُ وَفَرْدٌ لَا تُسْتَنِدُ وَوَهَّابٌ لَا تُ

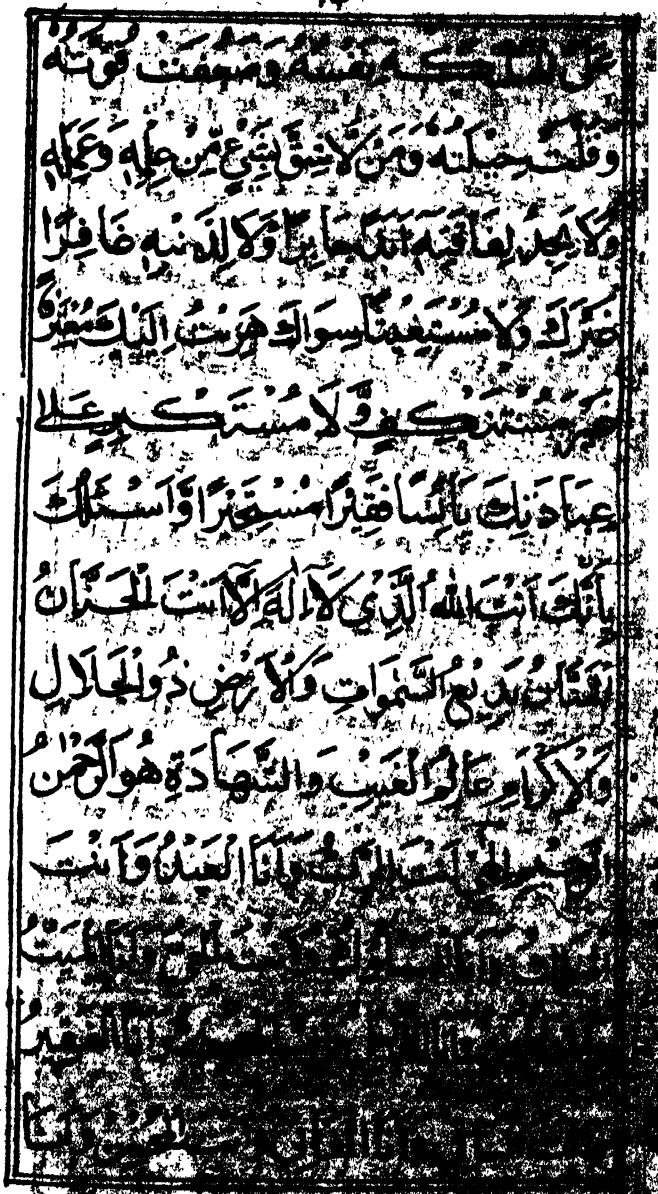
وَسَرِيعُ الْاِنْدِهَالِ وَحَلِيمٌ لَا يَعْجَلُ وَجَوَادٌ لَا يَبْخَلُ
وَحَافِظٌ لَا يَغْفُلُ وَعَزِيزٌ لَا يَذِلُّ وَقَائِمٌ لَا يَنَامُ
وَمُحْيٍ لَا يَرَى وَكَاتِبٌ لَا يَفْنَى وَبَاقٍ لَا يُبْلَى
وَوَاحِدٌ لَا يُشْبِهُهُ وَمُفِيدٌ لَا يُنَازَعُ يَا كَرِيمُ الْجُودِ
الْمُكْرَمِ يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ الْمُتَعَالِي يَا جَلِيلُ
الْمُبْدِلُ يَا سَلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ الْجَبَّارُ
الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَجَبِّرُ يَا طَاهِرُ الطُّهُورُ الْمُطَهِّرُ
الْمُتَطَهِّرُ يَا قَاهِرُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ يَا عَزِيزُ الْمُعِزُّ
الْمُتَعَزِّزُ يَا مَنْ يُنَادِي مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ مِنْ
سَوَاهِنِ الْجِبَالِ وَاَقْعَارِ الْبِحَارِ وَاَوْكَارِ الطُّيُورِ
بِاَلْسِنَةٍ شَتَّى وَلُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَحَوَائِجَ اُخَرَ
يَا مَنْ يَرَى بَطْنَ بَاطِنٍ وَيَسْمَعُ سَامِعٍ يَا مَنْ لَا
يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

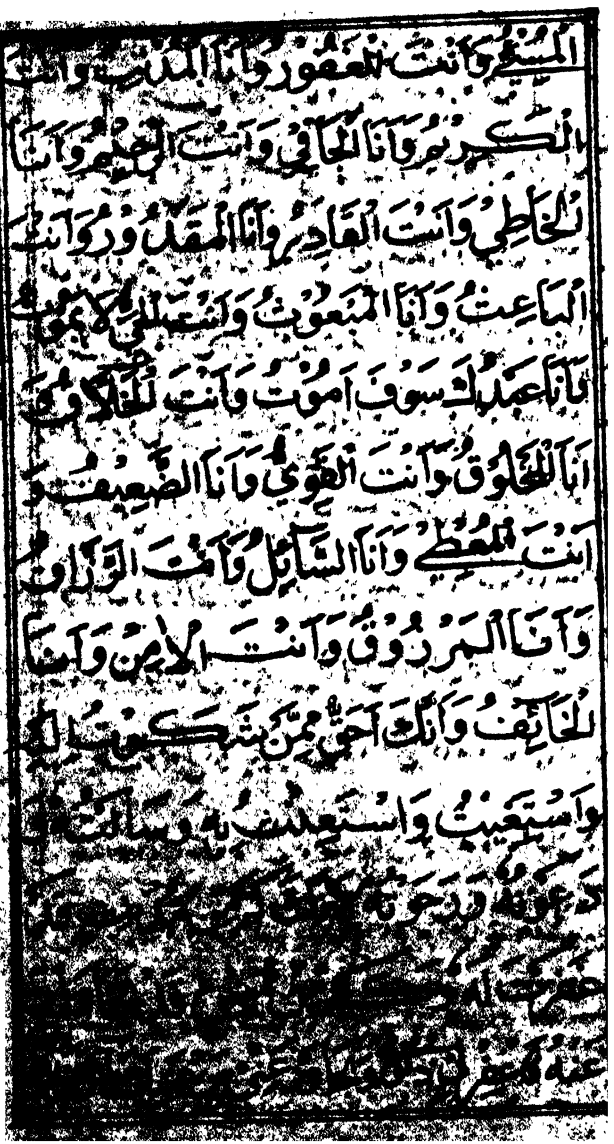
يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ

وَلَا يُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ وَلَا تَصِفُكَ
الْأَلْسِنَةُ وَلَا تَأْخُذُكَ نَوْمٌ وَلَا سِنَةٌ وَلَا يَشْبَهُكَ
شَيْءٌ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ خَالِقُ
كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَكَ الْكَرِيمُ
سُبُّوحٌ ذِكْرُكَ قُدُّوسٌ أَمْرُكَ وَاحِدٌ حُكْمُكَ نَافِذٌ
قَضَاؤُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَيَسِّرْ
مِنْ أَمْرِي مَا أَرْجُو مِنْكَ وَلَصْرِفْ عَنِّي مَا أَخَافُهُ
عَنْكَ وَيَسِّرْ لِي مِنْ أَمْرِي مَا أَخَافُ عُسْرَتَهُ
وَفَرِّجْ عَنِّي مَا أَخَافُ ضِيقَهُ وَسَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ
حُزُونَتَهُ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ سُبْحَانَكَ
اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْحَمْدُ يَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَيَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

اللهم إني أسئلك ولا أسأل غيرك
وأرغب إليك ولا أرغب إلى غيرك وأسأل
أمان الخائفين وجار المستجيرين أنت الفتاح
إلى الخيرات ومقيل العثرات ماحي السيئات
كاشف الكربات رافع الدرجات مانع
البليات وأسئلك بأفضل المسائل كلها
وأعظمها وأنجحها التي لا ترد ولا ينبغي
للعباد أن يسئلك إلا بها يا الله يا رحمن يا رحيم
وأسألك بأسمائك الحسنى وبصفاتك العلى
وبنعمتك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك
وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها
منك وسيلة وأجزلها منك ثوابا وأسرعها
منك إجابة وبأسمائك المكنونة المخزونة

الجليلة الاجل العظيمة الاعظم ان تصلي
وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه
وحقا عليك ان لا تحرم سائلك بالاجابة وبكل
اسم هو لك في التوراة ولا نجيل والزبور
والفرقان وبكل اسم هو علمته احدا من
خلقك وبكل اسم علمته احدا من
خلقك وبكل اسم دعاك به حملة عرشك
وملائكتك واصفياؤك وانبياؤك
من خلقك وبحق السائلين عليك والراغبين
اليك والمستغفرين اليك والمعوذين والمستجيرين اليك
وبحق كل عبد متضرع متعبد لك في
بر او بحر او سهل او جبل وادعو اليك دعاء
من اشتدت فاقته وعظم جرمه واشرف





المسيخ وانت المعبود وانا المذنب وانت
الكريم وانا الجاني وانت العليم وانا
الخاطي وانت القادر وانا المقدور وانت
الباعث وانا المبعوث وانت مولاي وانا
انا عبدك سوف اموت وانت للفلاني
انا المخلوق وانت القوي وانا الضعيف
انت المعطي وانا السائل وانت الرزاق
وانا المرزوق وانت الامن وانا
الخائف وانك احق ممن شكى اليك
واستجبت واستعنت به وسألت

اسناد حزب یمانی که مشهور بدعای سیفی است

صاحب سیبل الرشاد مینویسد که نوشته اند که مرا زجای دیگر برای من رسید
طالبان چیزی نوشته شد و همچنان اسناد دعای حزب البحر
نوشته شد و این حرز دفع شر ظالم را سیف قاطع و رفع حوائج
عالم را برق ساطع است خصوصا برای شفای قلوب و حصول مطلوب
مشهور بی عدد و ایمنی از بلاها کفایت از شر جن و انسان و وقایت از
حوادث و دوران شرح صدر و ازدیاد اسرار و باعث تجلیات و انوار
هر دو سرا و دافع و سلامت انسان از تریاق کامل است شرح اسناد
در اوست غرض اینجا ایجاز است و در هیچ مقام باتفاق در این حرز
اشارت هاست که اهل دعوت بدان کار میفرمایند اول لا اله
الا انت دوم سبحانک فیکون سوم یا اللهم انی
اسئلک بانبات چهارم یا من تعزز بالعظمة
پنجم یا اللهم بقیم احسانک و سوای آن موزات دیگر که

ثم بر حاشیه کتاب از بعض فضلا بهم رسانیدم و در آخر هر
که عامل این حرز کرده اول بیست روز ای صباح یکبار و یکبار بخواند
و بعد ازای صباح چهل و یکبار برای هر مهم خواند و باشد که صباح
مرادش حاصل کرده و هر گاه که دعوت حرز شروع کند بعد غسل و طهارت
کامل در مکان حلال مشغول خواندن آن باشد اول در رکعت
در رکعت اول بعد سوره فاتحه الم ترکیف یازده بار بخواند و در رکعت
آخر بعد فاتحه قل یا ایها الکافرون یازده بار بخواند و بعد نماز
بعد ازای دو رکعت چهل و یکبار حرز مذکور بخواند و در میان خواندن
حرز مشغولی بکار دیگر ننماید و کلام نکند و بعد تمام آن این دعا را خواند
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ
الْمُنْقَلَبِ وَالْحَوْرِ بَعْدَ الْكَوْرِ وَمِنَ
اللّٰهِ يَجْعَلْ لَّهٗ مَخْرَجًا وَّيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
وَمَنْ يَّتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ اِنَّ

وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗ اِلَّا هُوَ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

بعد ازان در وجه بازنخواند هر مهمی که واقعه باشد جمله آسان

گردد و بعد حرز یمانی دعای امیرین خواندن بر ضرورت زیرا

که بدون دعای امیرین صاحب حرز زرا اگرچه مقصود حاصل

می شود لکن فقیر می گرداند و دعای امیرین فقر را

قطع می نماید و بعد ادای نصاب دایما ورد این حرز یکمرتبه

هر روزه دارد و برای مهمات خود چهل و یکبار بطریق معمول

بعد افتتاح و اختتام خوانده باشد هر که هر روز بعد نماز بامداد یکبار

بیت و نه شر ظالم بخواند چهل روز بگذرد که شر ظالم دور کرده و اعدا را

مقهور گرداند و هر که پیوسته بعد نماز جمعه این حرز خوانده باشد از مهمات

و کار اعدا ایمن باشد و هر حاجتی که دارد بر آید و هر که هر روزه ورد دارد

این حرز را و بعضی از حضرت شیخ الحاوین قطب المشائخ صدر الملة والدین

محمود گرتانی قدس سره العزیز منقول است و در کتب معتبر مسطور است

اسناد حزب البحر من اوراد الشیخ ابی الحسن الشاذلی

از کبریت احمر بریای عظیم ست برای سلامت دنیا و آخرت و فتح ابواب
سعادت و کرامت حضرت قطب الوقت و امام زمان خود ابو
شاذلی آنرا در وقت رکوب بحر از حضرت نبوت مآب صلی الله
علیه و آله تلقن نموده اند و شان ورود آن چنانچه مشائخ شاذلیه
نوشته اند و از حضرت شیخ استماع آن چنان است که وقتی در
اشهر حج حضرت شیخ در مغرب زمین که جای بودن ایشان بود
با اصحاب خود عزم نمود که امسال خود را در روز موقف عرفات
می بینم تهیه اسباب سفر حج باید نمود عرض کردند که موسم تگ
و گشته بهار رفته و کنجایش این نمانده باقی هر چه فرمایند فرمود باید
ما را عزیمت این سفر باید کرد بهر طریق خود را انجا باید رسانید و
بحکم این اشارت ما رسیدیم بر کشتی نشستیم ناگاه اندیشه کردیم
از ترسائی که بجهت تجارت می آیند و بسیاری آن دریا نه موحد

وبی کار و تکاپو نمیکن بحمت شدت خود و سطوت قهرمان امر حضرت
شیخ اباتوانست کرد کشتی را بحکم ایشان دربانی ساخت شیخ با اصحاب
در وی نشستند کشتی بحمت تلاطم امواج و تدافع ریاح در هوا میرفت
حضرت شیخ را حال قوی وارد شد و این دعا از حضرت سید
کائنات صلے الله علیه وآله وسلم فائض گشت و بمنزل مراد
رسانید و درین حزب موزون اشارت است که اصحاب دعوت بدان
کار میفرمایند و این حزب بسی عظیم است و حرزی مکنون در حصول
شفای قلوب و توسل بمطلوب و سلامت از آفات و حفظ عاهات
و اجابت دعوت و تفریج کربت و رفع قدر و شرح صدر و تسهیل امر
و کفایت شر جن و انس و امن از طوارق لیل و نهار و حوادث دهر
و وقایت شر جبابره و غنای قلب و دیگر اسرار و انوار که شرح آن
رسالت و وقت خواندن آن بعد از نماز صبح و نماز عصر است
نقل بعضی از این حزب نادر از شیخ عبد الحق بلوی رحمة الله علیه تقلا

دعای حزب البحر

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰھُمَّ یَا اَللّٰہُ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیْمُ یَا حَلِیْمُ یَا عَلِیْمُ
اَنْتَ رَبِّیْ وَعِلْمُکَ حَسْبِیْ فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبِّیْ
وَنِعْمَ الْحَسْبُ حَسْبِیْ تَنْصُرُ مَنْ تَشَآءُ وَاَنْتَ
الْعَزِیْزُ الرَّحِیْمُ نَسْئَلُکَ الْعِصْمَةَ فِی الْحَرَکَاتِ
وَالسَّکَنَاتِ وَالْکَلِمَاتِ وَالْاِرَادَاتِ
وَالْخَطَرَاتِ مِنَ الظُّنُوْنِ وَالشُّکُوْکِ وَالْاَوْهَامِ
السَّائِرَةِ لِلْقُلُوْبِ عَنْ مُطَالَعَةِ الْغُیُوْبِ قَدِ
ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَزُلْزِلُوْا زِلْزَالًا شَدِیْدًا وَاِذْ
یَقُوْلُ الْمُنَافِقُوْنَ وَالَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ
مَّا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اِلَّا غُرُوْرًا فَسَبِّنَا
وَانْصُرْنَا وَسَخِّرْ لَنَا هٰذَا الْبَحْرَ کَمَا سَخَّرْتَ

الحر والبرد وسخرت النار لابراهيم وسخرت
الجبال والحديد لداود وسخرت الريح
والشياطين والجن لسليمان وسخر لنا
كل بحر هو لك في الارض والسماء والملك
والملكوت وبحر الدنيا وبحر الاخرة وسخر لنا
كل شيء يا من بيده ملكوت كل شيء
كهيعص طسم كهيعص انصرنا
فانك خير الناصرين واغثنا فانك خير
الغافرين واغفر لنا فانك خير الغافرين وارحمنا
فانك خير الراحمين وارزقنا فانك خير
الرازقين واحفظنا فانك خير الحافظين و
اهدنا ونجنا من القوم الظالمين وهب لنا
من لدنك رحمة طيبة كما هي في علمك

وانشرها علينا من خزائن رحمتك وانزل
بها جمل الكرامة مع السلامة والعافية
في الدين والدنيا والآخرة انك على كل شيء
قدير اللهم يسر لنا امورنا مع الراحة لقلوبنا
وابداننا والسلامة والعافية في ديننا و
دنيانا وكن لنا صاحبا في سفرنا وخليفة
في اهلنا واطمس على وجوه اعدائنا و
امسخهم على مكانتهم فلا يستطيعون
المضي ولا الجيء الينا ولو نشاء لطمسنا
على اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون
ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا
مضيا ولا يرجعون يس والقرآن الحكيم
انك لمن المرسلين على صراط مستقيم

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ
آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ
عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا
فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم
مُّقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ
لَا يُبْصِرُونَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ شَاهَتِ
الْوُجُوهُ شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ
لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا
حٰمٓ عٓسٓقٓ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ
بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ
حٰمٓ حٰمٓ حُمَّ الْأَمْرُ وَجَاءَ النَّصْرُ فَعَلَيْنَا
لَا يُنصَرُونَ حٰمٓ تَنزِيلُ الْكِتَابِ

مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَآ اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ بِسْمِ اللّٰهِ بَابُنَا وَالرَّحِيْمُ
يٰسٓ سَقْفُنَا كٓهٰيٰعٓصٓ كِفَايَتُنَا حٰمٓ سِتْرُ
حِمَايَتُنَا فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ
السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ سِتْرُ الْعَرْشِ مَسْبُوْلٌ عَلَيْنَا
وَعَيْنُ اللّٰهِ نَاظِرَةٌ اِلَيْنَا بِحَوْلِ اللّٰهِ لَا يُقْدَرُ عَلَيْنَا
وَاللّٰهُ مِنْ وَّرَآئِهِمْ مُّحِيْطٌ بَلْ هُوَ قُرْاٰنٌ مَّجِيْدٌ
فِيْ لَوْحٍ مَّحْفُوْظٍ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَّهُوَ اَرْحَمُ
الرّٰحِمِيْنَ اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِيْ نَزَّلَ الْكِتٰبَ وَهُوَ
يَتَوَلَّى الصّٰلِحِيْنَ سہ بار حَسْبِيَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ
سہ بار بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ

[illegible] السَّمَآءِ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ
[illegible] وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَسَلَّمَ

اختتام حزب البحر

اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ يَا عَظِيْمُ السُّلْطَانِ يَا قَدِيْمَ
الْاِحْسَانِ يَا دَآئِمَ النِّعَمِ يَا بَاسِطَ الرِّزْقِ يَا
وَاسِعَ الْعَطَآءِ يَا دَافِعَ الْبَلَآءِ يَا سَامِعَ الدُّعَآءِ
يَا حَاضِرًا لَيْسَ بِغَآئِبٍ يَا مَوْجُوْدًا عِنْدَ الشَّدَآئِدِ
يَا خَفِيَّ اللُّطْفِ يَا لَطِيْفَ الصُّنْعِ يَا حَلِيْمًا لَا
يَعْجَلُ يَا كَرِيْمًا لَا يَبْخَلُ اُقْضِ حَاجَتِيْ بِرَحْمَتِكَ

یا ارحم الراحمین ادعیہ مبارک ماثورہ من النبی صلی اللہ
علیہ وسلم اللھم انت احق من ذکر واحق من عبد
وانصر من ابتغی وارؤف من ملک واجود من
سئل واوسع من نظر انت الملک لا شریک
لک والفرد لا ند لک کل شیء ھالک الا وجھک
لن تطاع الا باذنک ولن تعصی الا بعلمک
تطاع فتشکر وتعصی فتغفر اقرب شہید وا
ادنی حفیظ حلت دون النفوس واخذت
بالنواصی وکتبت الآثار ونسخت الاجال
القلوب لک مفضیۃ والسر عندک علانیۃ
الحلال ما احللت والحرام ما حرمت والدین
ما شرعت والامر ما قضیت والخلق خلقک
والعبد عبدک وانت اللہ الرؤف الرحیم

أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوٰتُ
وَالْأَرْضُ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِحَقِّ السَّائِلِيْنَ
عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي هٰذِهِ الْغَدَاةِ وَفِي هٰذِهِ
الْعَشِيَّةِ وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ
اَللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ
نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ
فِي قَضَائِكَ أَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ
سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ
أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ
عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ رَبِيعَ قَلْبِي
وَنُورَ بَصَرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذِهَابَ هَمِّي وَ
غَمِّي اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ
أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي

اٰخِرَتِيَ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَادِيْ وَاجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيَادَةً
لِّيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ وَّاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِّيْ مِنْ
كُلِّ شَرٍّ رَبِّ اَعِنِّيْ وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ وَانْصُرْنِيْ وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ
وَامْكُرْ لِيْ وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ وَاهْدِنِيْ وَيَسِّرِ الْهُدٰى
وَانْصُرْنِيْ عَلٰى مَنْ بَغٰى عَلَيَّ رَبِّ اجْعَلْنِيْ لَكَ
ذَكَّارًا لَّكَ شَكَّارًا لَّكَ رَهَّابًا لَّكَ مِطْوَاعًا لَّكَ مُخْبِتًا
اِلَيْكَ اَوَّاهًا مُّنِيْبًا رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِيْ وَاغْسِلْ
حَوْبَتِيْ وَاَجِبْ دَعْوَتِيْ وَثَبِّتْ حُجَّتِيْ وَسَدِّدْ
لِسَانِيْ وَاهْدِ قَلْبِيْ وَاسْلُلْ سَخِيْمَةَ صَدْرِيْ
اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُوْلُ بِهٖ
بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيْكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ
مَا تُبَلِّغُنَا بِهٖ جَنَّتَكَ وَمِنَ الْيَقِيْنِ مَا تُهَوِّنُ
بِهٖ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَاَمْتِعْنَا

اللهم اسمعنا وابصارنا وقوتنا ما احييتنا واجعله
الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا وا
نصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا
في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا
ولا مبلغ علمنا ولا غاية رغبتنا ولا تسلط
علينا من لا يرحمنا اللهم بعلمك
الغيب وقدرتك على الخلق احيني ما علمت
الحيوة خيرا لي وتوفني اذا علمت الوفاة
خيرا لي واسئلك خشيتك في الغيب
والشهادة وكلمة الاخلاص في الرضا
والغضب واسئلك نعيما لا ينفد وقرة عين
لا تنقطع واسئلك الرضا بالقضاء وبرد
العيش بعد الموت ولذة النظر الى وجهك

والشوق

وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَرَّاءَ
مُضِرَّةٍ وَفِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ
وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ
مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ
عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ
وَنَبِيُّكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ
إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ
وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَسْأَلُكَ
أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْئَلَةِ وَخَيْرَ الدُّعَاءِ وَخَيْرَ النَّجَاحِ

وَخَيْرَ الْعَمَلِ وَخَيْرَ الثَّوَابِ وَخَيْرَ الْحَيٰوةِ
وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَثَبِّتْنِي وَثَقِّلْ مَوَازِيْنِي وَحَقِّقْ
إِيْمَانِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي وَاغْفِرْ
خَطِيْئَتِي وَأَسْئَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ
آمِيْنَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ
وَجَوَامِعَهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ
وَالدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ آمِيْنَ اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا آتِي وَخَيْرَ مَا أَفْعَلُ وَخَيْرَ
مَا أَعْمَلُ وَخَيْرَ مَا بَطَنَ وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ وَالدَّرَجَاتِ
الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ آمِيْنَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ
أَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي وَتَضَعَ وِزْرِي وَتُصْلِحَ أَمْرِي
وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتُحَصِّنَ فَرْجِي وَتُنَوِّرَ قَلْبِي
وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَأَسْئَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى

مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ
تُبَارِكَ لِيْ فِيْ سَمْعِيْ وَفِيْ بَصَرِيْ وَفِيْ رُوْحِيْ وَفِيْ
خَلْقِيْ وَفِيْ خُلُقِيْ وَفِيْ اَهْلِيْ وَفِيْ مَحْيَايَ وَفِيْ مَمَاتِيْ
وَفِيْ عَمَلِيْ وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِيْ وَاَسْئَلُكَ الدَّرَجَاتِ
الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِيْنَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُوْنُ وَلَا
تُخَالِطُهُ الظُّنُوْنُ وَلَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُوْنَ
وَلَا تُغَيِّرُهُ الْحَوَادِثُ وَلَا يَخْشَى الدَّوَائِرَ
يَعْلَمُ مَثَاقِيْلَ الْجِبَالِ وَمَكَائِيْلَ الْبِحَارِ وَ
عَدَدَ قَطْرِ الْاَمْطَارِ وَعَدَدَ وَرَقِ الْاَشْجَارِ وَعَدَدَ
مَا اَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَاَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ وَلَا
تُوَارِيْ مِنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءً وَلَا اَرْضٌ اَرْضًا وَلَا
بَحْرٌ مَا فِيْ قَعْرِهٖ وَلَا جَبَلٌ مَا فِيْ وَعْرِهٖ اِجْعَلْ خَيْرَ
عُمُرِيْ اٰخِرَهٗ وَخَيْرَ عَمَلِيْ خَوَاتِمَهٗ وَخَيْرَ اَيَّامِيْ

[illegible] فيه يا من اظهر الجميل وستر
[illegible] يا من لا يؤاخذ بالجريرة ولا يهتك
الستر يا عظيم المن يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب
كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا كريم
الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ النعم قبل
استحقاقها يا ربنا ويا سيدنا ويا مولانا ويا غايه
رغبتنا اسئلك يا الله ان لا تشوي خلقي بالنار
تنورك فهديت فلك الحمد عظم حلمك
فعفوت فلك الحمد بسطت يدك فاعطيت
فلك الحمد ربنا وجهك اكرم الوجوه و
جاهك اعظم الجاه وعطيتك افضل العطية
وانهاها تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر

وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ وَ
تَشْفِي السَّقِيمَ وَتَغْفِرُ الذَّنْبَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ
وَلَا يُجْزِئُ بِآلَائِكَ أَحَدٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتُكَ
قَوْلَ قَائِلٍ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ
وَلَا رَادَّ لِمَا قَضَيْتَ وَلَا مُهْدِيَ مَنْ هَدَيْتَ
تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ لَا يُحَاطُ
الظُّنُونُ وَلَا يَصِفُكَ الْوَاصِفُونَ وَلَا يُغَيِّرُكَ
الْمَنُونُ وَلَا يُبَدِّلُكَ الْكُنُونُ تَقَدَّسْتَ عَنِ
الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ وَتَنَزَّهْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ
الْأَضْدَادِ وَتَبَايَنْتَ عَنِ الْأَزْوَاجِ وَالْأَجْسَادِ
وَتَكَبَّرْتَ عَنِ الْإِحْصَاءِ وَالْأَعْدَادِ لَكَ
الْحَمْدُ يَا سَمَوَاتِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَعَدَدَ
كَلِمَاتِكَ وَمَبْلَغَ عِلْمِكَ كُلَّمَا ذُكِرْتَ

بِحَوْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَفَرَّدْتَ بِطَوْلِكَ الرَّفِيعِ
وَتَعَزَّزْتَ بِعِزِّكَ الْمَنِيعِ وَتَبَارَكْتَ بِمَجْدِكَ
النَّصِيعِ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ اَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعٍ
اِلَيْكَ وَاَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ وَانْتَصَبْتُ
بِجُمْلَتِي بَيْنَ يَدَيْكَ لَيْسَ بِقَلْبِي لِمَنْ سِوَاكَ
مِثْقَالُ ذَرَّةٍ وَلَا بِقَالِبِي لِمَنْ دُونَكَ مِقْدَارُ رَحَّةٍ
وَلَا بِوَجْهِي لِمَنْ غَيْرَكَ مَوْضِعُ شَعْرَةٍ وَلَا بِغَيْرِكَ
لِاَلِكَ مَكَانُ قَطْرَةٍ اِيَّاكَ اَعْبُدُ وَبِكَ اَسْتَعِينُ
وَاِلَيْكَ اَرْغَبُ وَمِنْكَ اَرْهَبُ وَكَيْفَ
يُعْبَدُ مَنْ يُتَضَرَّعُ اِلَيْكَ وَيُخْتَضَعُ لَدَيْكَ وَاَنَّى
يُسْتَعَانُ مَنْ هُوَ مَغْلُوبٌ فِي اَمْرِهِ مَقْهُورٌ
فِي عُمْرِهِ وَاَيْنَ يُرْغَبُ اِلَيْهِ وَمَسْكَنُهُ
لِلْحُدُوثِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَمَتَى يُرْهَبُ مَنْ اَنْ

شِئْتَ اَمَتَّهُ وَاِنْ شِئْتَ اَحْيَيْتَهُ وَاِنْ شِئْتَ
اَضْحَكْتَهُ وَاِنْ شِئْتَ اَبْكَيْتَهُ فَاَنْتَ دُوْنَ
كُلِّ مَسْئُوْلٍ مِنْهُ مَوْضِعُ مَسْاَلَتِيْ وَاَنْتَ دُوْنَ
كُلِّ مَطْلُوْبٍ اِلَيْهِ وَلِيُّ حَاجَتِيْ وَاَنْتَ
الْمَخْصُوْصُ قَبْلَ كُلِّ مَرْجُوٍّ بِرِفْدِيْ وَاَنْتَ الْمُتَعَيَّنُ
قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِيْ لَا يُشَارِكُكَ اَحَدٌ
فِيْ رَجَآئِيْ وَلَا يُوَافِقُ اَحَدٌ مَعَكَ فِيْ دُعَآئِيْ
وَلَا يَنْظِمُهُ وَاِيَّاكَ نِدَآئِيْ وَلَا يَزِنُ سِوَاكَ
جَنَاحَ بَعُوْضَةٍ فِيْ شِدَّتِيْ وَرَخَآئِيْ اَشْهَدُ
اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ
كَثُرَتْ نَعْمَآئُكَ وَزَادَتْ اٰلَآئُكَ وَعَظُمَ
فَضْلُكَ وَكَبُرَ مَنُّكَ وَقَصُرَ شُكْرِيْ وَسَآءَ
ضَنِيْعِيْ فَاغْفِرْ لِيْ مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِيْ

رَحْمَةً مِّنْ لَّدُنْكَ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الْوَهَّابُ
ذُو الْفَضْلِ الْمَتِيْنِ وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْ
لَاَكُوْنَنَّ مِنَ الْخَاسِرِيْنَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُوْلُكَ خَتَمْتَ بِهِ اَنْبِيَائَكَ وَصَدَّرْتَهُ
عَلٰى اَصْفِيَائِكَ جَعَلْتَهُ وَسِيْلَةَ الْمُتَّقِيْنَ
وَشَفَّعْتَهُ فِي الْمُذْنِبِيْنَ يَوْمَ الدِّيْنِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا
فَصَلِّ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ
كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَنْ يُّصَلّٰى عَلَيْهِ وَصَلِّ
عَلٰى اِخْوَانِهٖ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ وَجَازِهِمْ اَحْسَنَ
الْجَزَاءِ كَمَا هَدَوْا اِلٰى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيْمِ
وَقَادُوْا اِلَى الْمَنْهَجِ الْقَوِيْمِ وَعَلٰى اٰلِهِ الطَّاهِرَةِ
الْاَصْفِيَاءِ وَاَصْحَابِهِ الْبَرَرَةِ الْاَتْقِيَاءِ اٰمِيْنَ

درود یکه از تصانیف عارف کامل سید عبد السلام بن مشیش است قدس سره

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی من منه انشقت الاسرار
وانفلقت الانوار وفیه ارتقت الحقائق وتنزلت
علوم آدم فاعجز الخلائق وله تضاءلت الفهوم
فلم یدرکه منا سابق ولا لاحق فریاض الملکوت
بزهر جماله مونقة وحیاض الجبروت
بفیض انواره مترفقة ولا شیء الا وهو به
منوط اذ لولا الواسطة کما قیل لذهب
الموسوط صلوة تلیق بک منک الیه کما هو
اهله اللهم انه سرک الجامع الدال علیک
وحجابک الاعظم القائم لک بین یدیک اللهم
الحقنی بنسبه وحققنی بحسبه وعرفنی

إِيَّايَ مَعْرِفَةَ أَسْلَمُ بِهَا مِنْ مَوَارِدِ الْجَهْلِ وَ
وَاكْرَعُ بِهَا مِنْ مَوَارِدِ الْفَضْلِ وَاحْمِلْنِي
عَلَى سَبِيلِهِ إِلَى حَضْرَتِكَ حَمْلًا مَحْفُوفًا بِنَصْرِكَ
وَاقْذِفْنِي عَلَى الْبَاطِلِ فَأَدْمَغَهُ وَزُجَّ بِي فِي
بِحَارِ الْأَحَدِيَّةِ وَاكْشِفْنِي مِنْ أَوْجَالِ التَّوْحِيدِ وَ
أَغْرِقْنِي فِي عَيْنِ بَحْرِ الْوَحْدَةِ حَتَّى لَا أَرَى وَلَا
أَسْمَعَ وَلَا أَجِدَ وَلَا أَحِسَّ إِلَّا بِهَا وَاجْعَلِ اللَّهُمَّ
فِنَائِي فِي أَنْعُمِ تَجَلِّيَاتِ رُوحِي وَرُوحِهِ سِرَّ
حَقِيقَتِي وَحَقِيقَتِهِ جَامِعَ عَوَالِمِي بِتَحْقِيقِ الْحَقِّ
الْأَوَّلِ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ إِسْعَفْ
نِدَائِي بِمَا سَمِعْتَ بِهِ نِدَاءَ عَبْدِكَ زَكَرِيَّا وَانْصُرْنِي
بِكَ لَكَ وَأَيِّدْنِي بِكَ لَكَ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ غَيْرِكَ أَللّٰهُ أَللّٰهُ أَللّٰهُ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ

عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرَادُّكَ اِلٰى مَعَادٍ رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ
لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا رَبَّنَا
اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا
رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا

درود یکہ منسوب بسوی حضرت غوث الاعظم قدس سرہ سے بکرت ہے

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَفْضَلَ صَلَوٰتِكَ اَبَدًا وَّاَنْمٰى بَرَكَاتِكَ
سَرْمَدًا وَّاَزْلٰى تَحِيَّاتِكَ فَضْلًا وَّعَدَدًا وَّاَسْنٰى
سَلَامِكَ اَبَدًا مُّجَدَّدًا عَلٰى اَشْرَفِ الْخَلَآئِقِ الْاِنْسَانِيَّةِ
وَمَجْمَعِ الدَّقَآئِقِ الْاِيْمَانِيَّةِ وَطُوْرِ التَّجَلِّيَاتِ الْاَحَدِيَّةِ
وَمَهْبَطِ الْاَسْرَارِ الرَّحْمَانِيَّةِ وَاسِطَةِ عِقْدِ النَّبِيِّيْنَ وَ
مُقَدَّمِ جَيْشِ الْمُرْسَلِيْنَ وَقَآئِدِ كَتَبِ الْاَنْبِيَآءِ
الْمُكَرَّمِيْنَ وَاَفْضَلِ الْخَلَآئِقِ اَجْمَعِيْنَ وَحَامِلِ

لِوَاءِ الْعِزِّ الْأَعْلٰى وَمَالِكِ أَزِمَّةِ الْمَجْدِ الْأَسْنٰى
شَاهِدِ أَسْرَارِ الْأَزَلِ وَمُشَاهِدِ أَنْوَارِ السَّوَابِقِ
الْأُوَلِ تَرْجُمَانِ لِسَانِ الْقِدَمِ وَمَعْدَنِ
الْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَالْحِكَمِ مَظْهَرِ سِرِّ الْوُجُودِ الْجُزْئِيِّ
وَالْكُلِّيِّ وَإِنْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ الْعُلْوِيِّ
وَالسِّفْلِيِّ رُوحِ جَسَدِ الْكَوْنَيْنِ وَسِرِّ حَيَاتَيِ
الدَّارَيْنِ الْمُتَحَقِّقِ بِأَعْلٰى رُتْبَةِ الْعُبُودِيَّةِ وَالْمُتَخَلِّقِ
بِأَسْرَارِ الْمَقَامَاتِ الْإِصْطِفَائِيَّةِ سَيِّدِ
الْأَشْرَافِ وَجَامِعِ الْأَوْصَافِ الْخَلِيلِ الْأَعْظَمِ
وَالْحَبِيبِ الْأَكْرَمِ نَبِيِّكَ الْعَظِيمِ وَرَسُولِكَ
الْكَرِيمِ وَالْهَادِي إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ فِي الْإِيجَادِ
وَالْوُجُودِ الْفَائِزِ لِكُلِّ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

نُوْرِ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدَاهُ وَسِرِّ كُلِّ سِرٍّ وَسَنَاهُ
سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ
وَحَبِيْبِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَ
اَهْلِ بَيْتِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا
عَدَدَ خَلْقِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَرِضٰى نَفْسِكَ
وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ كُلَّمَا ذَكَرَكَ الذَّاكِرُوْنَ
وَكُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِكَ الْغَافِلُوْنَ وَرَضِيَ
اللّٰهُ عَنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَجْمَعِيْنَ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ هٰذَا اٰخِرُ مَا اَرَدْنَا اِيْرَادَهٗ فِيْ
هٰذِهِ الرِّسَالَةِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ
اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى
وَاجْعَلْ عَاقِبَتَنَا
خَيْرًا مِّنَ الْاُوْلٰى

بعون اللہ تعالی وحسن توفیقہ کتاب فوائد الانتساب و
سلوک المسمی بسبیل الرشاد من تصنیف علامۃ ا
عارف کامل ولی مکمل اعظم خلیفہ حضرت شا
ولی اللہ محدث دہلوی حضرت شا
محمد عاشق پھلتی استاد مولانا شاہ عبد الغ
دہلوی قدس اللہ اسرارہم حسب فرمائش جنا
خلق اتم مصدر ہم فاضل کامل عالم عامل جنا
مولوی فتح علی آخر شہر محرم الحرام ۱۲۷۴
بکمال ورود وصد وہفتاد وچہار
بہجری در مطبع محمدی
در شہر کلکتہ محلہ ماللہ باہتمام
حاجی علی حسین
طبع نمود

ASIATIC SOCIETY
SOCIETY